

MARVEL
COMICS

THE INFINITY GAUNTLET

\$2.50 US
\$3.00 CAN
2
AUG
© 01769

APPROVED BY THE
COMICS
CODE
AUTHORITY



WWW.MARVEL.COM

(c) 2010 Marvel Characters, Inc. All rights reserved.

همه چیز هستی بر وفق مراد تانوس است که ۶ سنگ بینهایت را بدست آورده است.

الان جهان هستی
در مسیر درست قرار خواهد
گرفت.

و در تناسب با
دید منحصر بفرد از
آنچه باید باشد.

پوچگرایی
در اوج خواهد
بود!

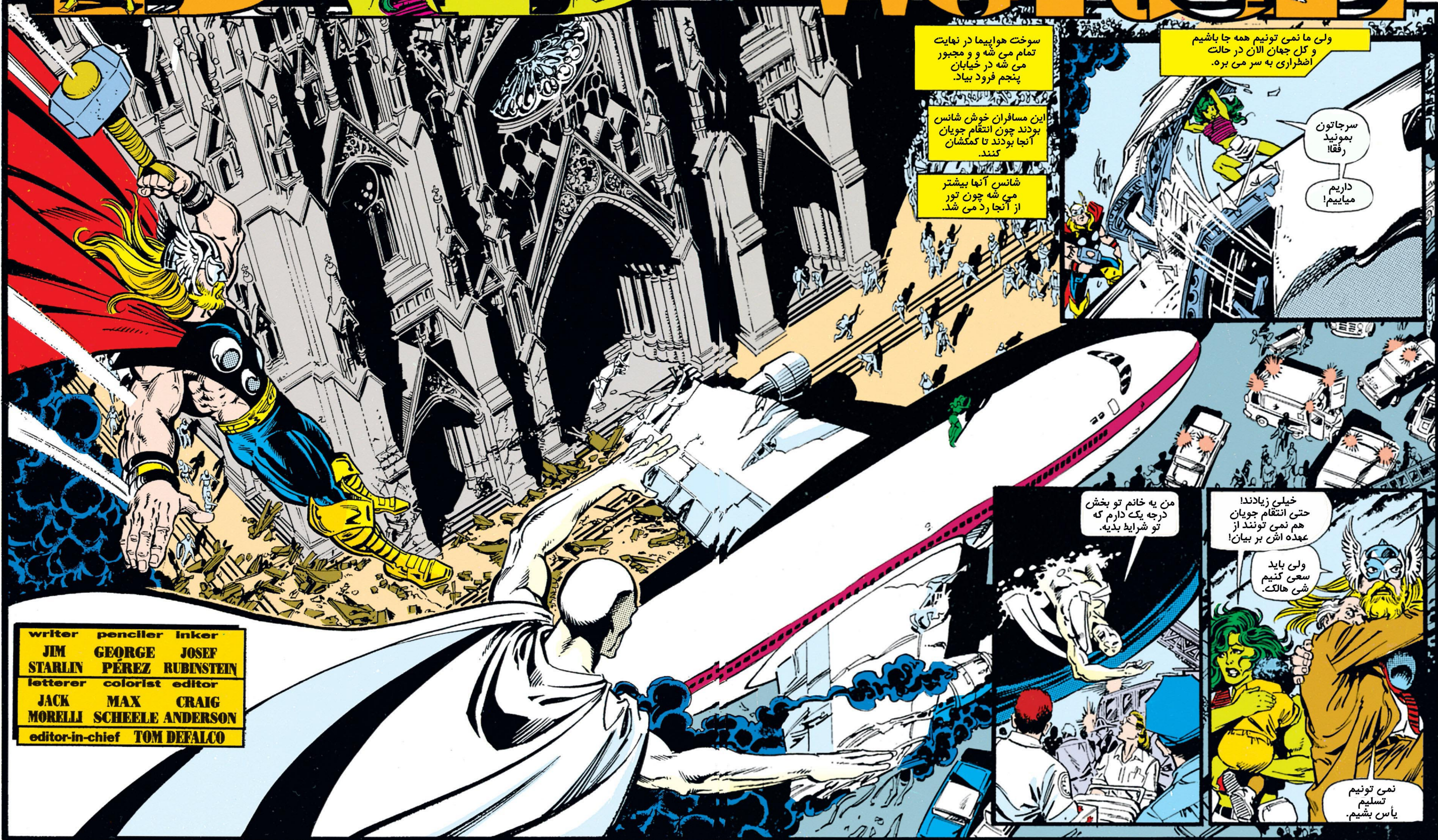
Stan
Lee
presents



ناپدید شدن افراد اتفاق می افتد و خلبان و کمک خلبان ناپدید می شوند.

پرواز شماره ۸۰۷ مسیر دایره ای را تکرار می کند و منتظر اجازه ورود است...

FROM BRAD TO WORSE



سوخت هواپیما در نهایت تمام می شه و مجبور می شه در خیابان پنجم فرود بیاد.

این مسافران خوش شانس بودند چون انتقام جویان آنجا بودند تا کمکشان کنند.

شانس آنها بیشتر می شه چون تور از آنجا رد می شه.

ولی ما نمی توئیم همه جا باشیم و کل جهان الان در حالت اضطراری به سر می بره.

سر جاتون بمونید رفقا! داریم میاییم!

من به خانم تو بخش درجه یک دارم که تو شرایط بدیه.

خیلی زیادند! حتی انتقام جویان هم نمی تونند از عهده اش بر بیان!

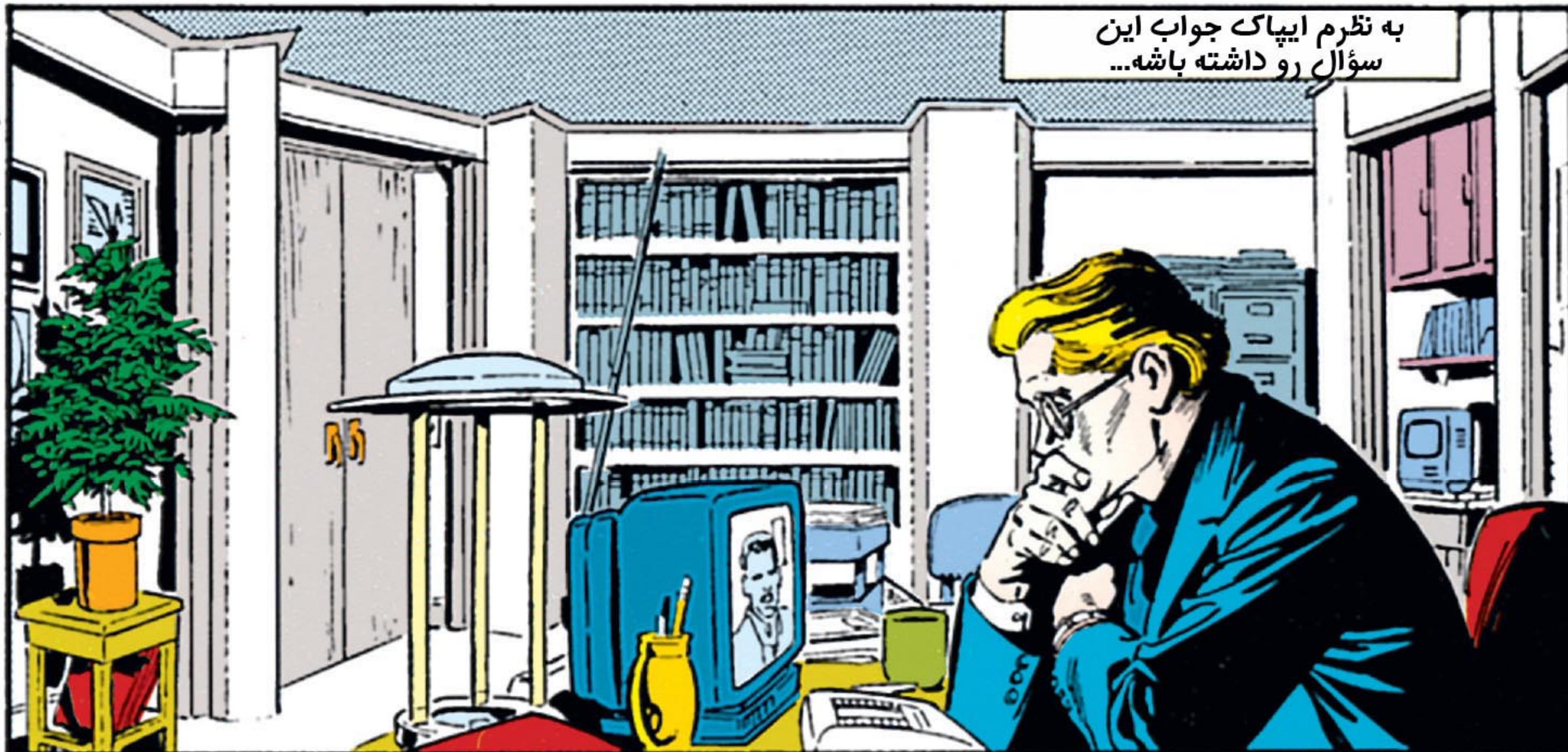
ولی باید سعی کنیم شی هالک.

نمی توئیم تسلیم یاس بشیم.

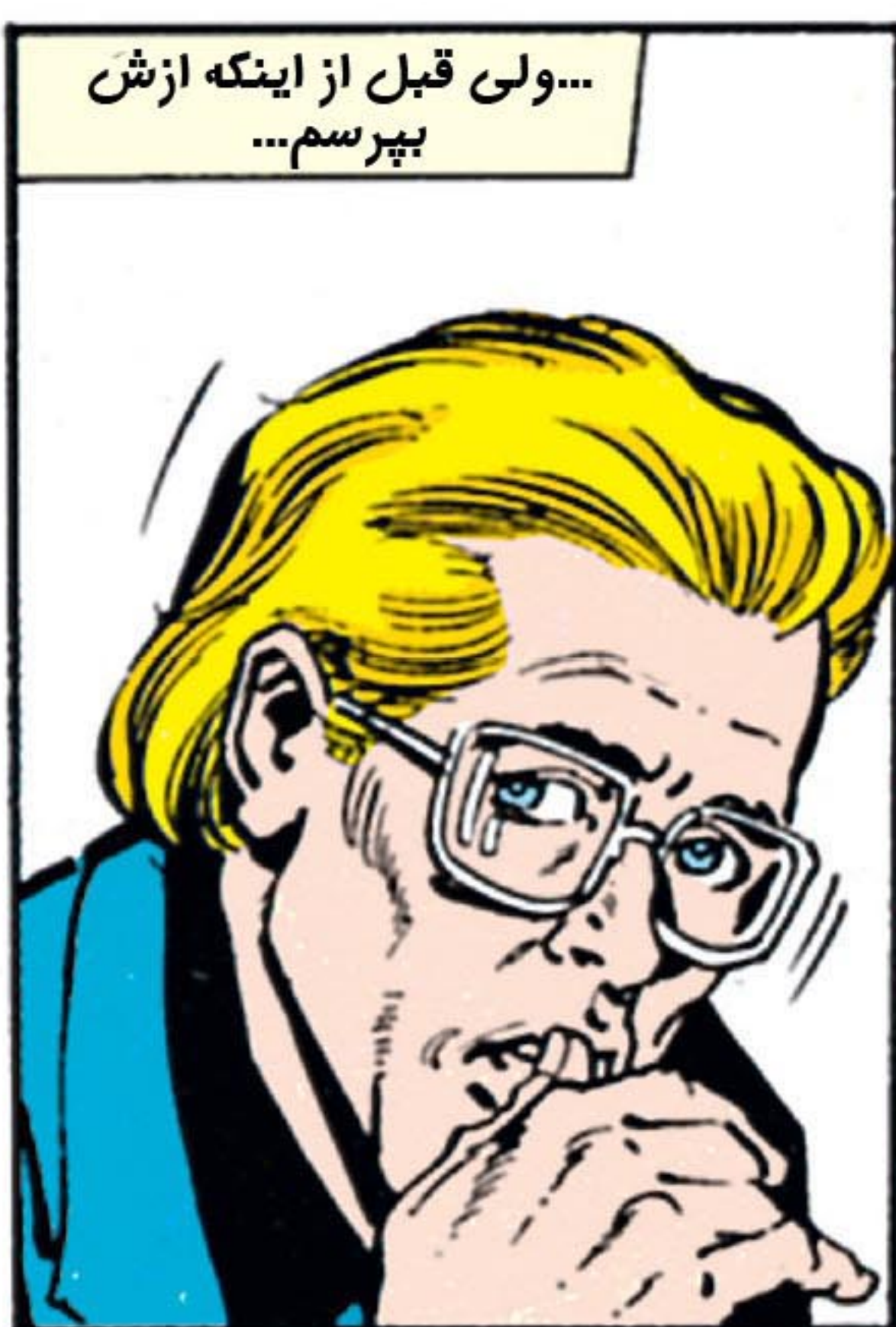
writer penciler inker
JIM GEORGE JOSEF
STARLIN PEREZ RUBINSTEIN
letterer colorist editor
JACK MAX CRAIG
MORELLI SCHEELE ANDERSON
editor-in-chief TOM DEFALCO



وقتی اولین اخبار مربوط
به ناپدید شدن های بزرگ
منتشر شد، من در دفتر کار
خودم در شرکت
سیستم های امنیتی ووگن
بودم و به این فکر می کردم
که چکار می شه کرد.



به نظرم ایپاک جواب این
سؤال رو داشته باشه...



...ولی قبل از اینکه ازش
بپرسم...



به ما ملحق
شو قهرمان...

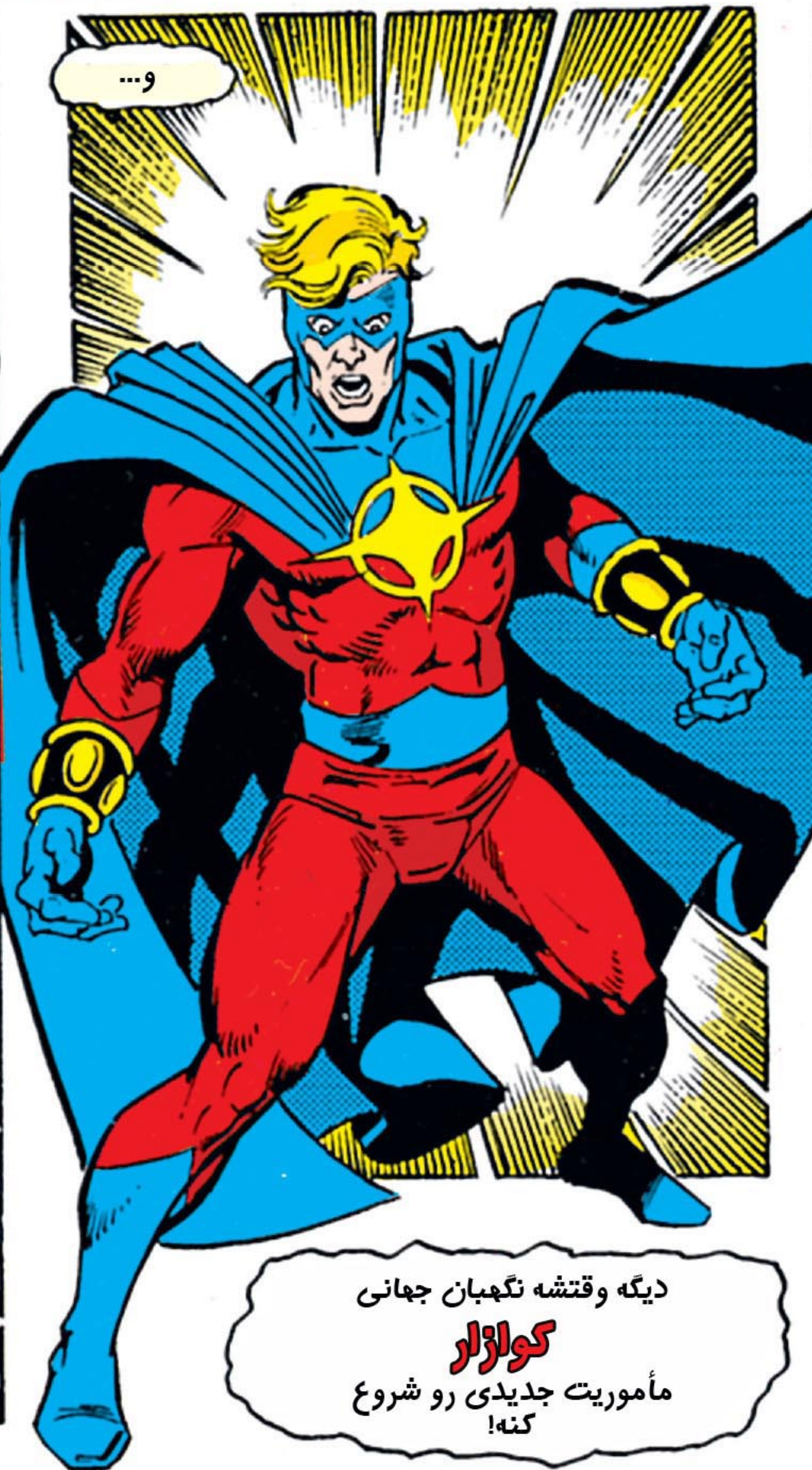


ایپاک؟



اون کیه
پیشته؟

کسی که به من
فهمونده شرایط فعلی
جهان هستی تا چه
حد خطرناکه!



و...

دیگه وقتشه نگهبان جهانی
کولزر
مأموریت جدیدی رو شروع
کنه!

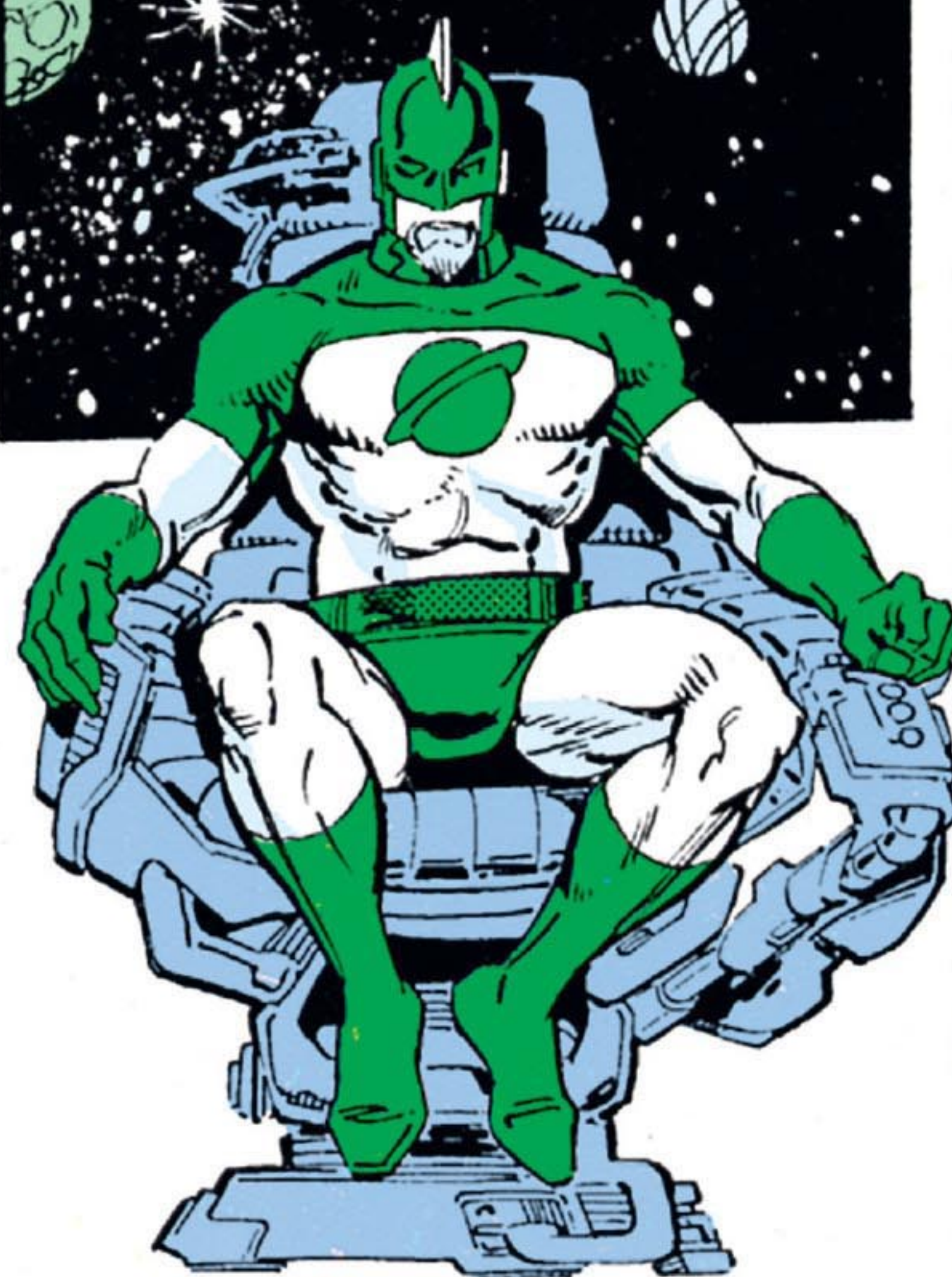


باید یه ملاقات
ستاره ای ترتیب بدم...!

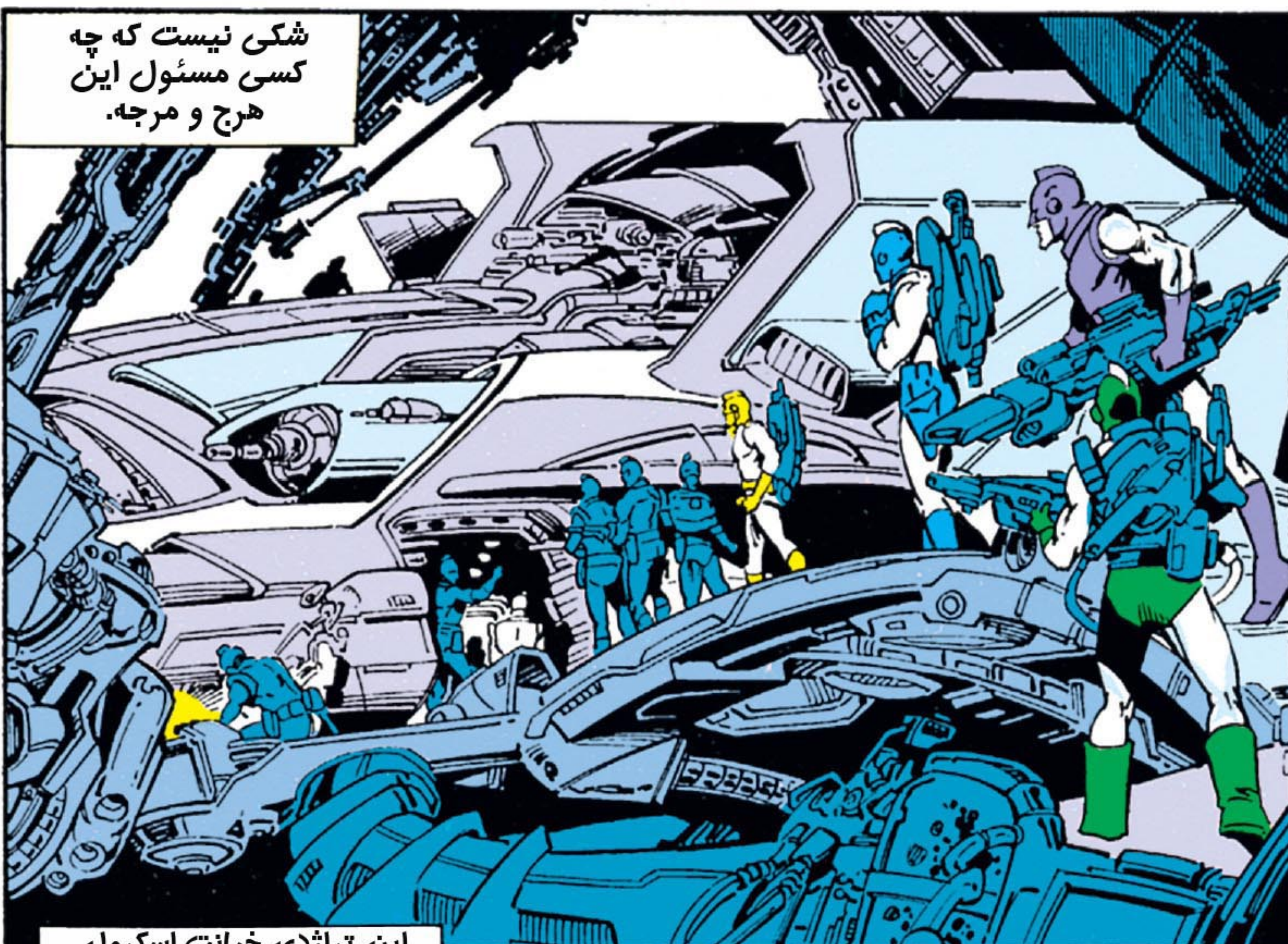
گزارش سفینه: کاپیتان دی سی
گزارش می ده.

گزارش های خبری از هر
سوی امپراطوری
سرازیر شده اند.

نیمی از جمعیت ما
ناپدید شدند.



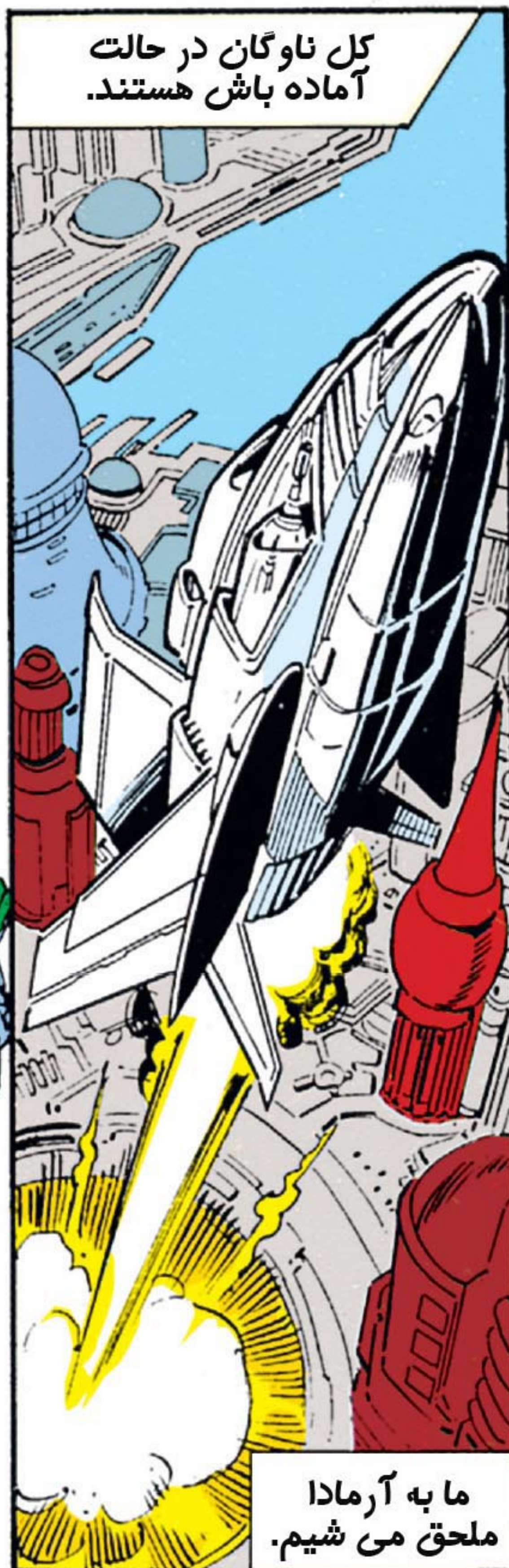
شکی نیست که چه
کسی مسئول این
هرج و مرجه.



این تراژدی خیانت اسکرو
رو به نقطه اوج رسونده.



کل ناوگان در حالت
آماده باش هستند.



ما به آرما
ملحق می شیم.

جنگ برای پایان دادن به
جنگ ها آغاز شده.



زنده باد امپراطوری
گری...!



شرایط معمان ناخوانده خونه من به شکلی بود که من فکر کردم شاید درخواست کمک از بیرون شرط ادب نباشه.



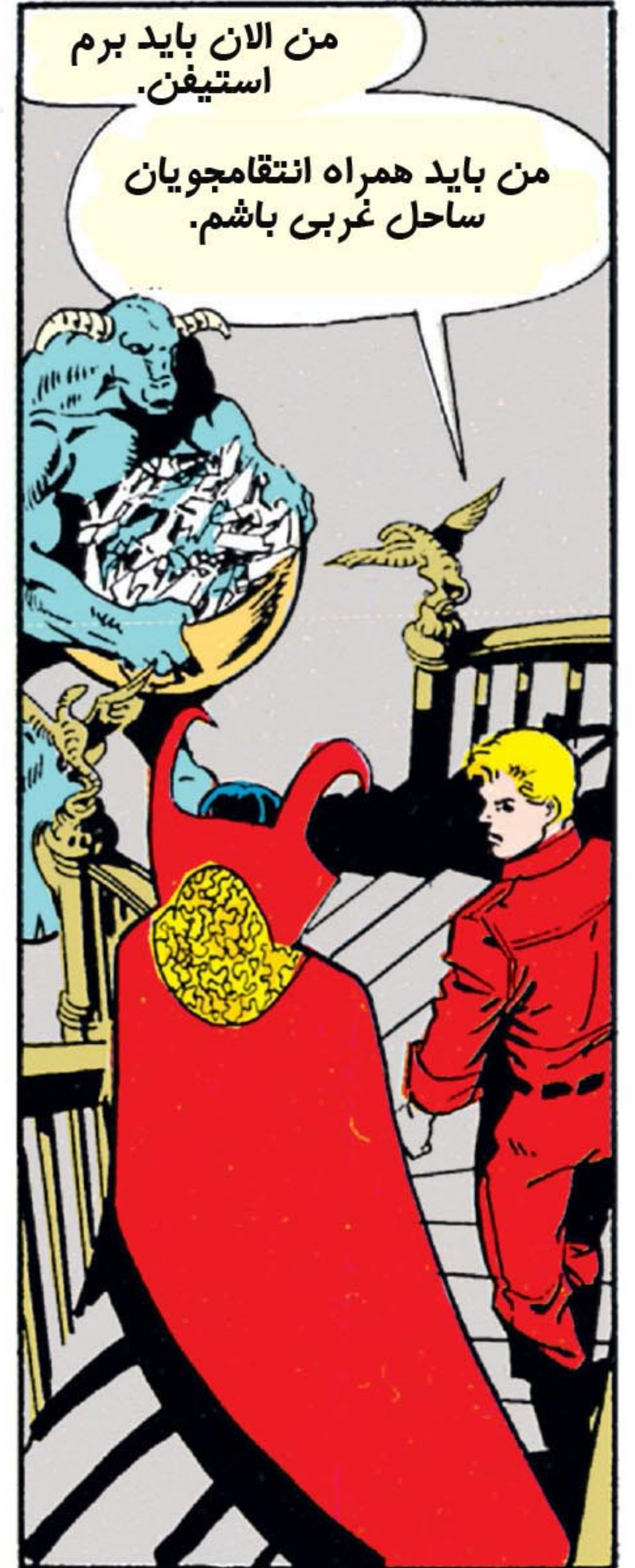
خوشبختانه دکتر هنری پیچ در شهر بود.



به نظر می رسه نقره سوار با دراز کشیدن زیر آفتاب داره توانشو بدست میاره.

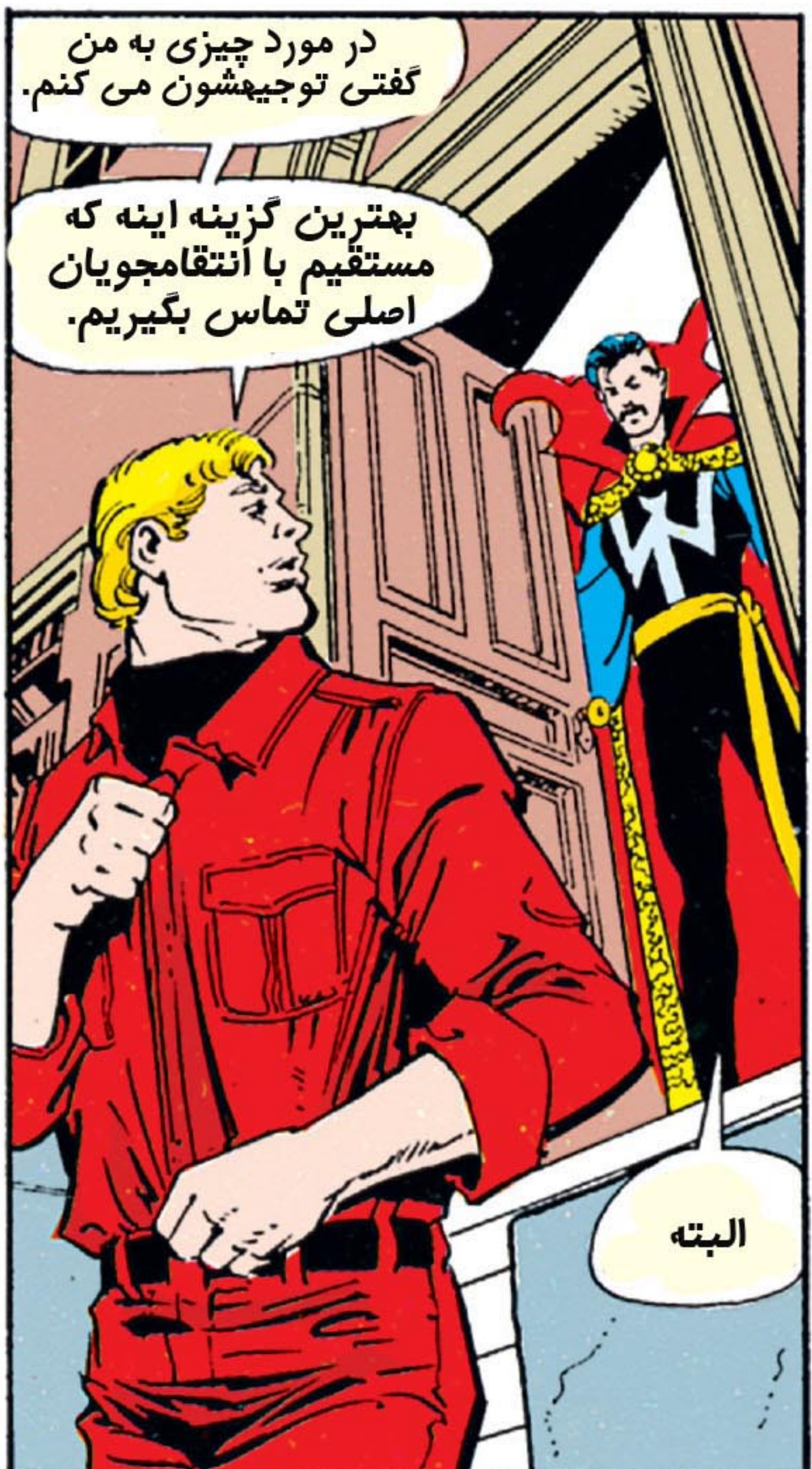
با فیزیولوژی فرازمینی که داره این بهترین درمان بود که به نظرم رسید.

به نظر می رسه مفید باشه.



من الان باید برم استیغف.

من باید همراه انتقامجویان ساحل غربی باشم.



در مورد چیزی به من گفتی توجیهشون می کنم.

بهترین گزینه اینه که مستقیم با انتقامجویان اصلی تماس بگیریم.

البته



ال... البته...

قربان؟

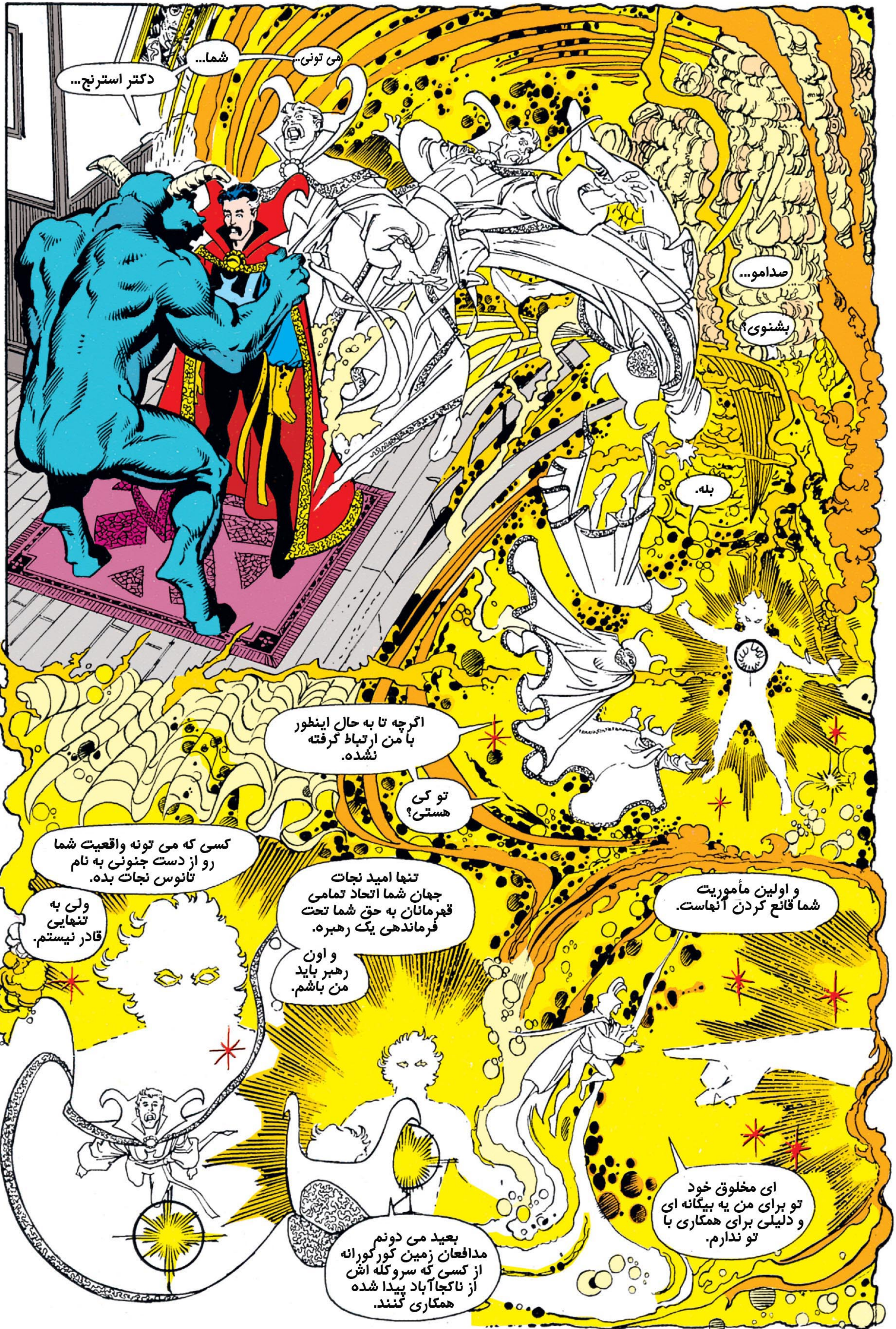


اتفاقی افتاده؟

قربان..؟



"با من حرف بزنید!"



دکتر استرنج...

شما...

می تونی...

صدامو...

بشنوی؟

بله.

اگر چه تا به حال اینطور
با من ارتباط گرفته
نشده.

تو کی
هستی؟

کسی که می تونه واقعیت شما
رو از دست جنونی به نام
تانوس نجات بده.

ولی به
تنهایی
قادر نیستم.

تنها امید نجات
جهان شما اتحاد تمامی
قهرمانان به حق شما تحت
فرماندهی یک رهبره.

و اون
رهبر باید
من باشم.

و اولین مأموریت
شما قانع کردن آنهاست.

ای مخلوق خود
تو برای من یه بیگانه ای
و دلیلی برای همکاری با
تو ندارم.

بعید می دونم
مدافعان زمین کور کورانه
از کسی که سروکله اش
از ناکجا آباد پیدا شده
همکاری کنند.

روشی است که با اون
می تونید بر مانع موجود
غلبه کنید.

می تونم
روحم رو پیش
روی تو
باز کنم.

ولی با این کار
روح تو در
من معلق می شه.

این تجربه ای نیست
که در حالت واقعی
بخوام انجام
بدم.

ولی خطری که
ما رو تهدید می کنه
خیلی بزرگه.

ولی باید
مراقب باشم.

من باید
ریسک کنم.

اگر هر خیانتی
حسن بکنم مایوس
می شی بغمی
چرا...

به من لقب استاد
علوم غریبه دادند.

قبول.

دخالت ارواح

ENOUGH!

نمی دونستم...

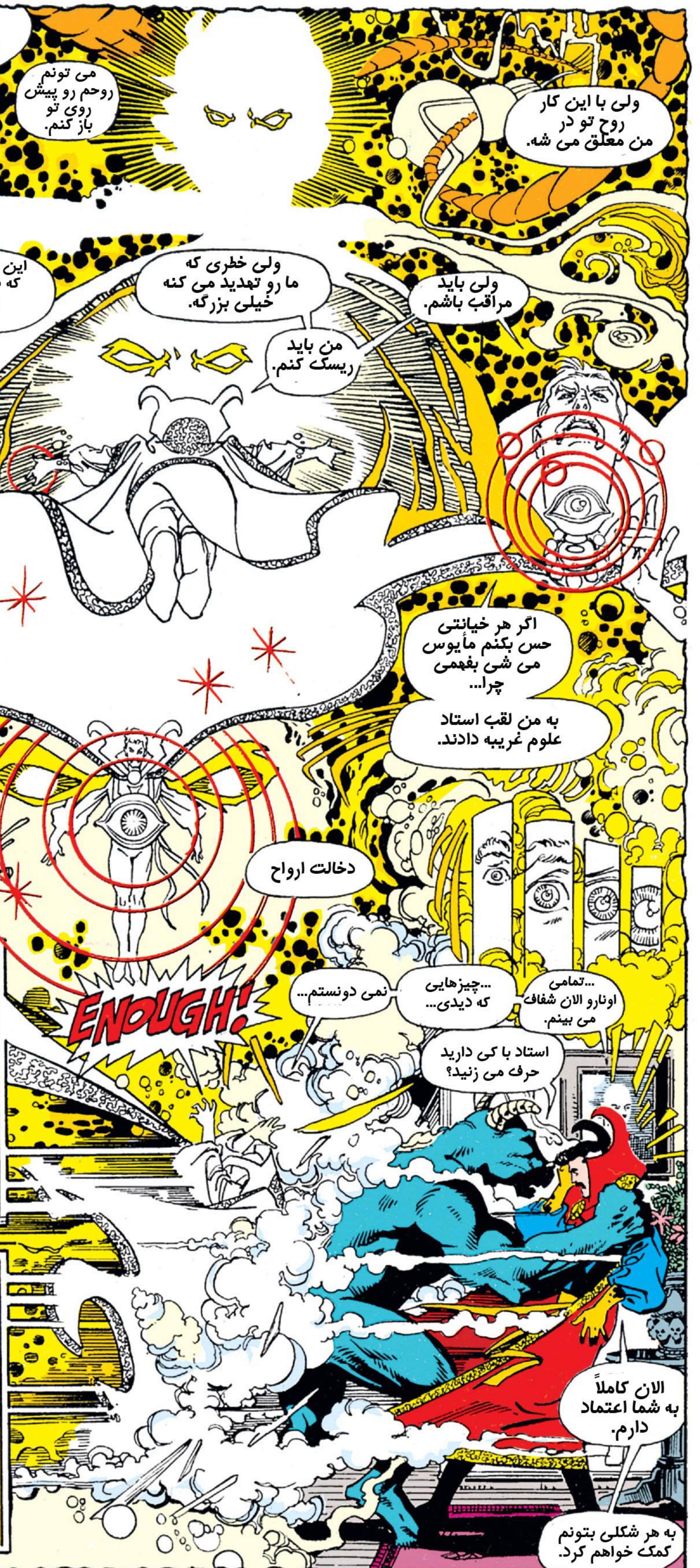
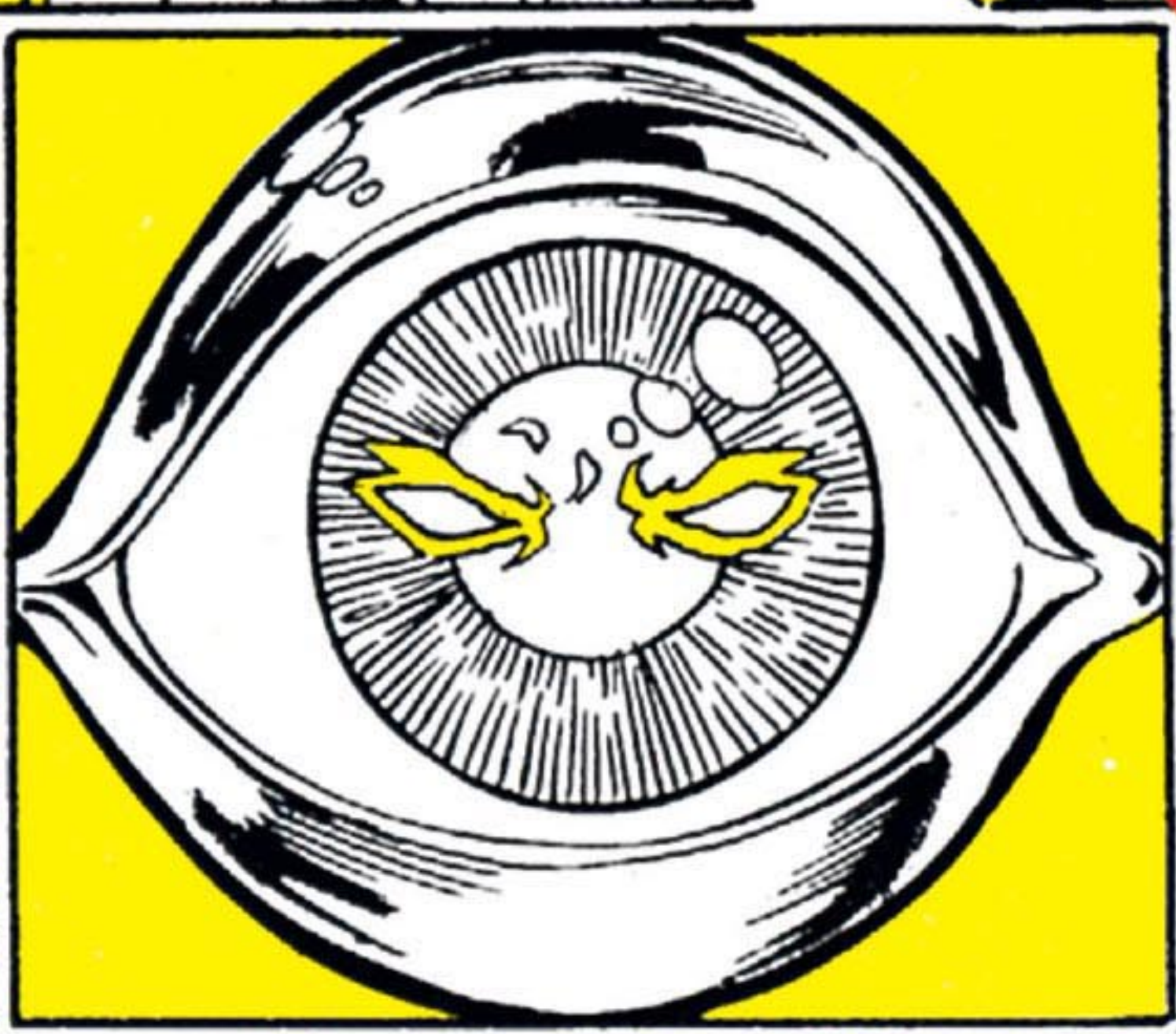
...چیزهایی
که دیدی...

...تمامی
اونارو الان شفاف
می بینم.

استاد با کی دارید
حرف می زنید؟

الان کاملاً
به شما اعتماد
دارم.

به هر شکلی بتونم
کمک خواهم کرد.



...این علائم به سمت خونه
دکتر استرنج نشونه رفتند.



چه ارتباطی می تونه
وجود داشته باشه؟

یک سری از تعاشقات مشابه از شهری
کوچک در شمال نیویورک دریافت می کنم.

خیلی
عجیبیه...

علائمی که کامپیوترهای من ثبت
می کنند نشون می ده که نیروی میبب
ناپدید شدن ها در نقطه ای دور
در کوهکشان قرار داره.

تا حالا علائمی تا به این حد
قدرتمند ندیدم!

چون این جهان منه. اینها مردمان
من هستند که ناپدید می شن.

این سؤالیه که باید جوابشو
پیدا کنم.

ولی این واقعیت هم وجود
داره که فاجعه هایی به این بزرگی
هوشمندی ای رو اعلام می کنه
که می تونه شانس بزرگی
باشه.

شانسی برای
توسعه دانش
علمی
و ..

...قدرت
...شخصی...

و هیچکس نباید با
چیزهایی که به
دکتر دوم
تعلق داره بازی
کنه!



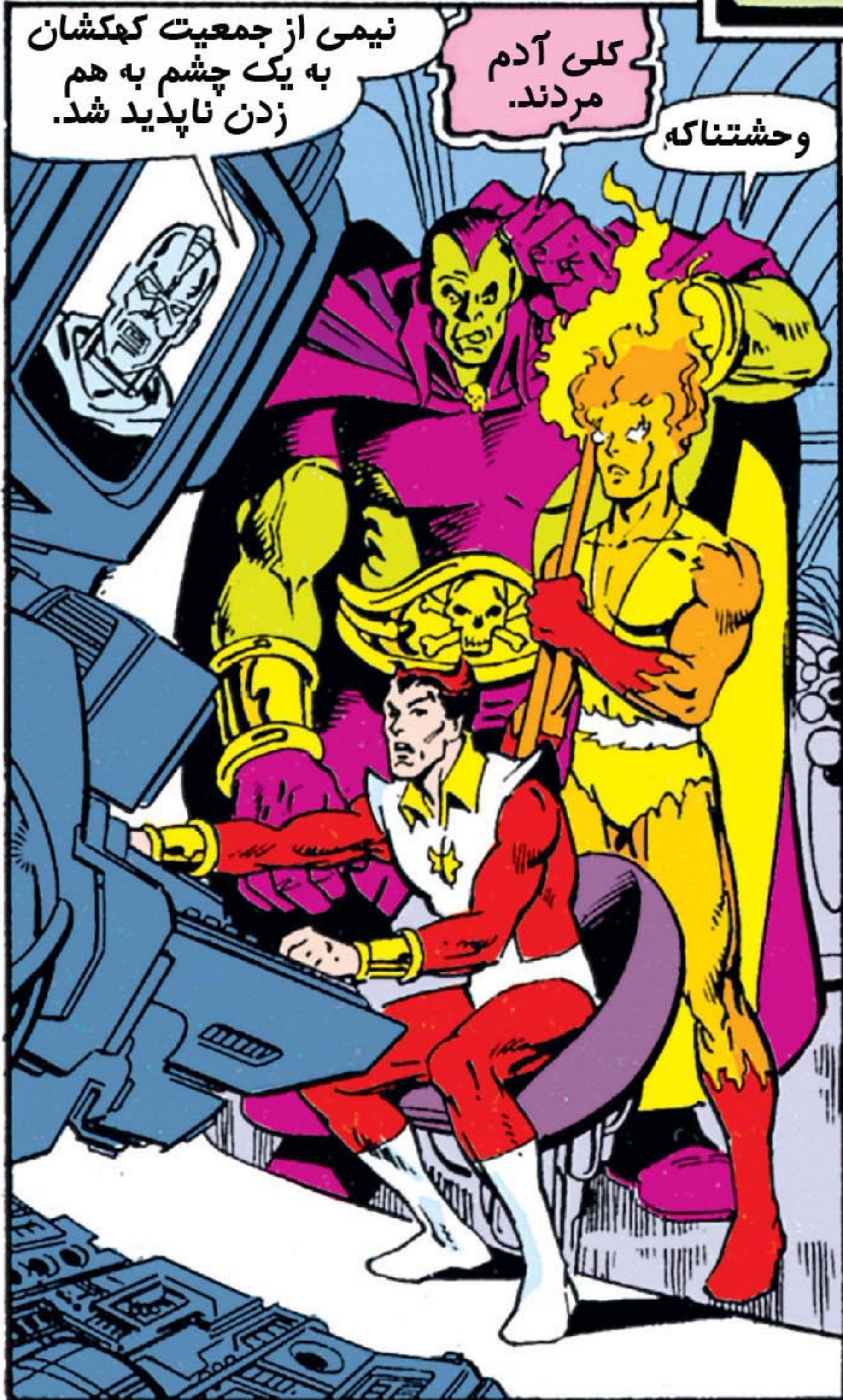


اوضاع در تیتان بده.

نابودگر مطمئن نیست چه اتفاقی افتاده

استاد اُمن ناپدید می شه و بعد...

علائم شبه فضایی نشانگر سراسری بودن این پدیده ناپدیدشدگی هستند.



نیمی از جمعیت کهکشان به یک چشم به هم زدن ناپدید شد.

کلی آدم مردند.

وحشتناکه

نمی دونم چطور این کارو کرده، ولی مطمئنم که کار برادرم تانوسه.



اگه می تونستم...

اروس...؟



اروس!

اول استاد بزرگ محو می شه... و حالا اروس!

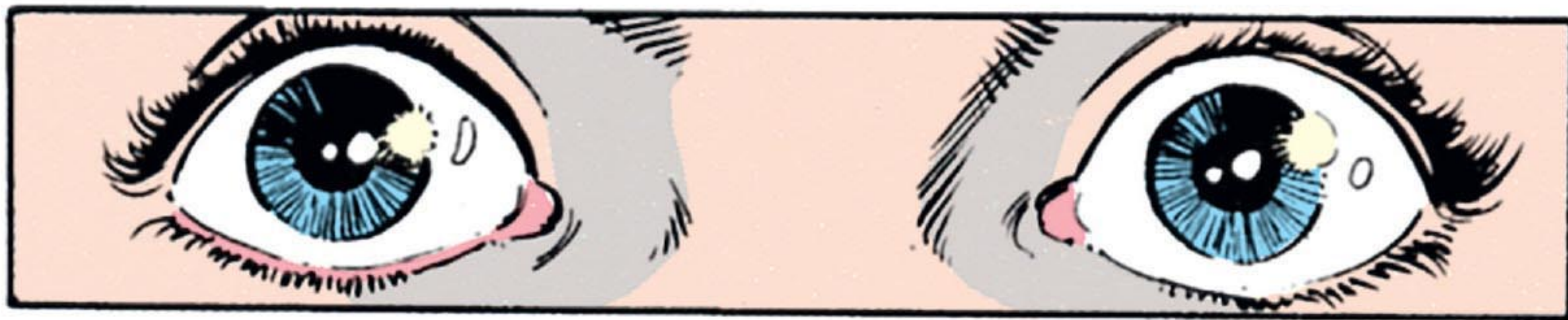
هاه؟

بعد چی می شه؟



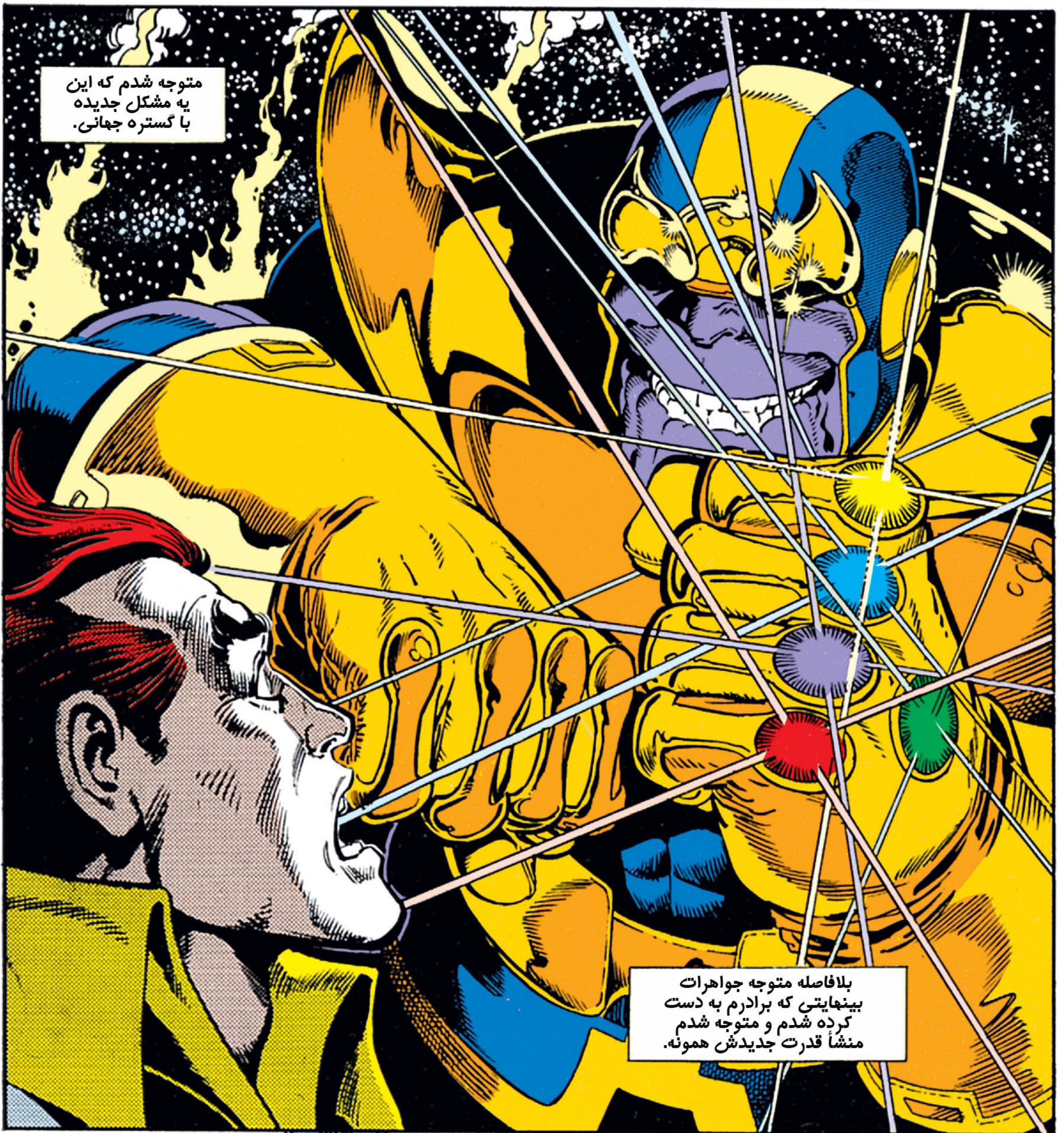
عصبی نشو... نفر بعدی کیه؟

من در طول زندگی
در شرایط پرخطر
زیادی بودم.



ولی همون لحظه
که چشم باز کردم...

متوجه شدم که این
یه مشکل جدیده
با گستره جهانی.



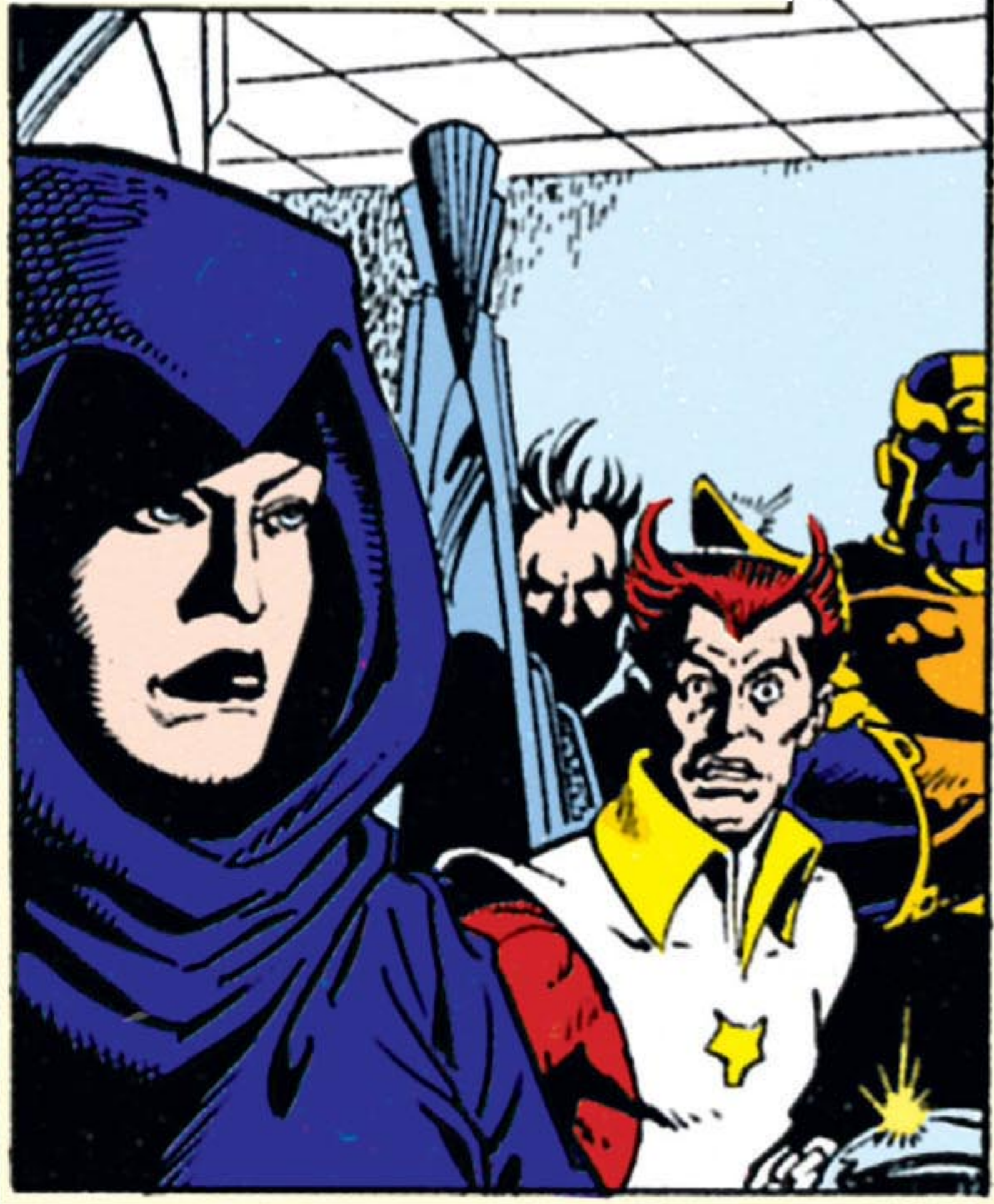
بلافاصله متوجه جواهرات
بینهایتی که برادرم به دست
کرده شدم و متوجه شدم
منشأ قدرت جدیدش همونه.

و اگر فکر می کنید
این به اندازه کافی
بد نیست، کمی دورتر
مفیسثو را دیدم
که شما شیطان
می نامید؟

بله عزیزان اینبار
تا خرخره درگیر شده بودم.



ملکه مرگ هم که هست. وجود شاهی
که هرگز نمی خواستم شاهدش باشم.



مدتی طول کشید تا متوجه
باشم روح سرگردانی که بی هدف
می گرده چه کسی است...



نوه دختر
تانوس
نییولا

اوضاع بدی داشت.



این یه
دوره می
خانوادگیه
برادر عزیز.

اجازه بده نییولا و شما
رو به هم معرفی کنم و
همینطور عشق خودم ملکه
مرگ.

مفیستو هم
مشاور منه.

ولی برادر تانوس این دوره می
چطور می تونه خانوادگی باشه وقتی
پدرمان بی ما نیست؟

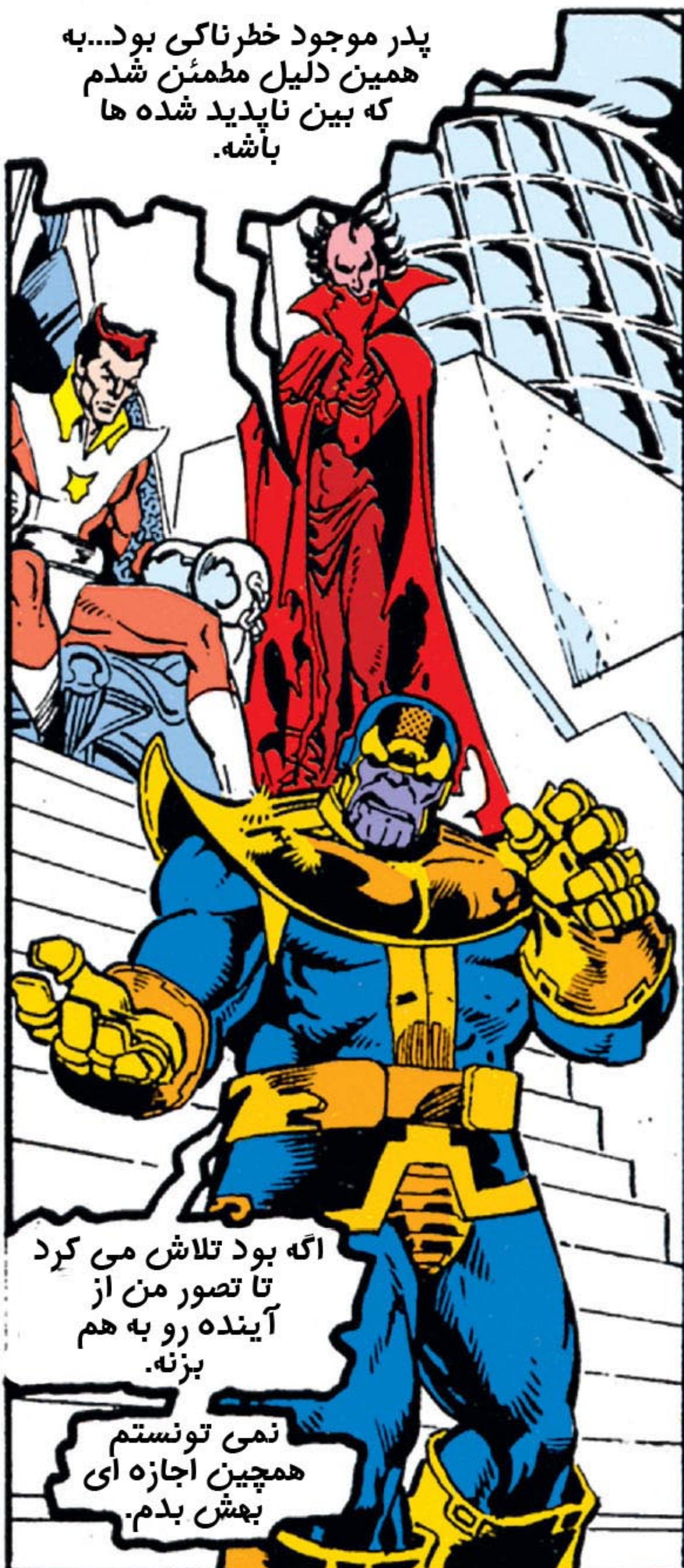


استاد بزرگ
دعوت نیست...



...هرگز
هم نخواهد
شد.

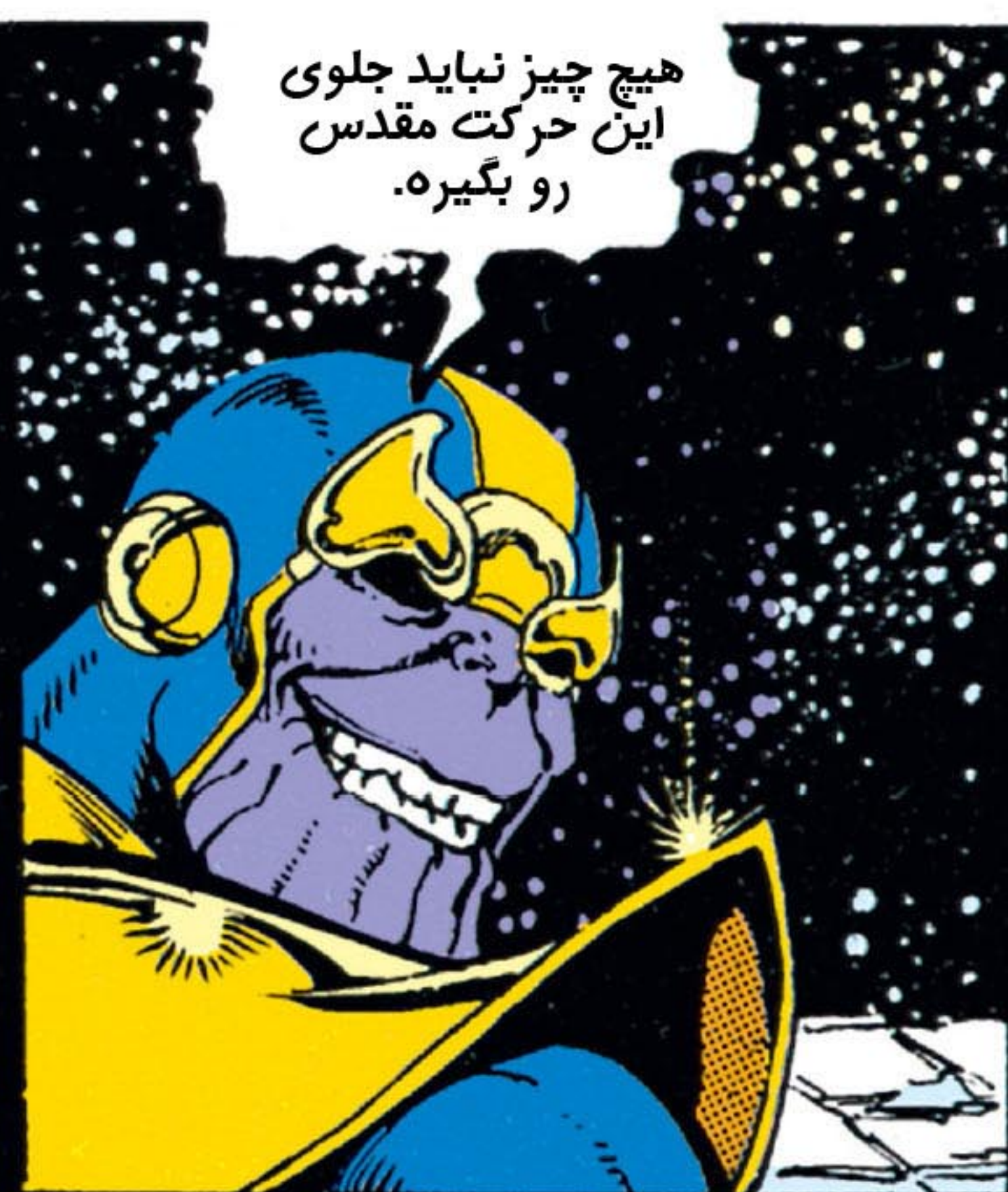
پدر موجود خطرناکی بود... به همین دلیل مطمئن شدم که بین ناپدید شده ها باشه.



الان قدرت بینهایت مال منه و با اون شکل جهان هستی رو تغییر می دم.



هیچ چیز نباید جلوی این حرکت مقدس رو بگیره.



پس هیچ چیزی نباید...

پس همه چیز قراره طبق اون چیزی تو برنامه ریزی کردی پیش بره برادر.



اگه بود تلاش می کرد تا تصور من از آینده رو به هم بزنه.

نمی تونستم همچین اجازه ای بهش بدم.

و اگر چیزی هست که بتونم کمکی باشم...

مثل استفاده از عواطف برای سوء استفاده از قدرت من؟

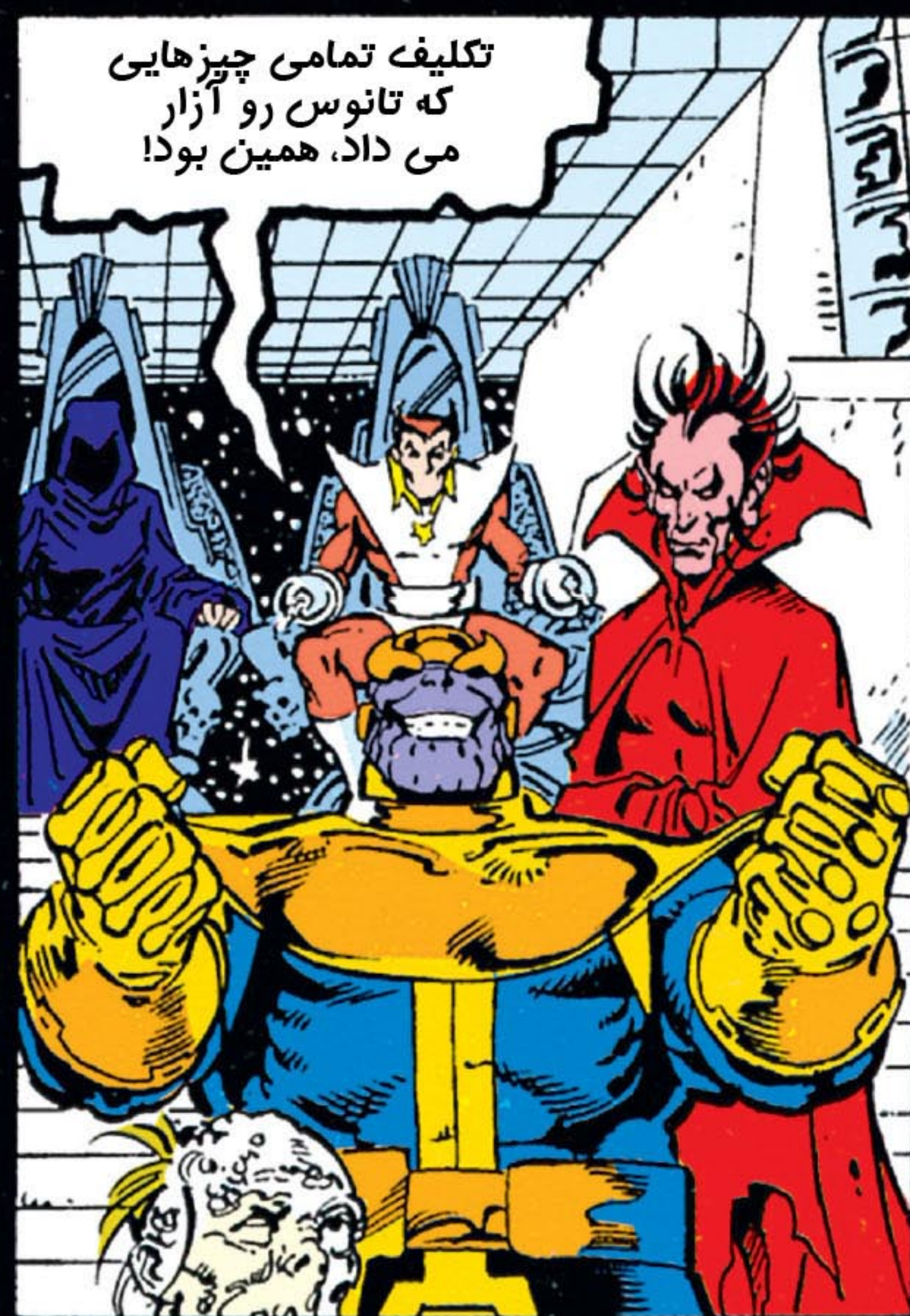


می خواهی بگم چقدر جذاب می تونی باشی اروس...

...بدون دهانت!

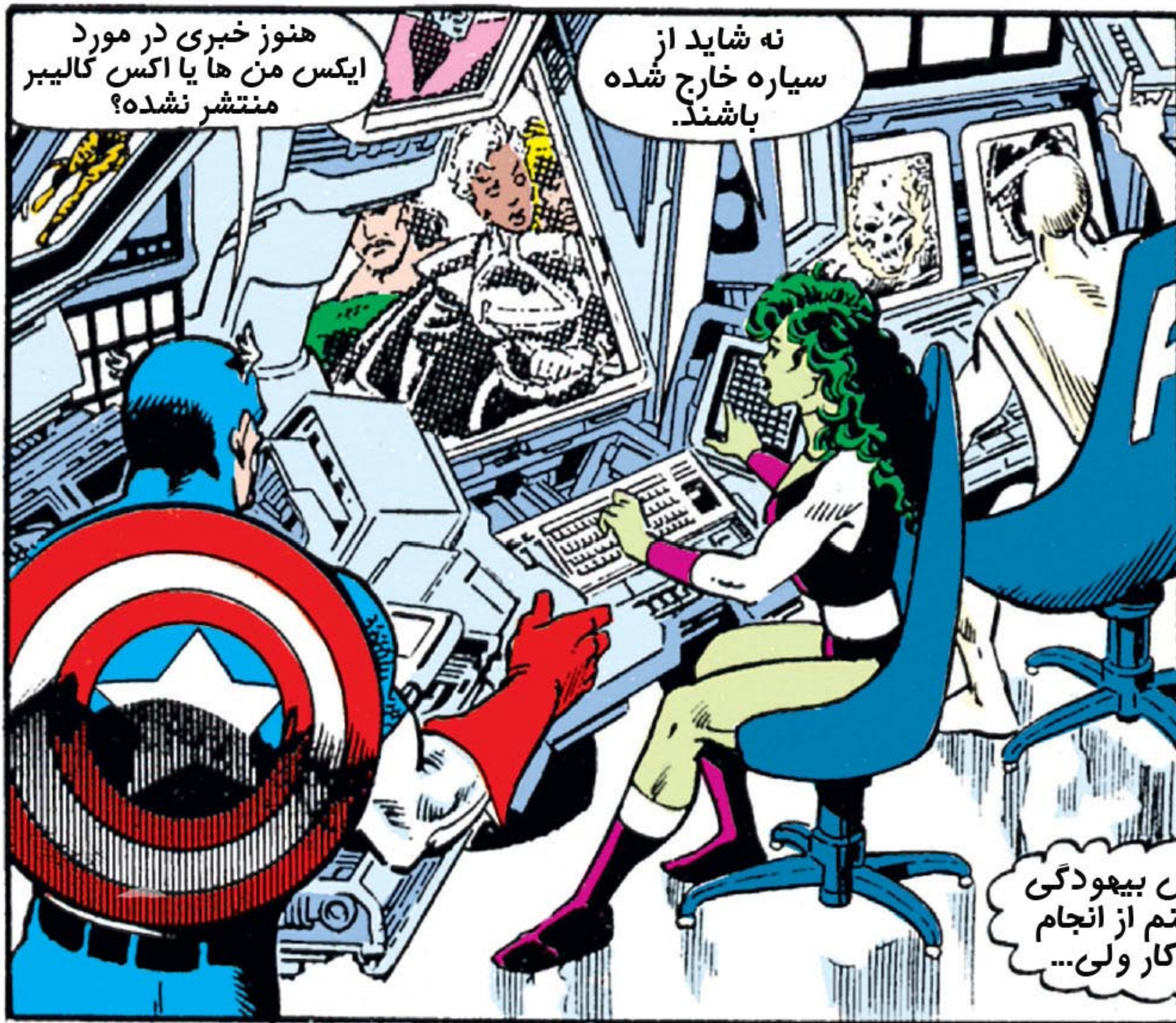


تکلیف تمامی چیزهایی که تانوس رو آزار می داد، همین بود!



آنچه آزار دهنده بود باید ساکت می شد.

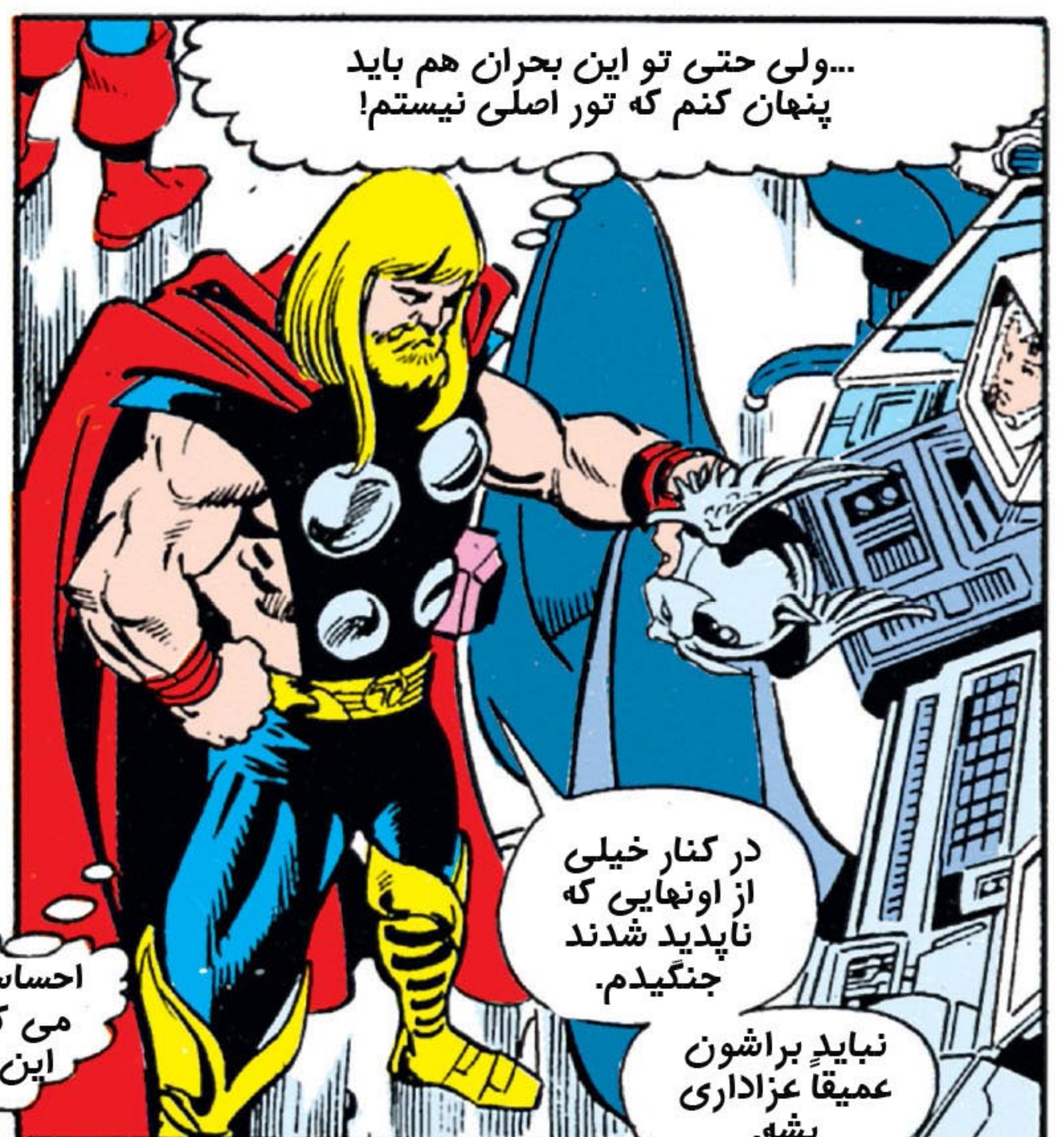




هنوز خبری در مورد
ایکس من ها یا اکس کالیبر
منتشر نشده؟

نه شاید از
سیاره خارج شده
باشند.

احساس بیهودگی
می کنم از انجام
این کار ولی...



...ولی حتی تو این بحران هم باید
پنهان کنم که تور اصلی نیستی!

در کنار خیلی
از اونهایی که
ناپدید شدند
جنگیدم.

نباید براشون
عمیقاً عزاداری
بشه.



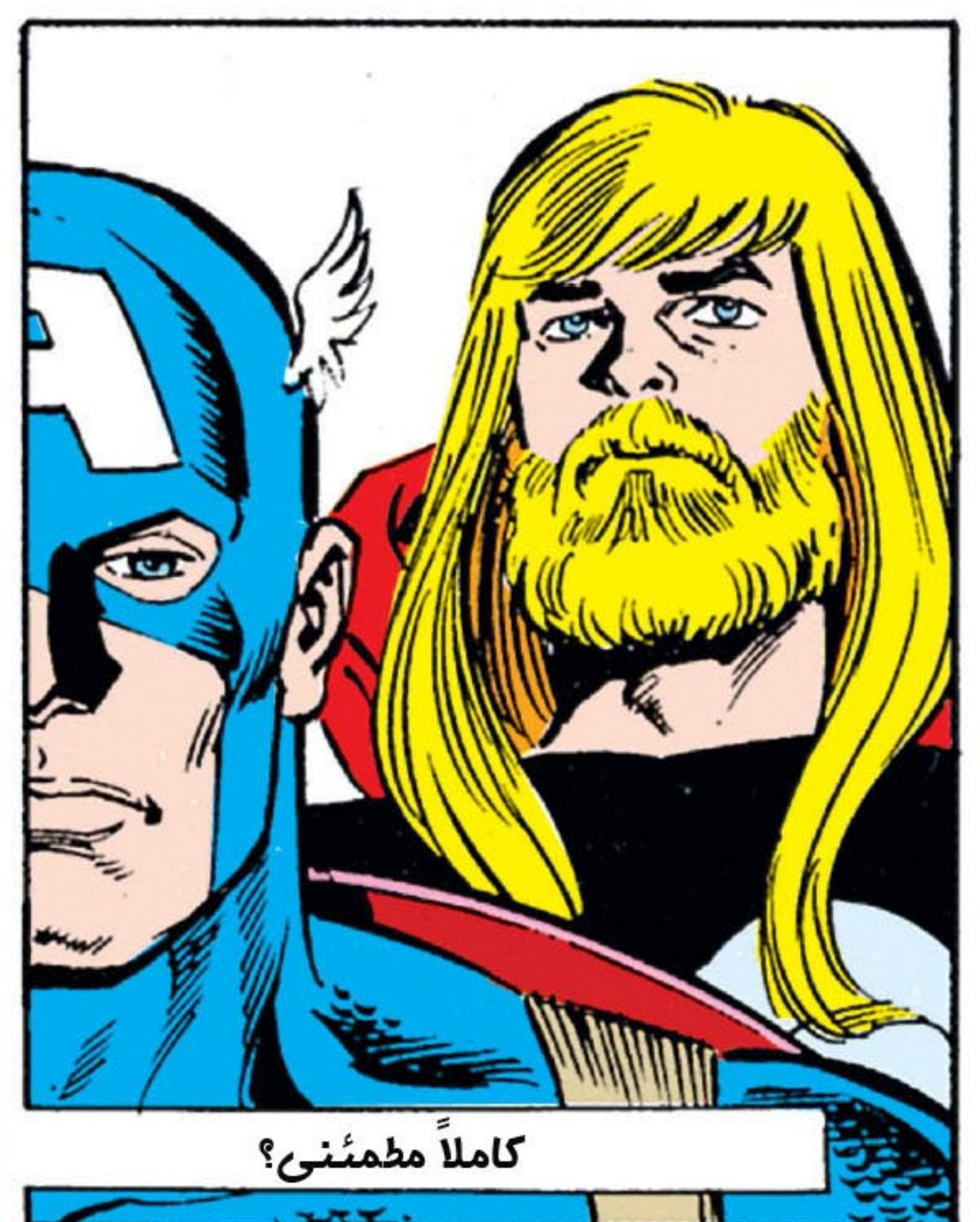
این خیلی
بده.

واقعاً
بده.

نمی تونه بدتر
از این باشه.



در موردش
مطمئنی
کاپیتان...؟

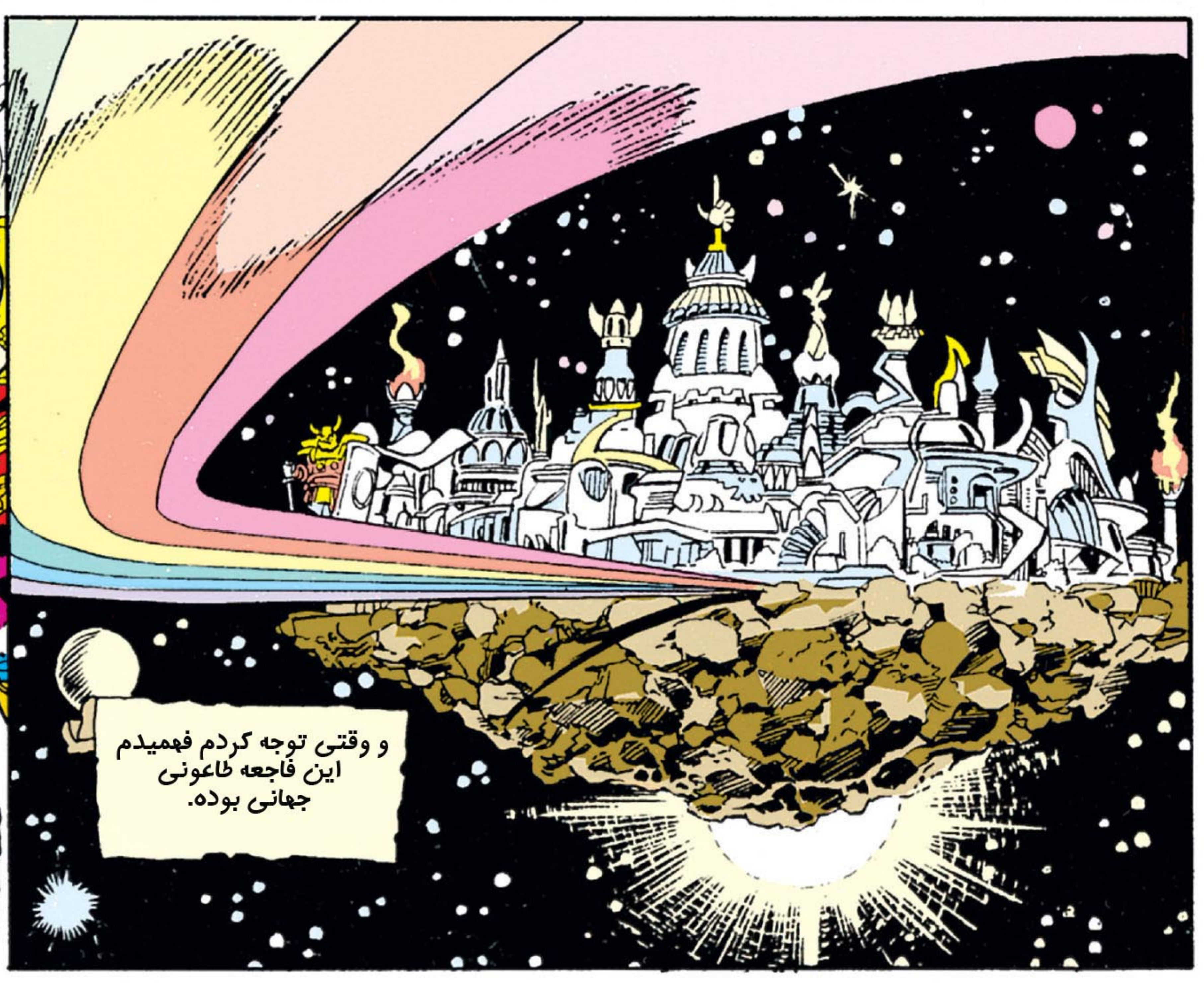


کاملاً مطمئنی؟

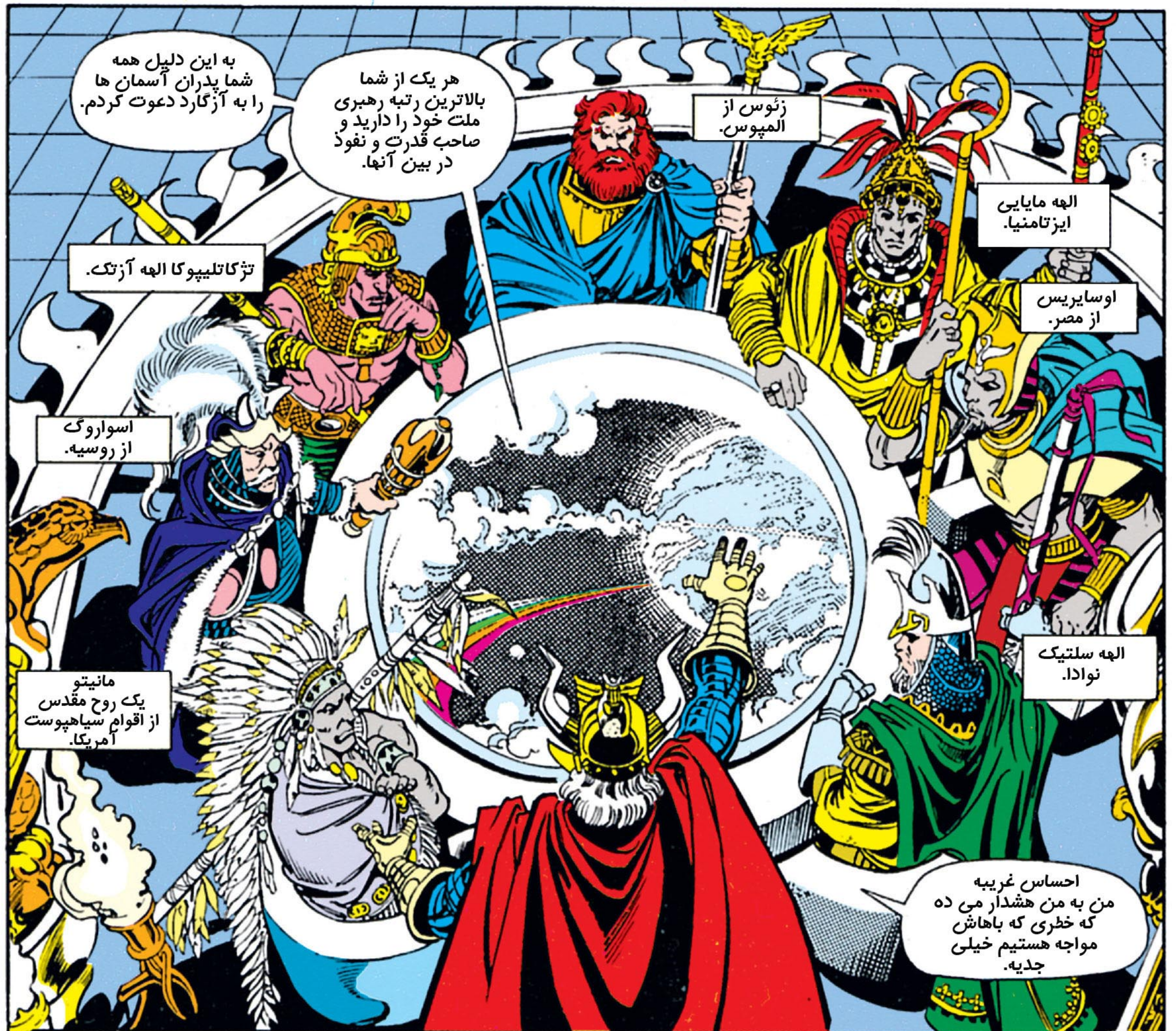


من اودن
کبیر، متوجه
نشدم که نیمی
از مردم در
چشم به هم رندی
محو شدند.

و بلافاصله چشم بند عزاداری
را به همین مناسبت
به چشم بستم.



و وقتی توجه کردم فهمیدم
این فاجعه طاعونی
جهانی بوده.



به این دلیل همه شما پدران آسمان ها را به آزگارد دعوت کردم.

هر یک از شما بالاترین رتبه رهبری ملت خود را دارید و صاحب قدرت و نفوذ در بین آنها.

زنوس از المپوس.

الهه مایایی ایزتامنیا.

اوسایریس از مصر.

تژکاتلیپوکا الهه آرتک.

اسواروک از روسیه.

مانیتو یک روح مقدس از اقوام سیاهپوست آمریکا.

الهه سلنیک نوادا.

احساس غریبه من به من هشدار می ده که خطری که باهاتش مواجه هستیم خیلی جدیه.



"...که برای غلبه بر اون به مجموع قدرت های ما نیاز هست."

من هم همین فکر می کنم.

دا.



پس بیایید با هم توافق کنیم که به عنوان نیروی جنگی متحد با دشمن وارد جنگ بشیم.



بذارید دشمن بدونه.

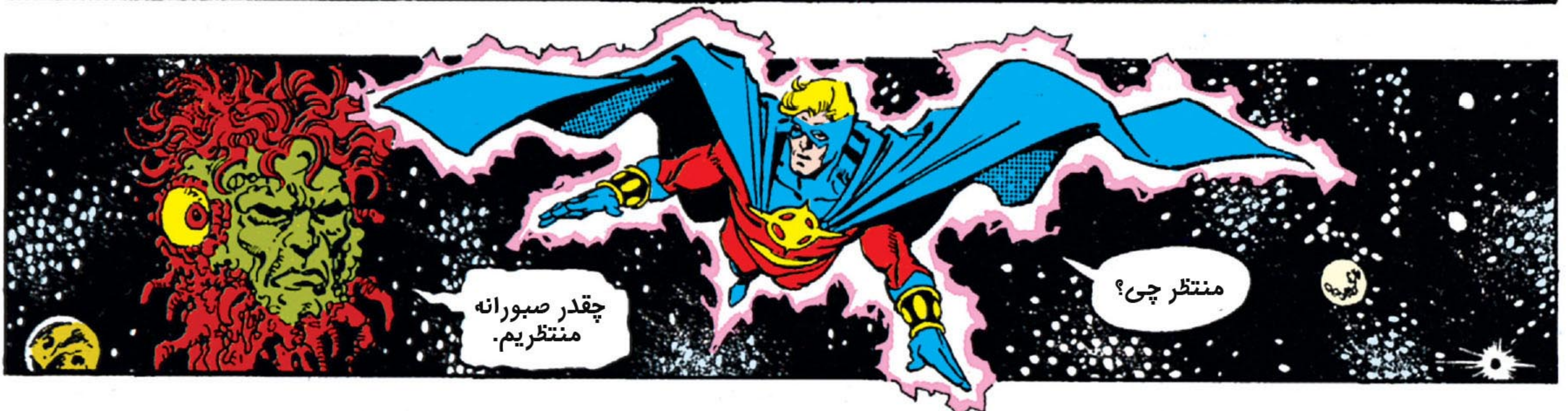
پدران آسمان در کنار هم خواهند بود.

ما با تو هستیم برادر اودین.

در فاصله ۲۰۰۰ سال
نوری از زمین.

خوب
رسیدیم.

الان
چی؟

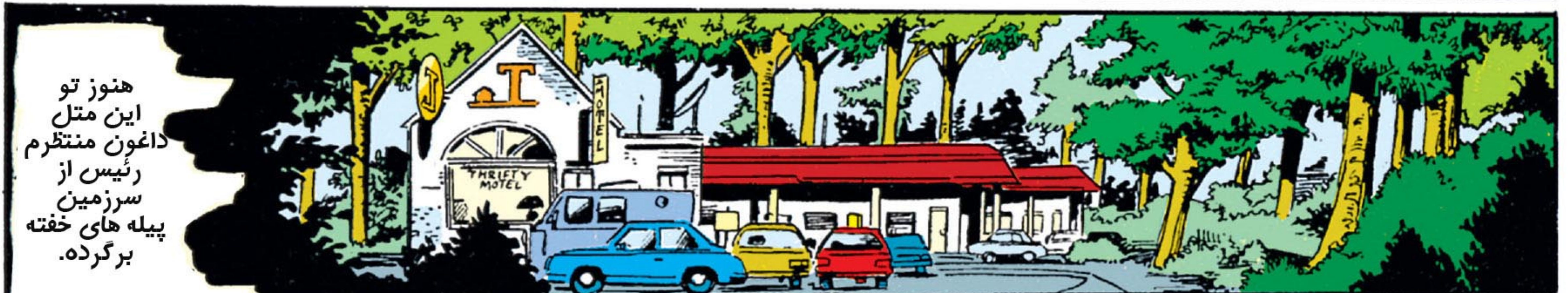


چقدر صبورانه
منتظریم.

منتظر چی؟



منتظر لحظه
وقوع.



هنوز تو
این مثل
داغون منتظر
رئیس از
سرزمین
پيله های خفته
برگرده.

کی می تونست
حدس بزنه که
این سیاره بتونه
همچین برنامه های
سرگرم کننده ای
بسازه؟



آخرش یه
کانال تو
تلویزیون پیدا
کردم که
کل هدفش
پر کردن
وقت مردم با
ناپدید شدن
تباشه.

نوشیدنی های مالت
همیشه نقشی بزرگ
تو زندگی پیپ
ترول داشتند.

حتماً، شاید بقیه جهان رفتند
تو تلویزیون.

ولی تا زمانی که من سیگار و
پفک و نوشیدنی داشته
باشم، دنیا به کاممه.





متأسفانه بهترین
مهمونی ها خیلی
زود تموم می شن.

HEY!



اگر چه باید به اون
پس داد...

...طرف واقعا می دونه
چطور باید وارد بشه.

یه ضد حال
واقعیه.



باشه آقای ضد حال کاری
کردی که دیگه نمی شه اینجا موند.

الان عازم
کجا ییم؟



بعد از
تاتووس!

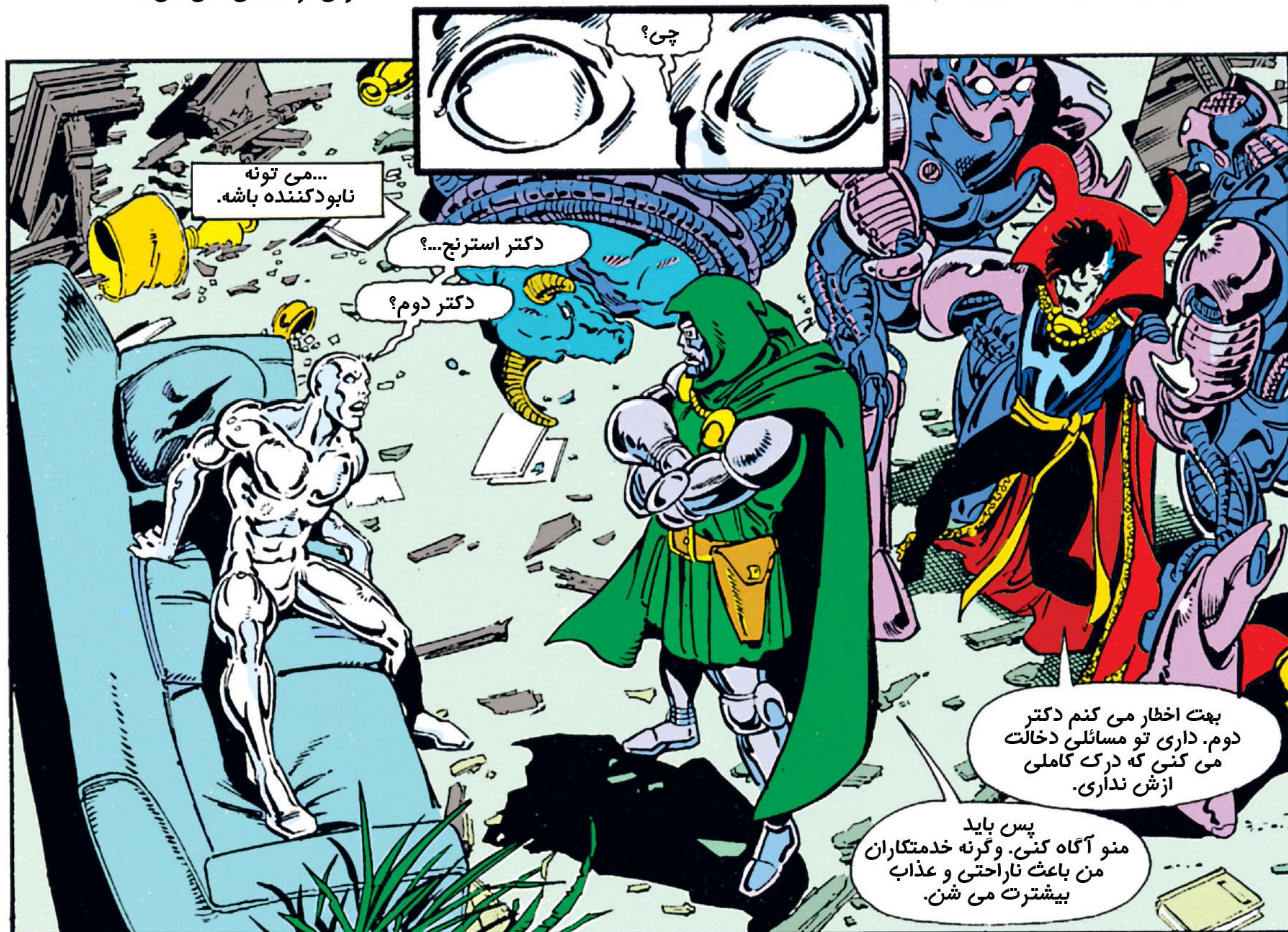
عالی شد.

دقیقا چیزی
که می خواستم
باشم.



ولی در لحظاتی مثل این...

...تجربه ای مضرب کننده و بیگانه ساز است...



چی؟

...می تونه نابودکننده باشه.

دکتر استرنج...؟

دکتر دوم؟

بهت اخطار می کنم دکتر دوم. داری تو مسائلی دخالت می کنی که درک کاملی ازش نداری.

پس باید منو آگاه کنی. وگرنه خدمتکاران من باعث ناراحتی و عذاب بیشتری می شن.



دوم! دوست منو رها کن!!

یا اینگه...



قربانی هوش و قدرت برتر می شی. مثل دفعه قبل که همدیگه رو دیدیم!

همون اتفاقی که برای من افتاد و من در نبرد با
تانوس نیروی خودم رو از دست دادم.



زمان بیشتری
لازم بود تا من
نیروی خودمو
به دست بیارم.

حالا، استرنج، منو با چیزهایی
که می دونی آشنا کن...



در مورد ناپدید شدن ها و نیروی
پشت اون...!

باید حرف
بزنم...

...و گرنه...

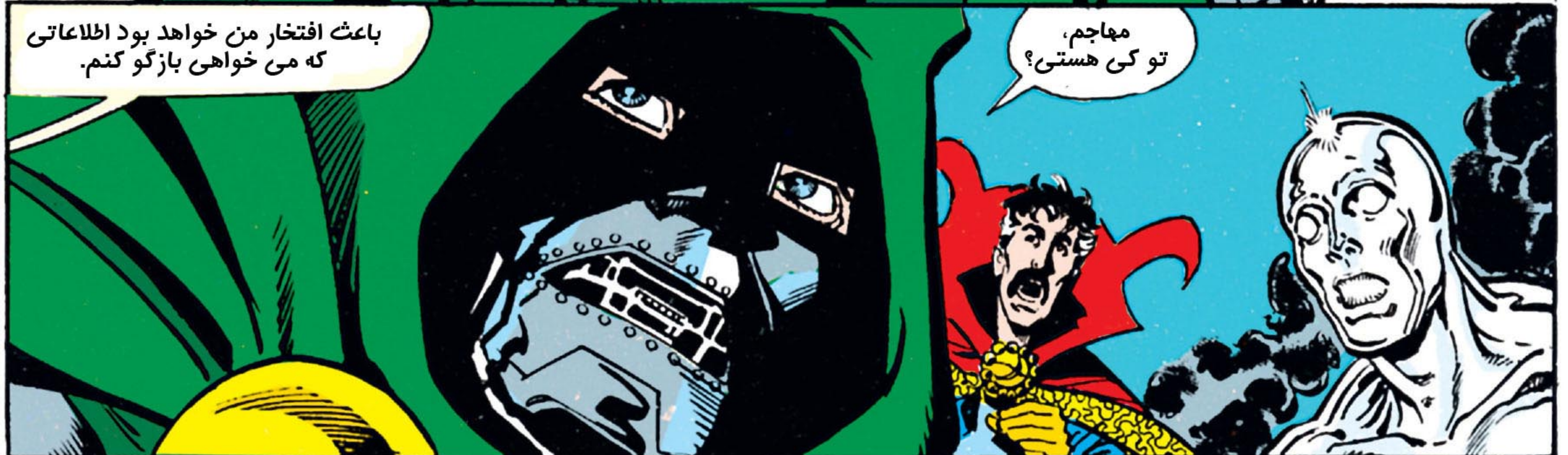


نیازی به تهدید
کسی نیست، دکتر عزیز.



باعث افتخار من خواهد بود اطلاعاتی
که می خواهی بازگو کنم.

مهاجم،
تو کی هستی؟



در زمان خودم به من می گفتند

آدام وار لای

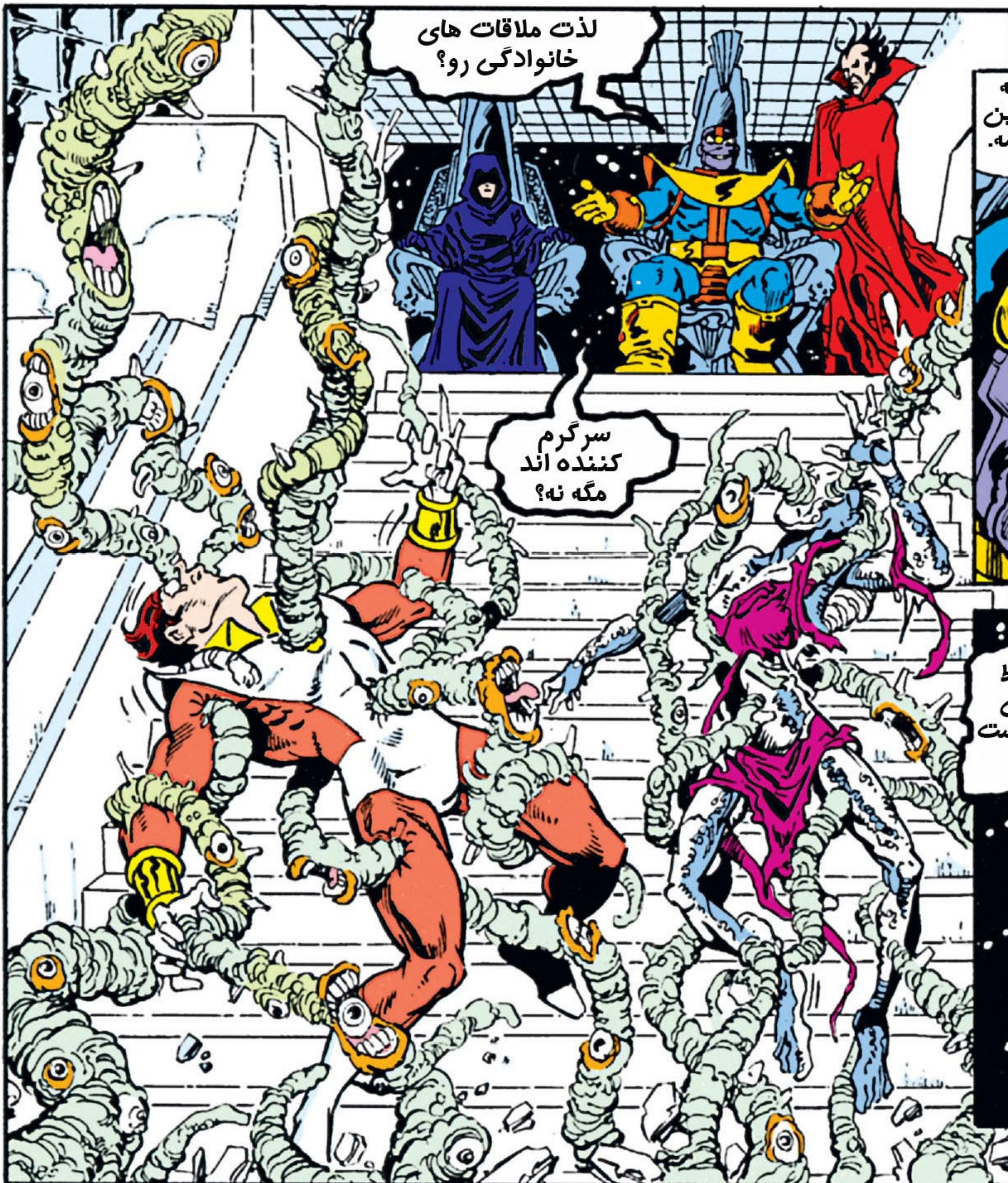
اگر تمایل
داشتید شما
هم به همین
اسم صدا کنید.



”مردی که همه فکر می کردند
در نبرد با تانوس حدود ده
سال پیش کشته شده.”



الان درک می کنی عزیزم...



لذت ملاقات های خانوادگی رو؟

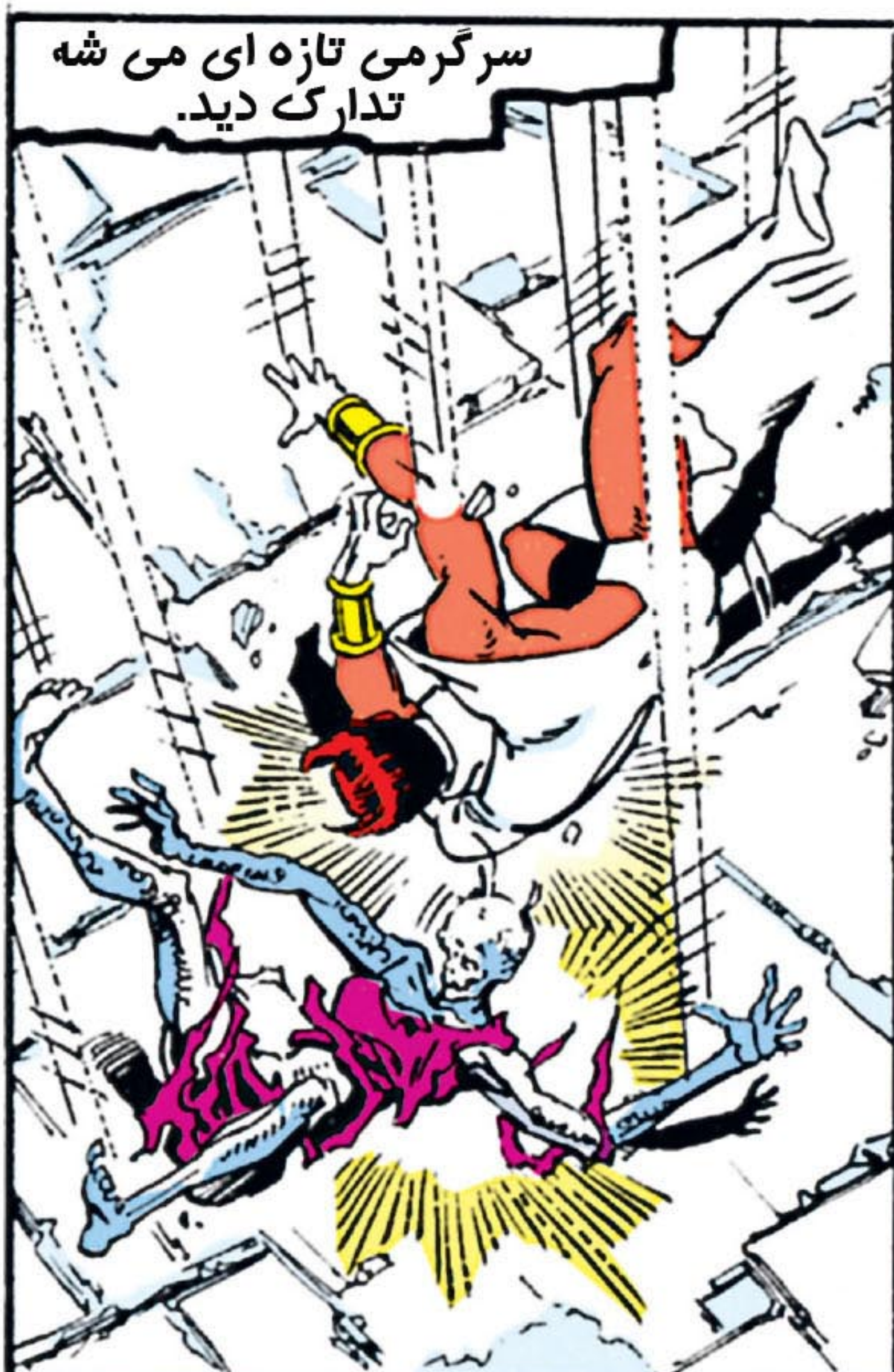
سرگرم کننده اند مگه نه؟



به نظر نمی رسه بانوی مرگ چنین نظری داشته باشه.



این شرایط رو پراحتی می شه درست کرد.



سرگرمی تازه ای می شه تدارک دید.



خدای من!

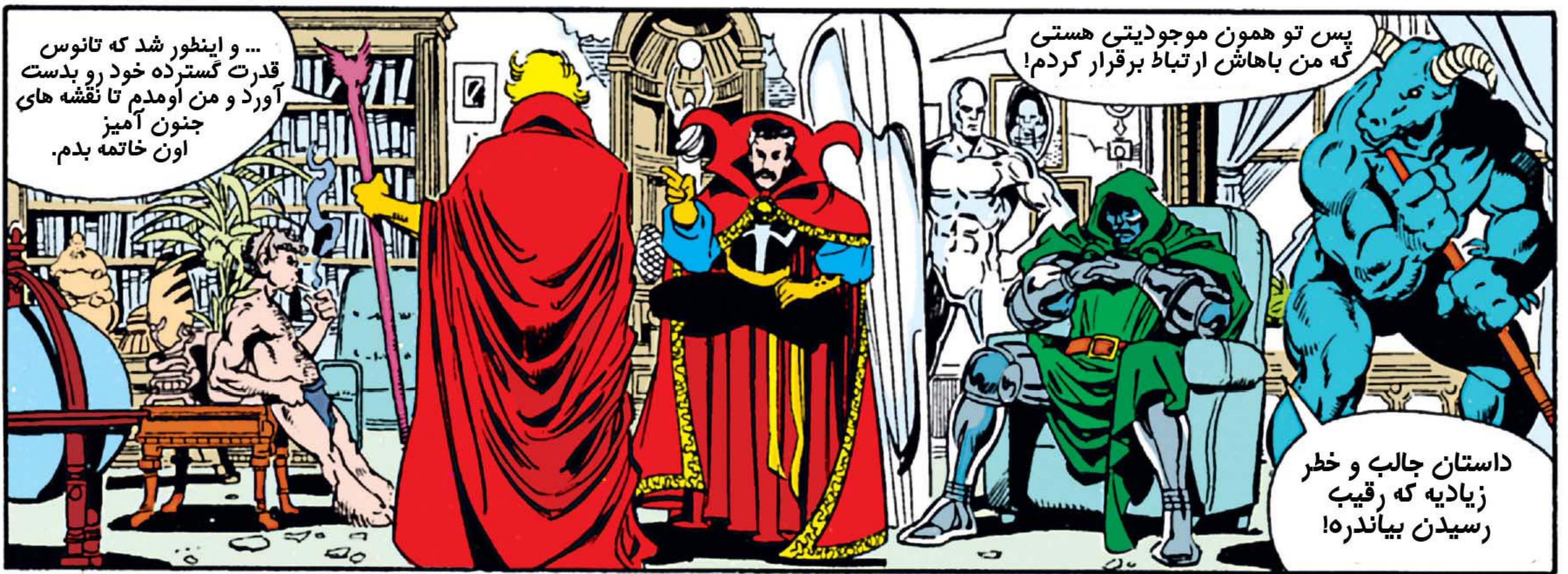
قدرت تازه تانوس کانلاً عقل از سرش پرونده!



کاملاً دیوونه شده!

در حالت فعلی ذهنی اون همه چیز ممکنه.

حتی ممکنه هوس کنه دنیا رو نابود کنه!



... و اینطور شد که تانوس قدرت گسترده خود رو بدست آورد و من اومدم تا نقشه های جنون آمیز اون خاتمه بدم.

پس تو همون موجودیتی هستی که من باهش ارتباط برقرار کردم!

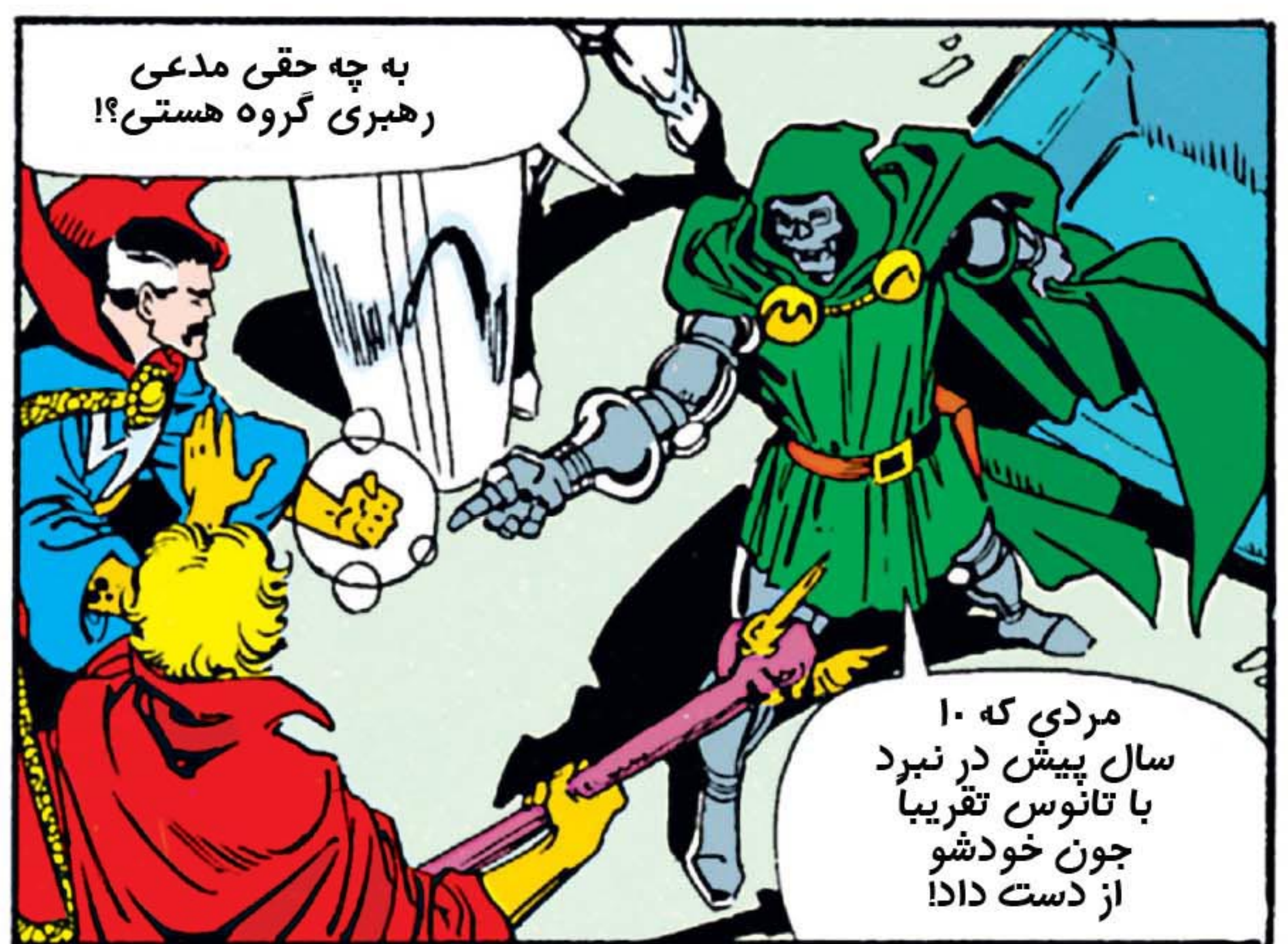
داستان جالب و خطر زیادیه که رقیب رسیدن بیاندره!



این چالشیه که باید باهش روبرو بشیم و بهش پیروز بشیم.

تنها یک راه برای رسیدن به این هدف وجود داره.

من باید رهبری نیروی عقل برابر تایتان دیوانه رو بدست بگیرم.



به چه حقی مدعی رهبری گروه هستی؟!

مردی که ۱۰ سال پیش در نبرد با تانوس تقریباً جون خودشو از دست داد!



شاید. ولی تنها منم که از نحوه عملکرد سری سنگ های ابدیت خبر دارم.

این دانش تنها امید این جهانیه.



پرچمی که من با خشنودی ازش حمایت می کنم.

تو چی می گی سرفر؟



از پیروی دوم بهتره.

پس سپاهتو جمع کن ببینیم به چه نتیجه ای می رسیم.

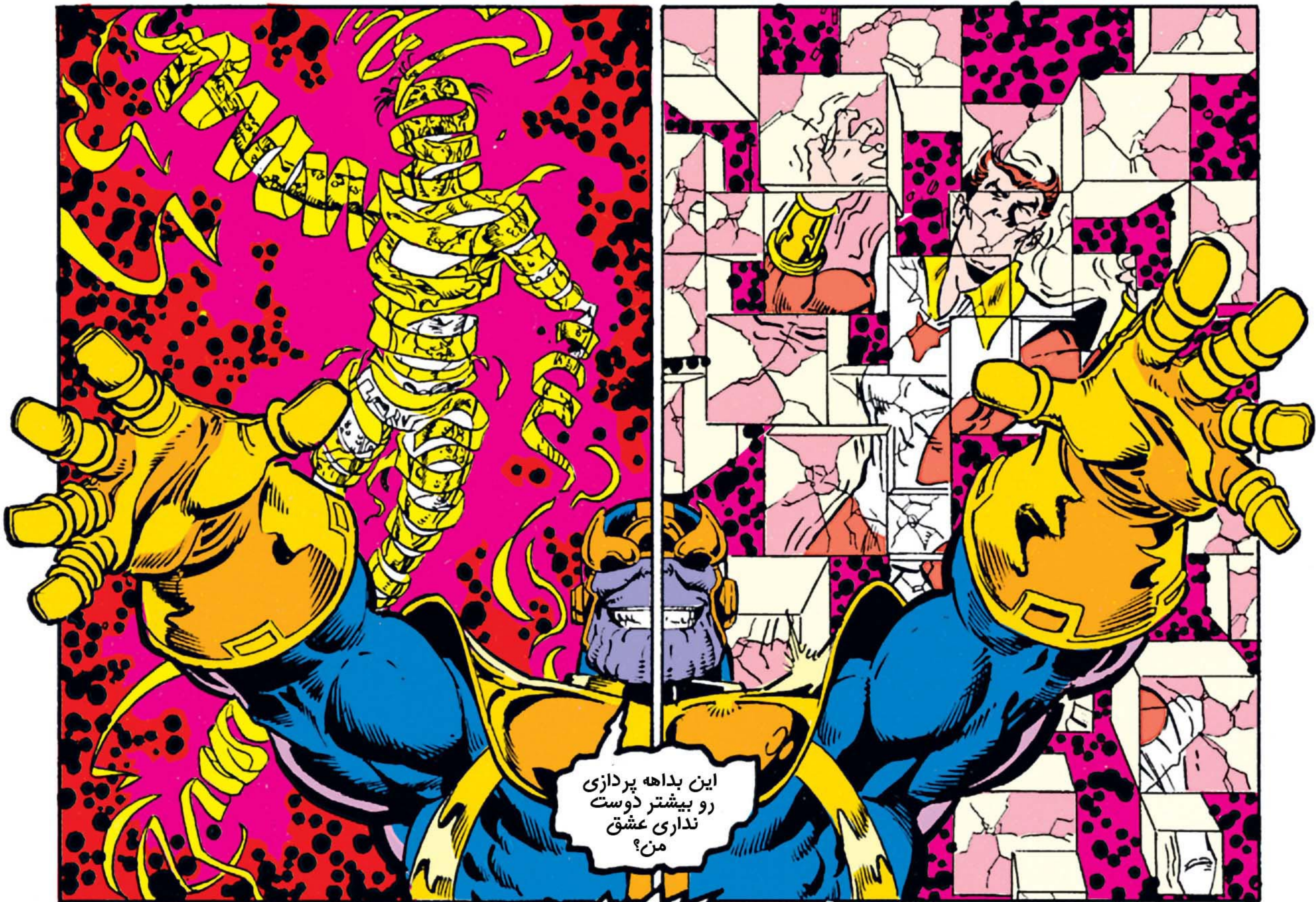


ولی آیا وارلاک بهترین انتخابه؟

خیلی به نظرم با اون مردی که تو عالم ارواح دیدم فرق می کنه.

ولی بقیه چیز خیلی کمی در موردش می دونند.

چطور می تونیم مطمئن بشیم؟



این بداهه پردازی
رو بیشتر دوست
نداری عشق
من؟



چی؟!؟

باید چیکار
کنم تا راضی
بشی؟!؟



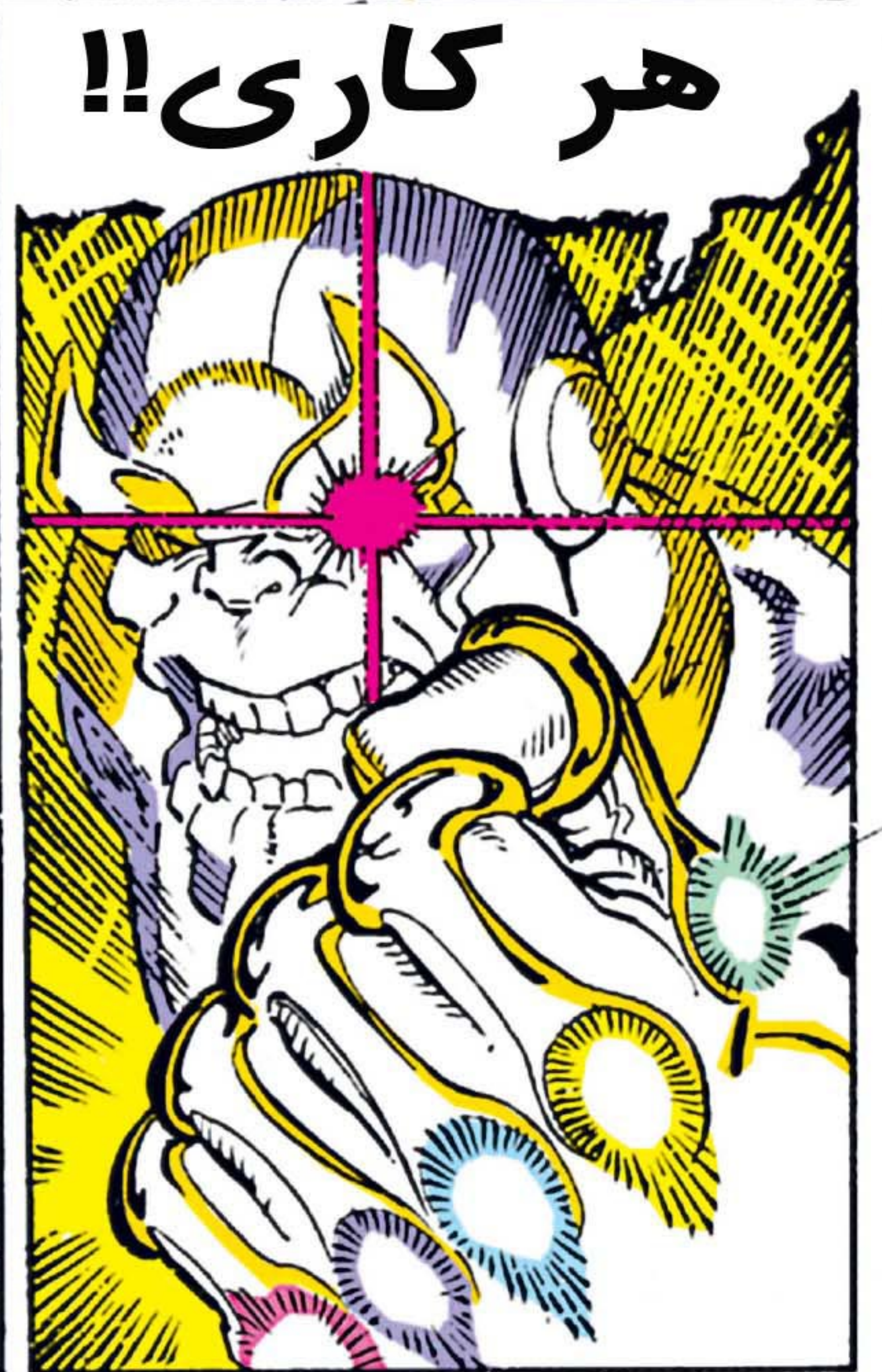
تمام آرزوهاتو
بر آورده کردم و
جهان رو دوباره
برنامه ریزی کردم!

ولی هنوز حتی
یه لبخند رو
دریغ می کنی!

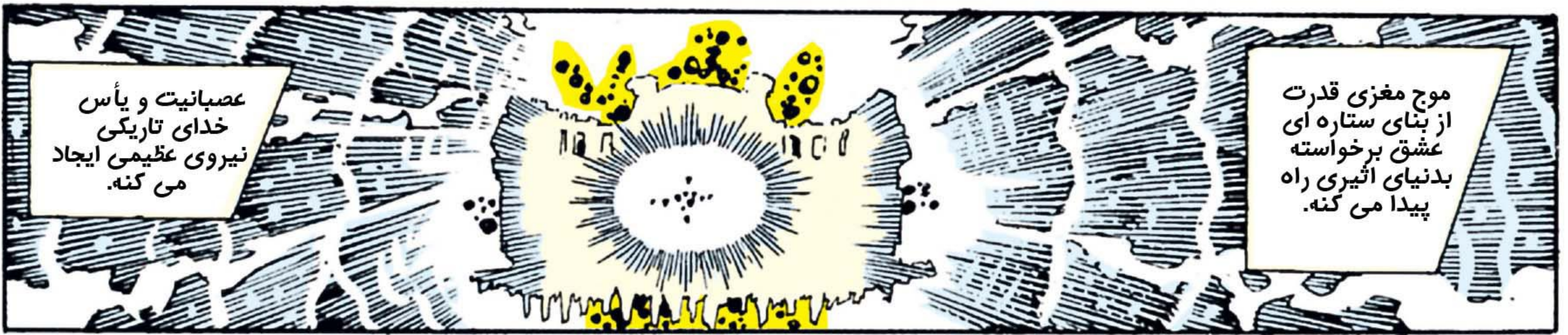


من تنها برای
توجه و تایید
تو تلاش می کنم!

هر کاری می کنم تا اسم
منو یه بار بلند به
زبون بیاری!



هر کاری!!



موج مغزی قدرت
از بنای ستاره ای
عشق بر خواسته
بدنیای اثیری راه
پیدا می کنه.

عصبانیت و یأس
خدای تاریکی
نیروی عظیمی ایجاد
می کنه.



اولین جرم آسمانی که در مسیر
این موج قرار می گیره یک ستاره
غول پیکر و سرخ ۲۰ میلیون ساله است.



هر یک از قوانین طبیعت
در برابر وجود مستمر این
جواهر عصیان می کنه.



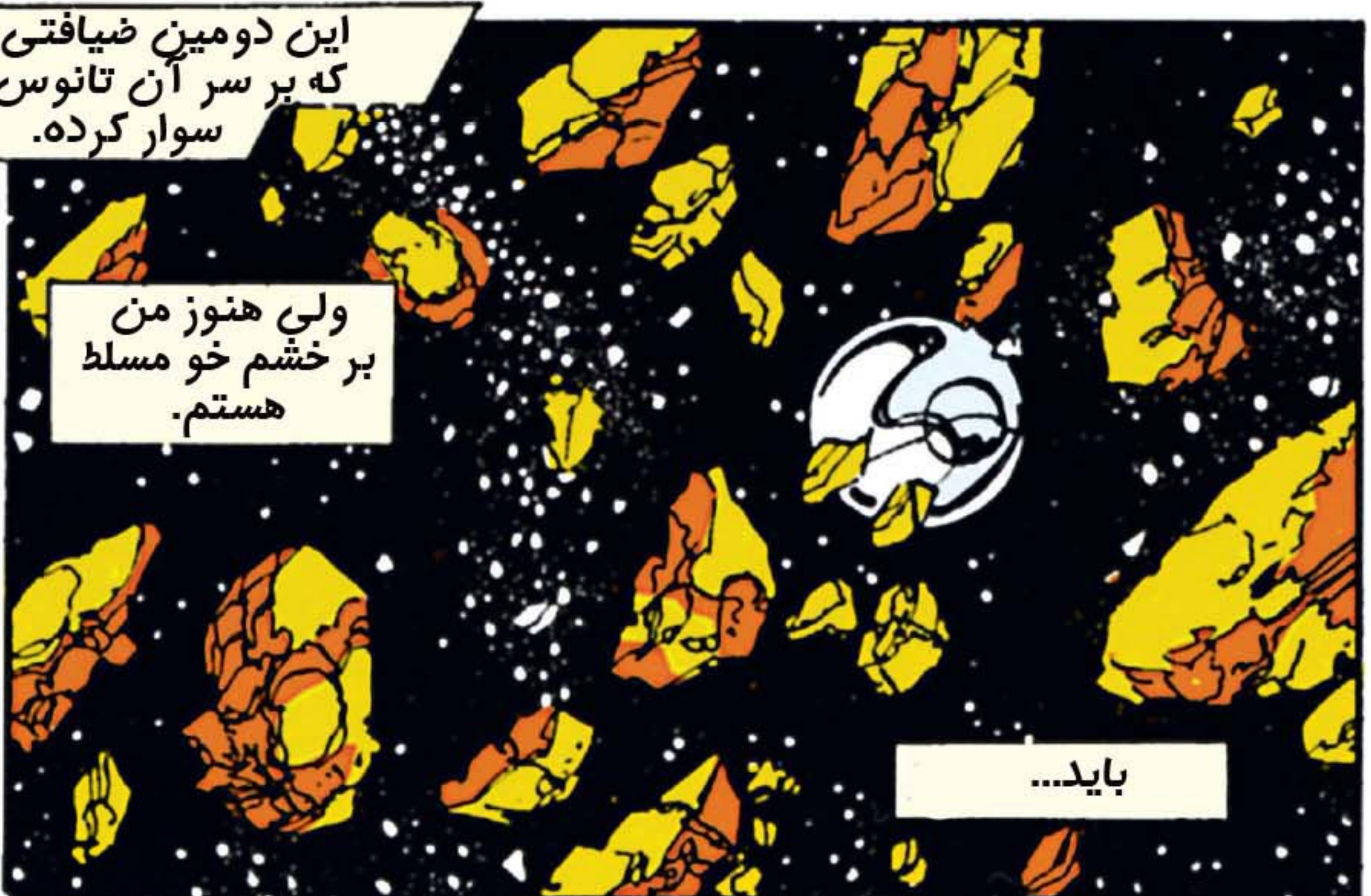
ولی پایانی نفس گیر دارد.



و این اولین مورد از سقوط
اجرام در برابر خشم تانوس...
قدرتمندترین موجود این
جهان و واقعیت است.

سیاره ای که من می خواستم
ببلعم تحت تاثیر خشم
تایتان از هم فروپاشید.

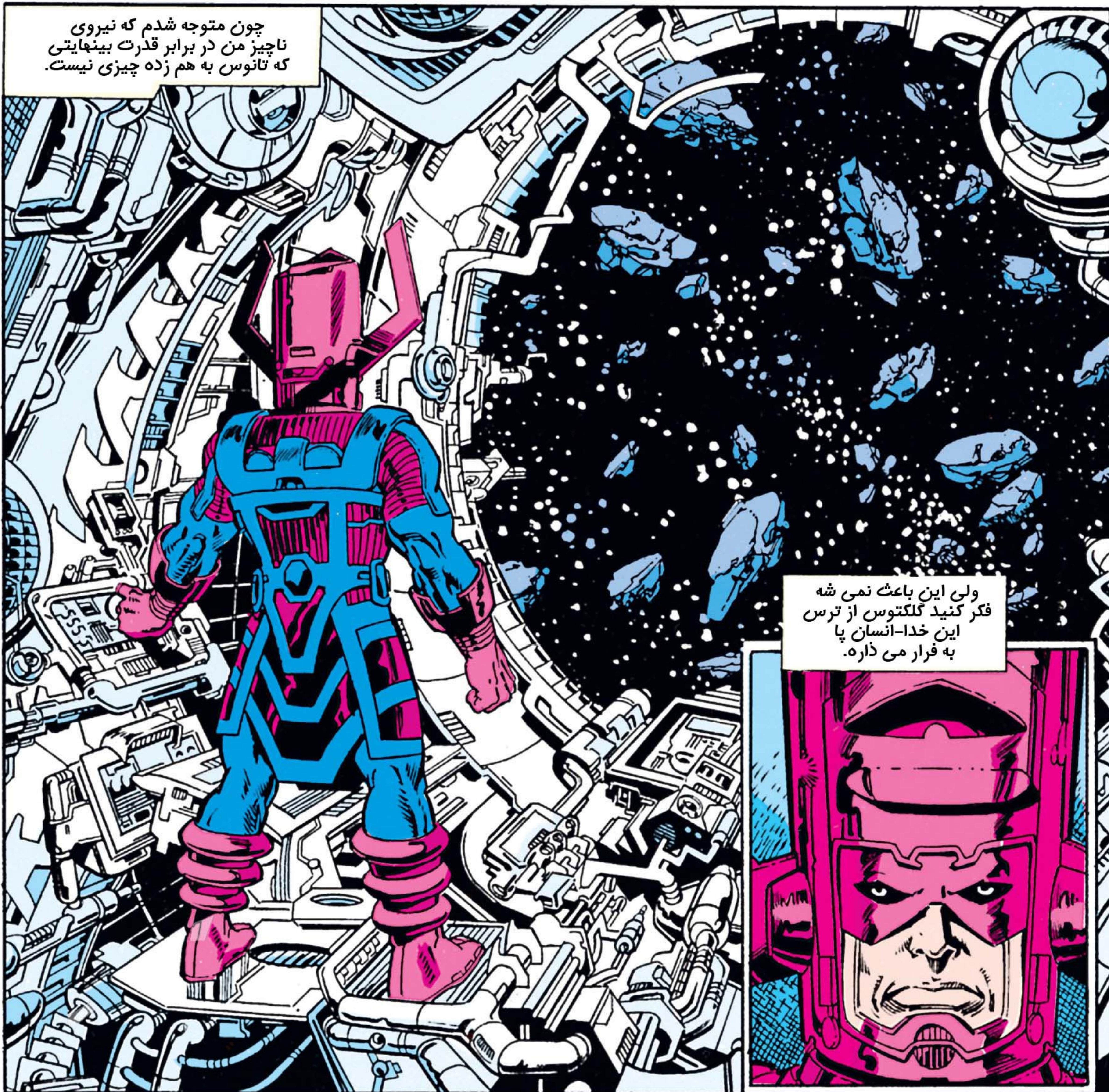
این دومین ضیافتی است
که بر سر آن تانوس حقه
سوار کرده.



ولی هنوز من
بر خشم خو مسلط
هستم.

باید...

چون متوجه شدم که نیروی
ناچیز من در برابر قدرت بینهایتی
که تانوس به هم زده چیزی نیست.



ولی این باعث نمی شه
فکر کنید گلکتوس از ترس
این خدا-انسان پا
به فرار می ذاره.

گلکتوس موجودی قدرتمند
و دانشمند است.

باید نقشه ای کشیده
باشه و نیروهای متحد
گرد هم جمع بشن.

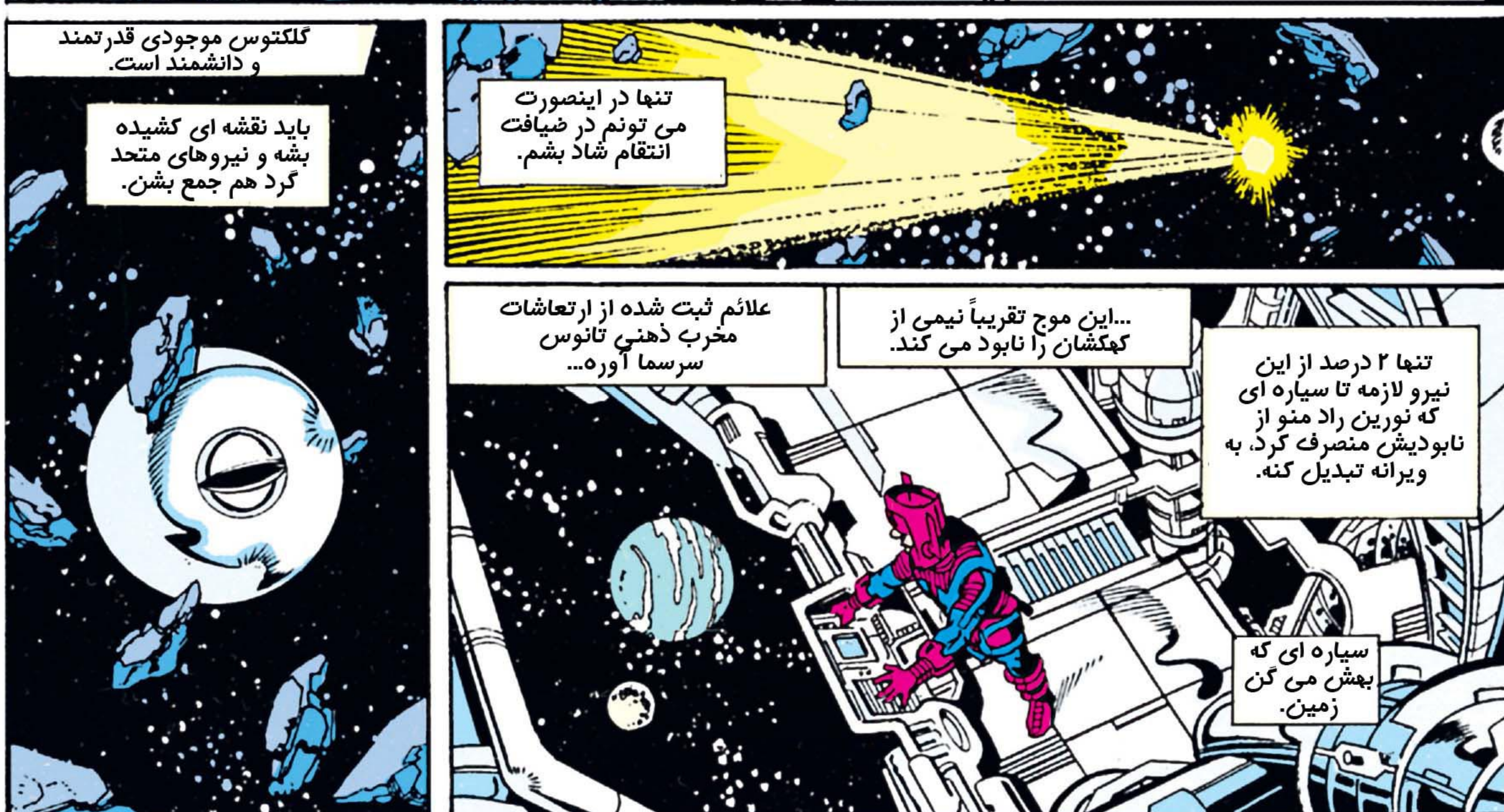
تنها در اینصورت
می تونم در ضیافت
انتقام شاد بشم.

علائم ثبت شده از ارتعاشات
مخرب ذهنی تانوس
سرما آورده...

...این موج تقریباً نیمی از
کهکشان را نابود می کند.

تنها ۲ درصد از این
نیرو لازمه تا سیاره ای
که نورین را از منو از
نابودیش منصرف کرد، به
ویرانه تبدیل کنه.

سیاره ای که
بهش می کن
زمین.



من گم شدم.

خنجر گم شده.

حقیقت اینه که دلیلی
به ادامه دادن ندارم.

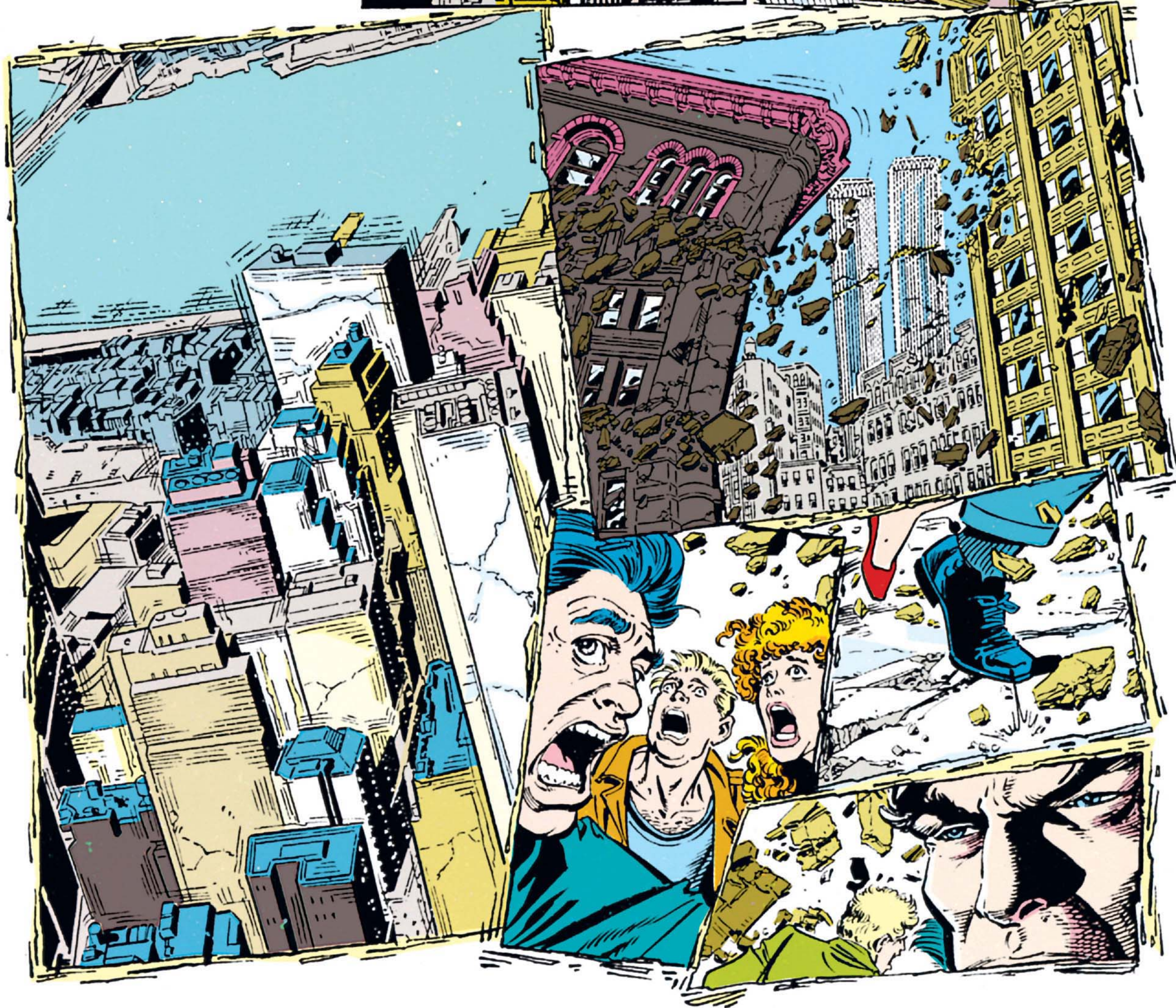
من و آن بانو از خیلی
جهاست جور بودیم. دو
نیمه از یک کل.

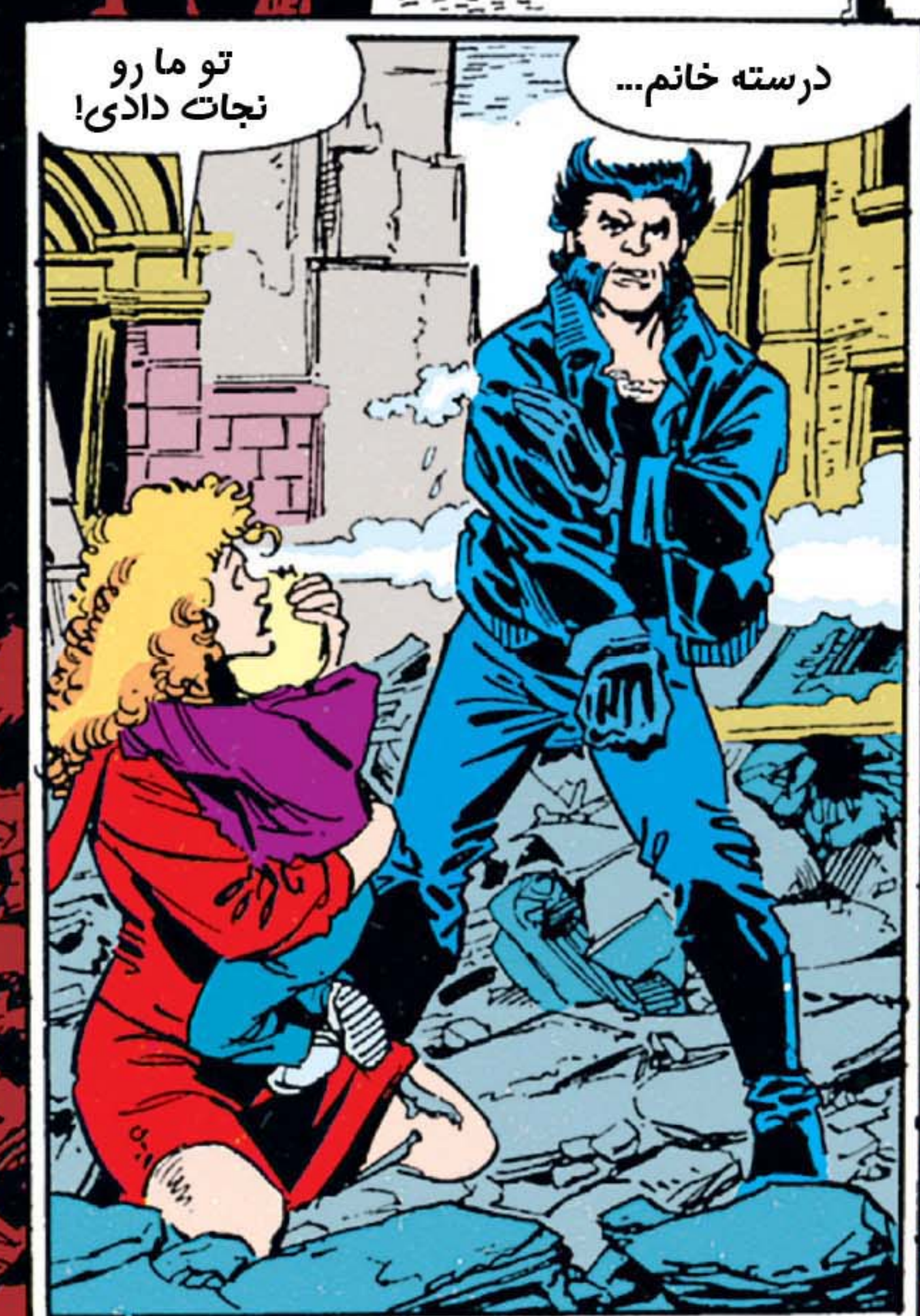
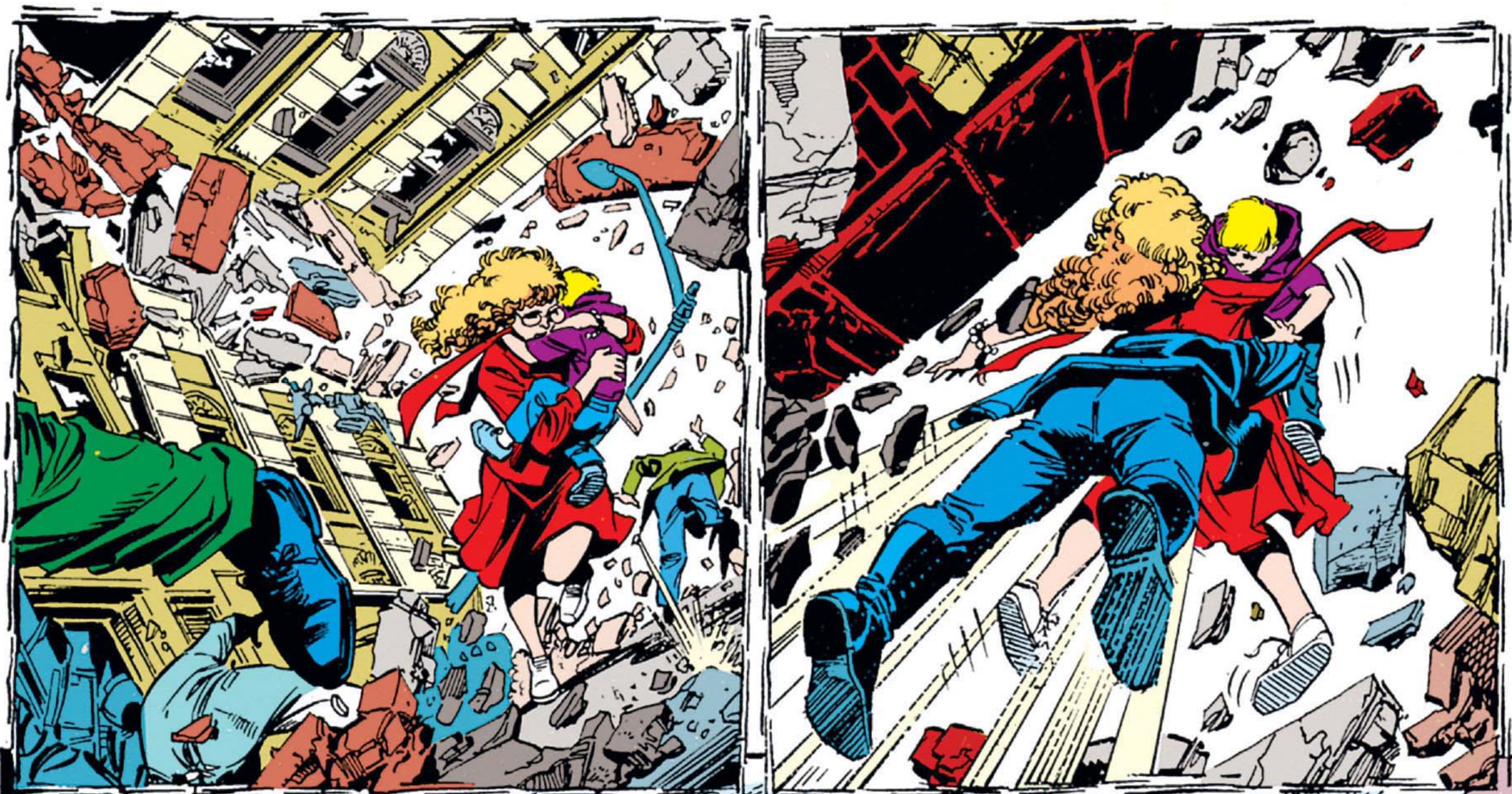
بهتره بمیرم.

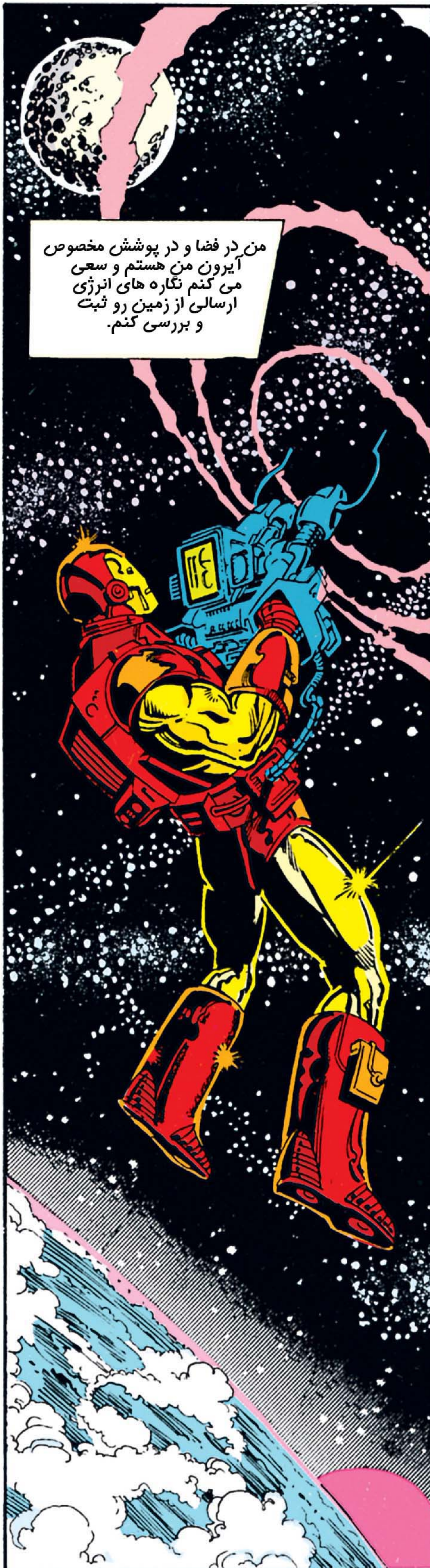
هرگز نمی تونم.....

چی!؟

چطور می تونم ادامه بدم؟



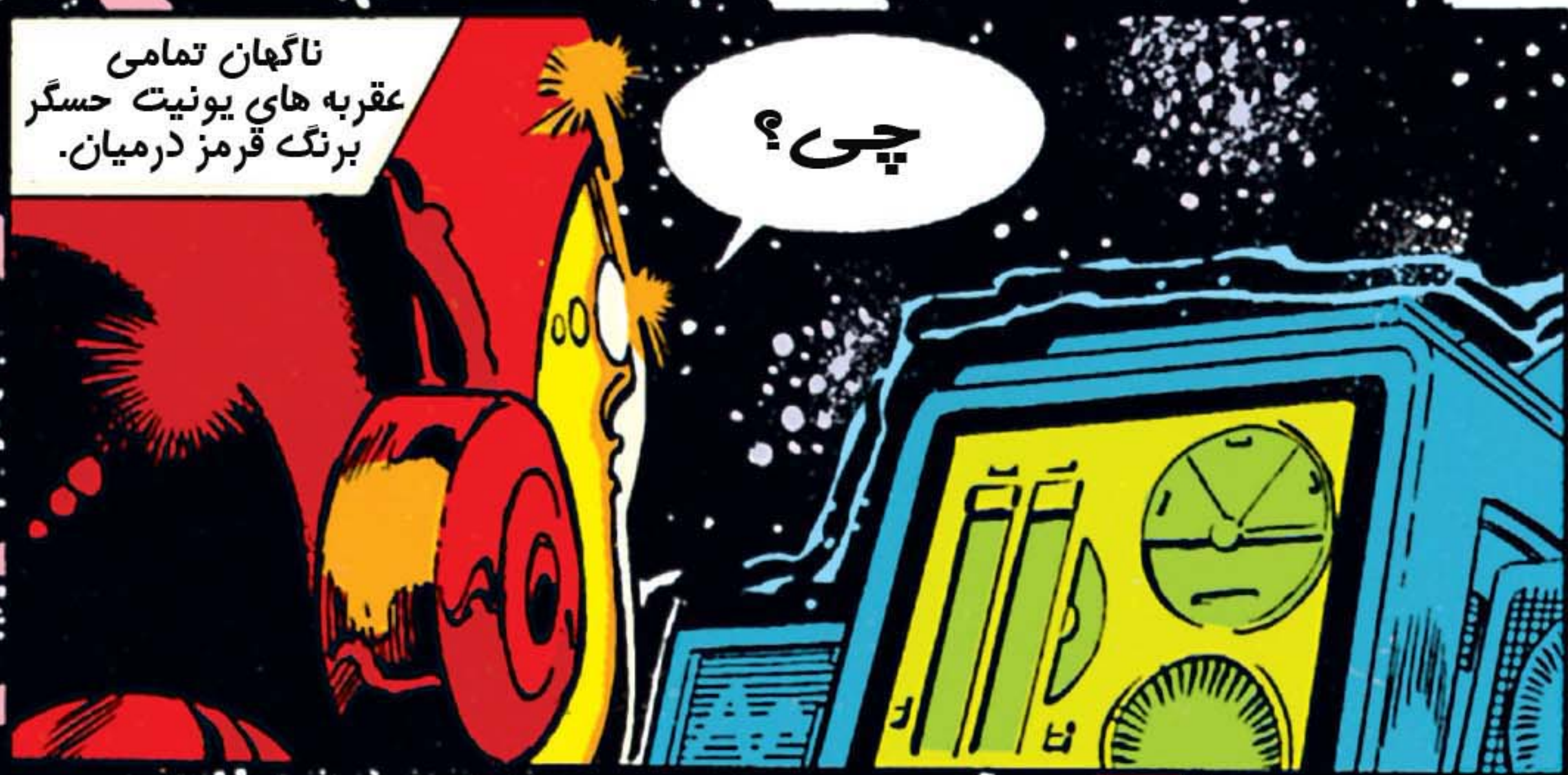




من در فضا و در پوشش مخصوص
آیرون من هستم و سعی
می کنم نگاره های انرژی
ارسالی از زمین رو ثبت
و بررسی کنم.

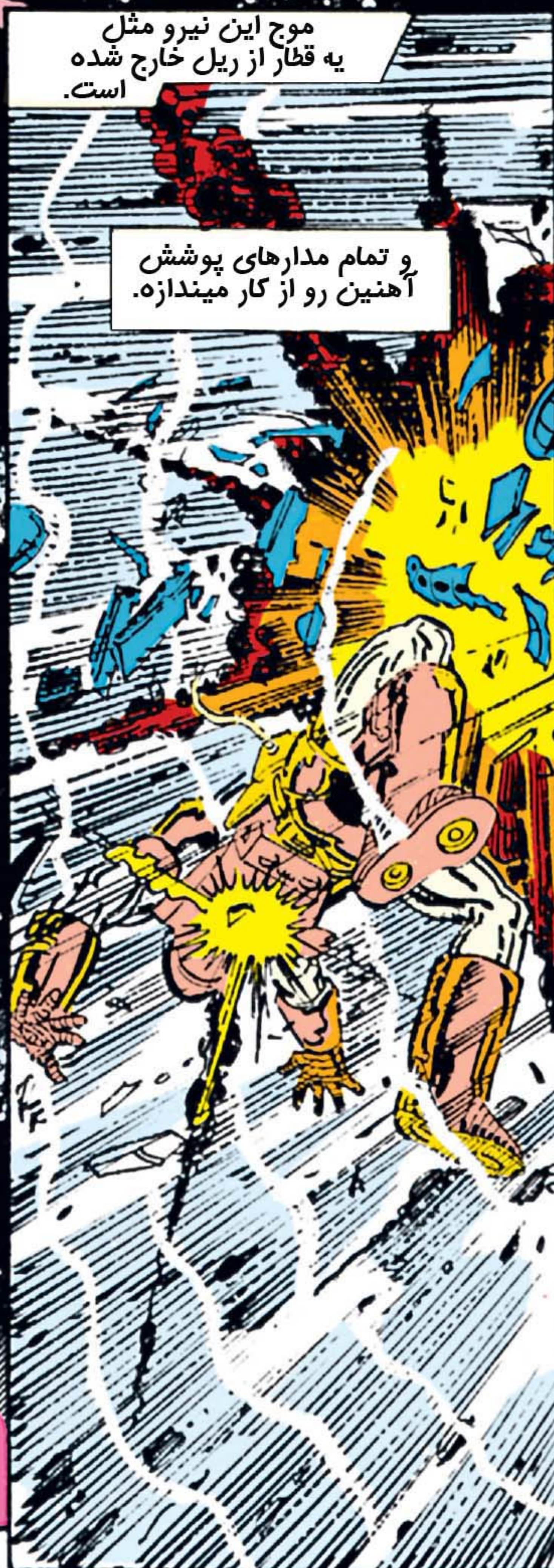


به نظرم این علائم در ارتباط با
ناپدیددی دسته جمعی هستند.



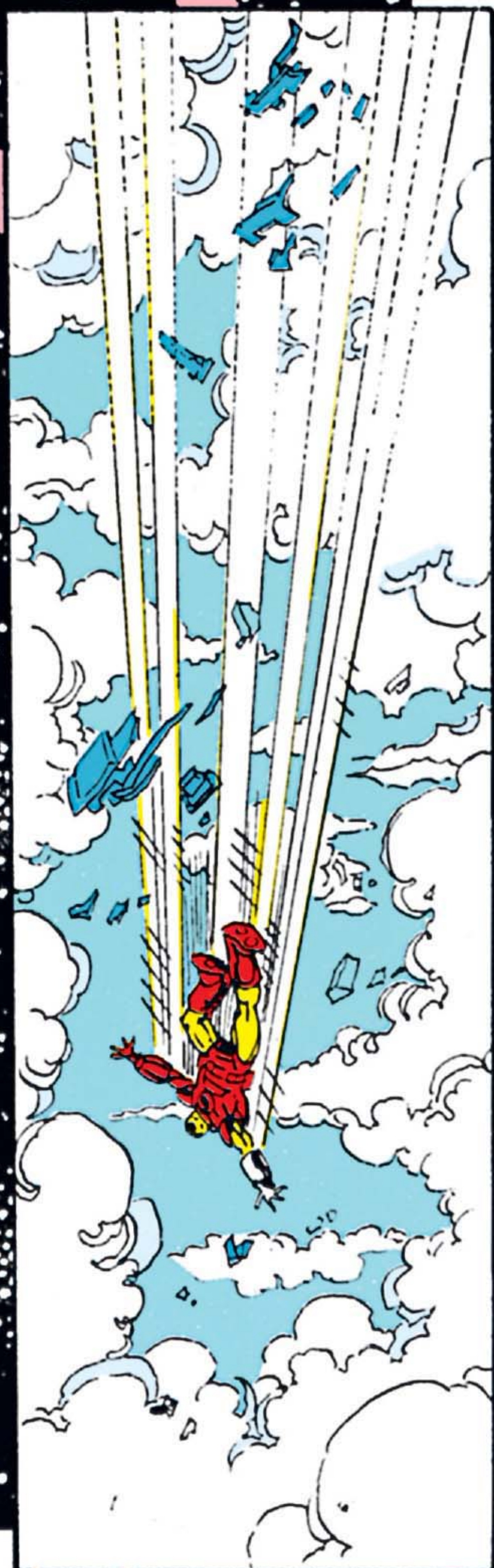
ناگهان تمامی
عقربه های یونیت حسگر
برنگ قرمز درمیان.

چی؟

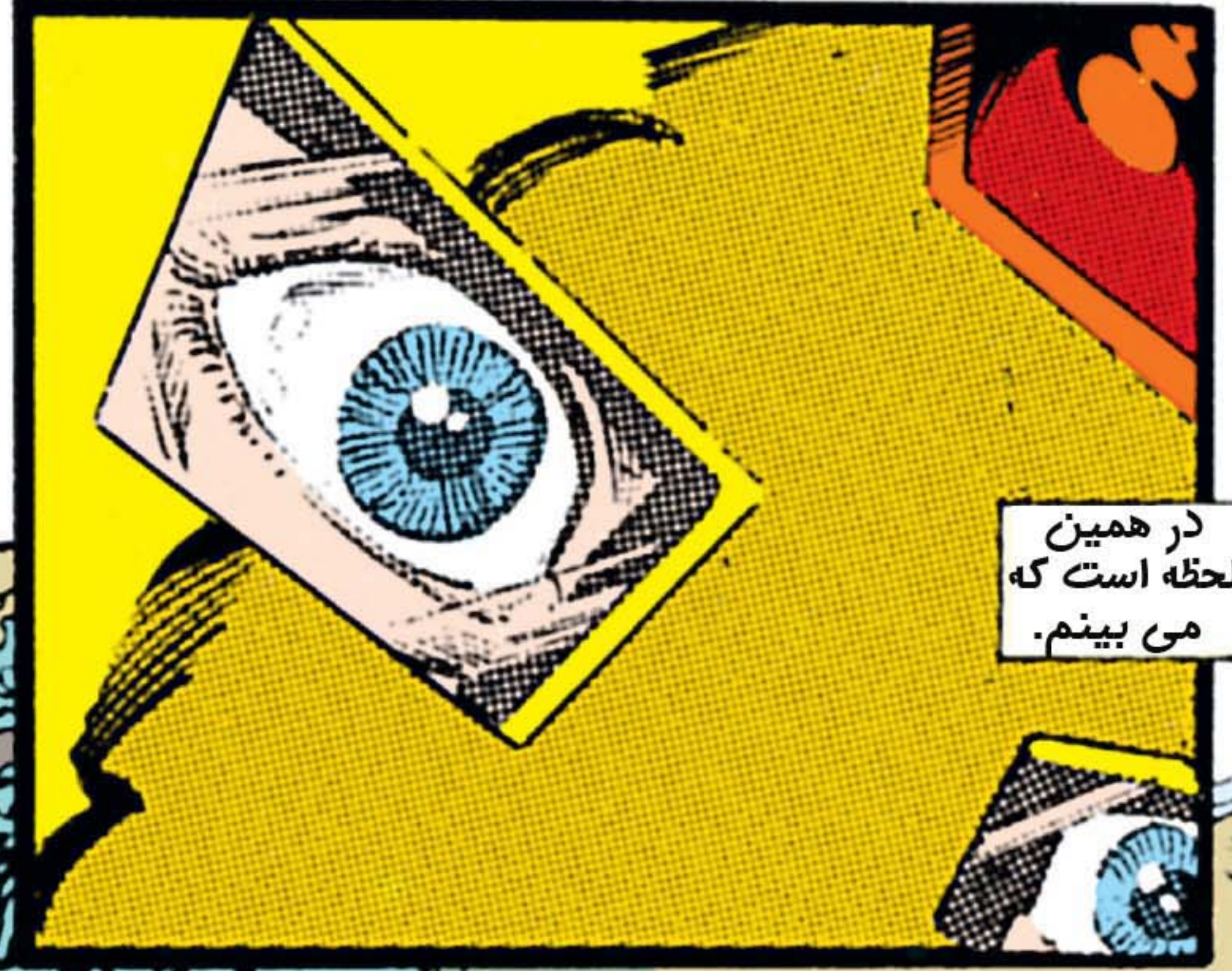


موج این نیرو مثل
یه قطار از ریل خارج شده
است.

و تمام مدارهای پوشش
آهنین رو از کار میندازه.



خوشبختانه
سیستم اضطراری
کار می‌کنه.



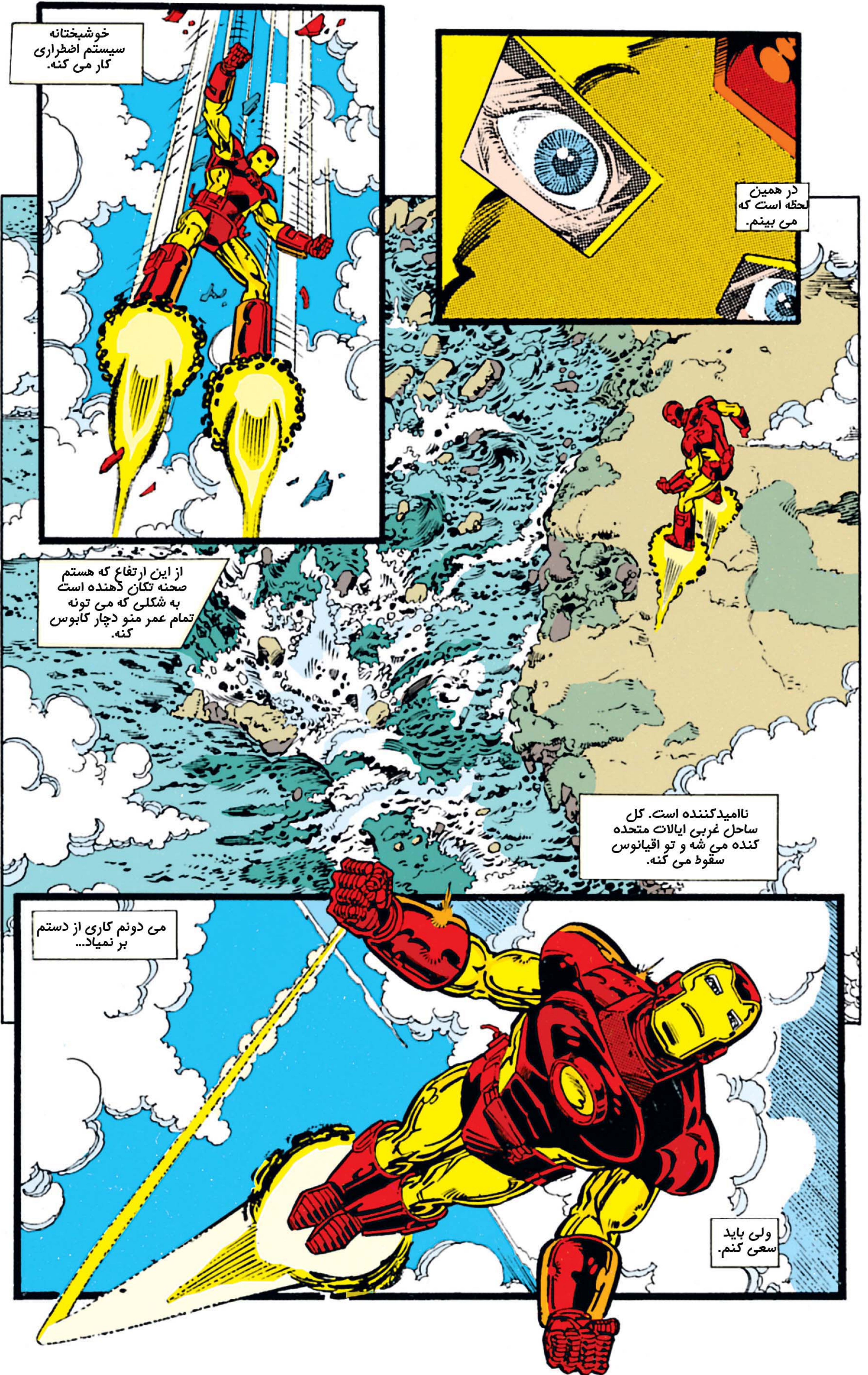
در همین
لحظه است که
می بینم.

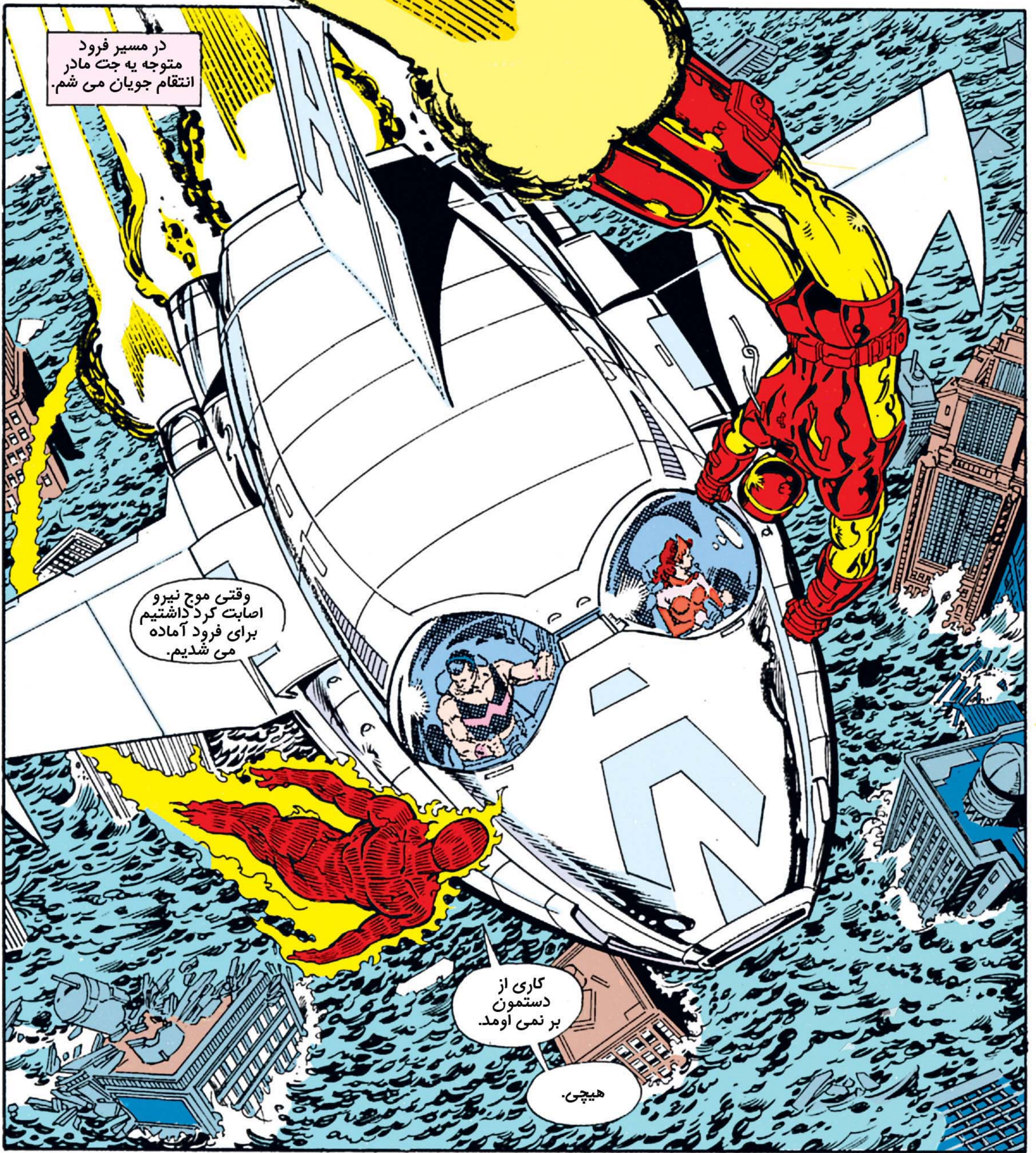
از این ارتفاع که هستم
صحنه تکان دهنده است
به شکلی که می‌تونه
تمام عمر منو دچار کابوس
کنه.

نامیدکننده است. کل
ساحل غربی ایالات متحده
کنده می‌شه و تو اقیانوس
سقوط می‌کنه.

می‌دونم کاری از دستم
بر نمیاد...

ولی باید
سعی کنم.





در مسیر فرود
متوجه یه جت مادر
انتقام جویان می شم.

وقتی موج نیرو
اصابت کرد داشتیم
برای فرود آماده
می شدیم.

کاری از
دستمون
بر نمی اومد.

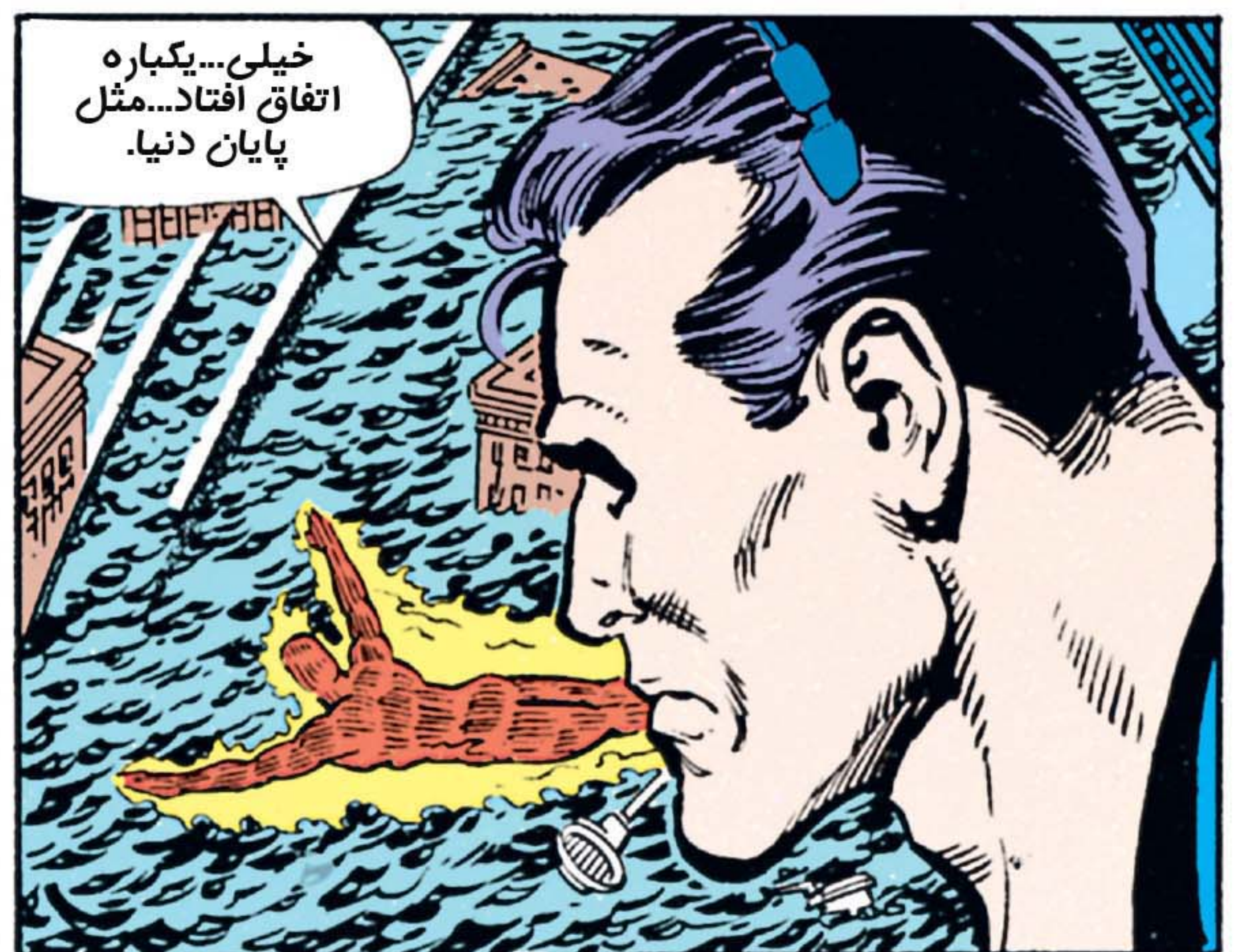
هیچی.



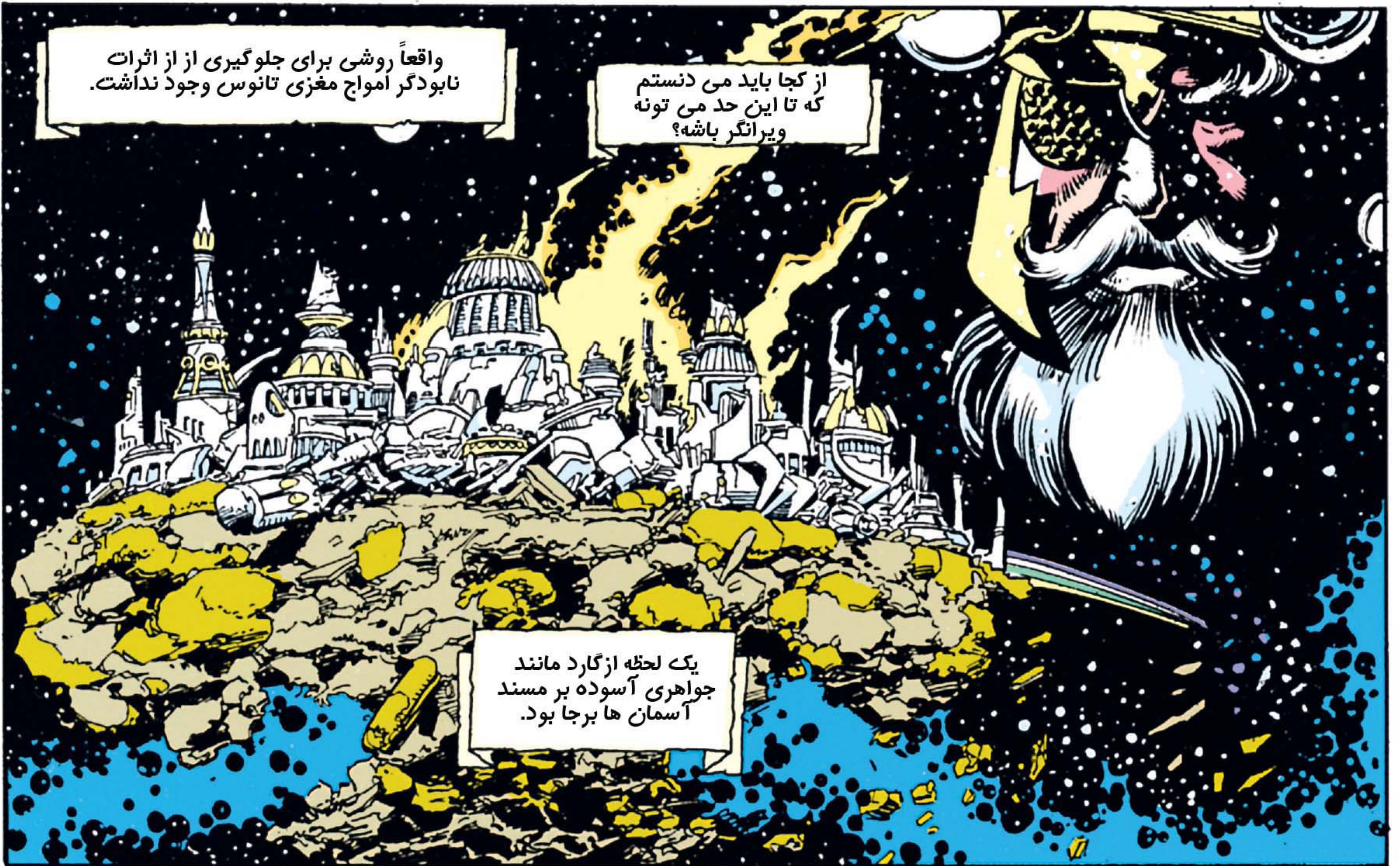
فقط تو کالیفرنیا میلیون
ها نفر زندگی می کردند.

همشون
از بین
رفتند.

نتوانستیم
نجاتشون
بدیم.



خیلی...یکباره
اتفاق افتاد...مثل
پایان دنیا.



واقعاً روشی برای جلوگیری از اثرات نابودگر امواج مغزی تانوس وجود نداشت.

از کجا باید می دانستم که تا این حد می تونه ویرانگر باشه؟

یک لحظه از گارد مانند جواهری آسوده بر مسند آسمان ها برجا بود.



یک لحظه بعد سرای خدایان شمال از هم متلاشی شد...

و فرو ریخت...



پل رنگین کمانی در هم شکست.



آیا تغییر را حس می کنید؟

بله، این زمین لرزه ای عادی نبود.



این تلاطم باعث تغییرات
بین بعدها شد!

بافه زمان و مکان
تغییر کرده!



ارتباط ما با میدگارد
و واقعیتش
قطع شده!
ما در آزگارد
به دام افتادیم.

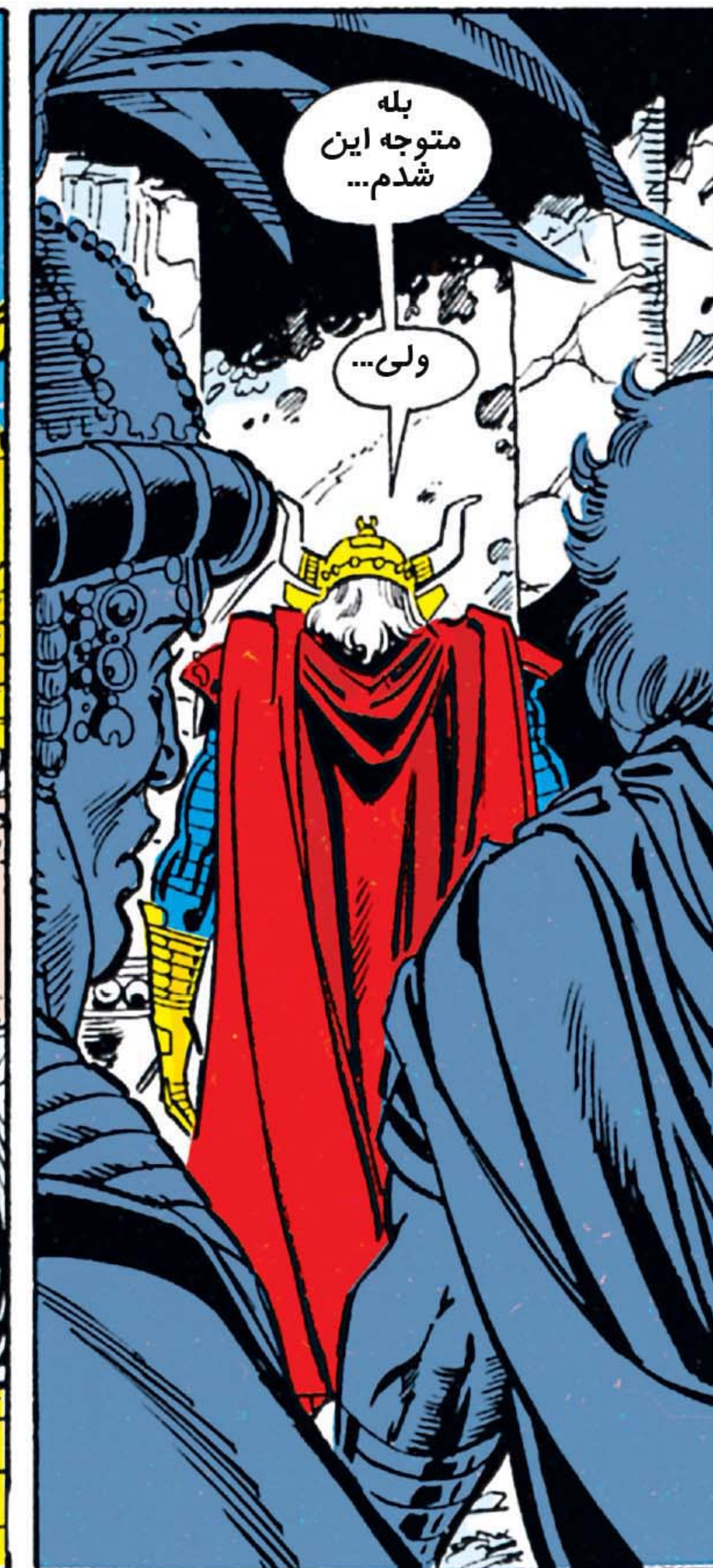


نمی تونیم برگردیم
و از خونه هامون
محافظت کنیم!



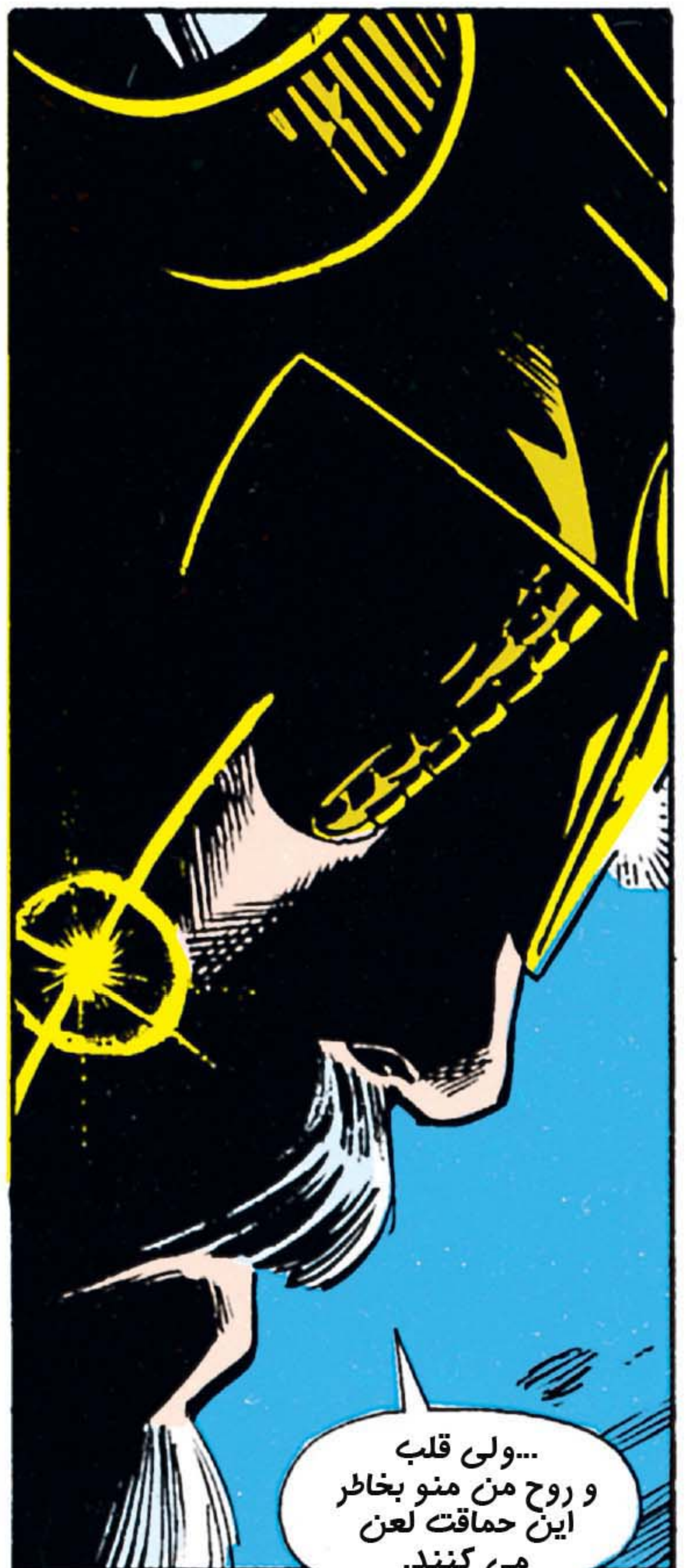
خودتو ملامت
نکن برادر.

هیچ راهی برای
پیش بینی اش
وجود نداشت.

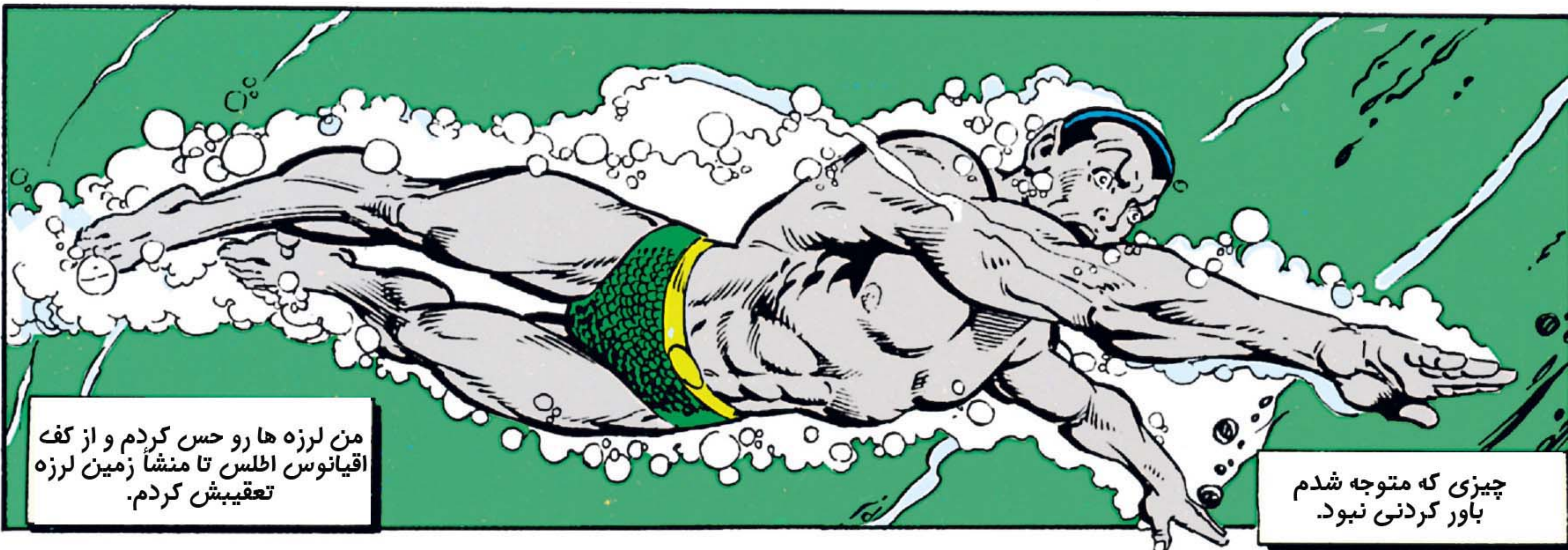


بله
متوجه این
شدم...

ولی...

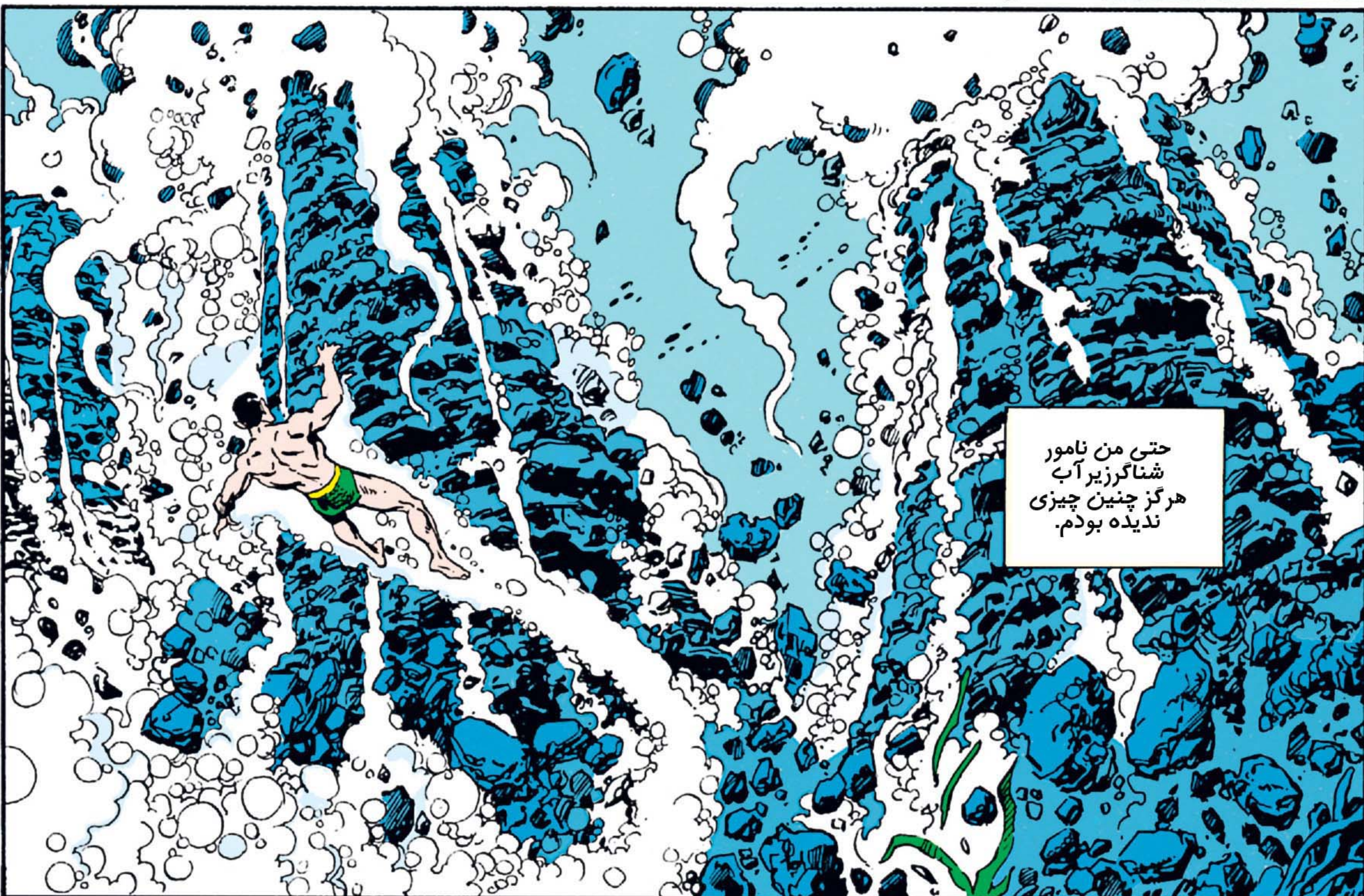


...ولی قلب
و روح من منو بخاطر
این حماقت لعن
می کنند.

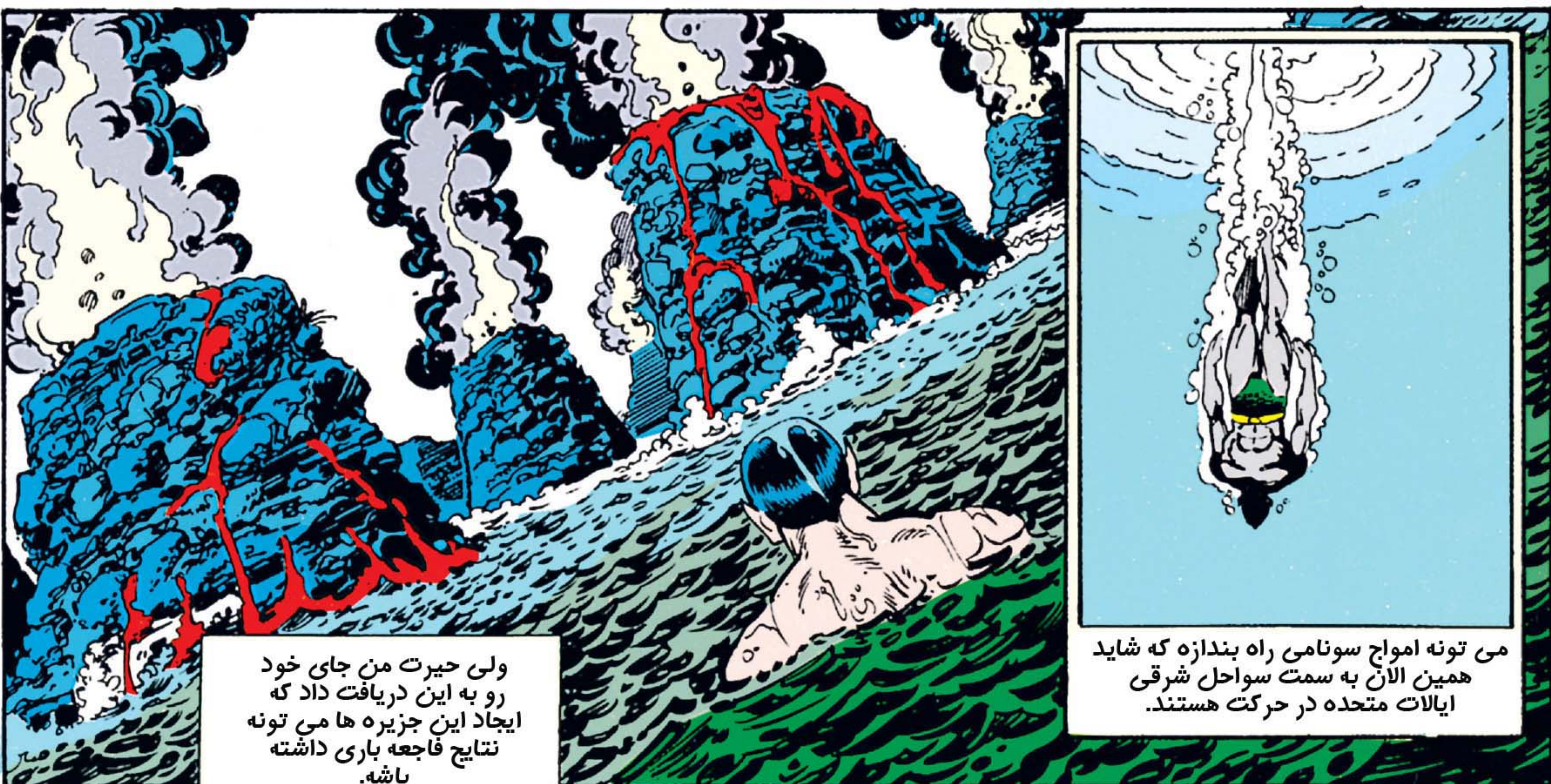


چیزی که متوجه شدم
باور کردنی نبود.

من لرزه ها رو حس کردم و از کف
اقیانوس اطلس تا منشأ زمین لرزه
تعقیبش کردم.



حتی من نامور
شناگر زیر آب
هرگز چنین چیزی
ندیده بودم.



می تونه امواج سونامی راه بندازه که شاید
همین الان به سمت سواحل شرقی
ایالات متحده در حرکت هستند.

ولی حیرت من جای خود
رو به این دریافت داد که
ایجاد این جزیره ها می تونه
نتایج فاجعه باری داشته
باشه.

اسم من ماموریتاست.

بطور تصادفی در حال پرواز بر فراز آتلانتیک سیتی بودم.



صبح زوده و یه زوج جوان روی اسکله پیاده روی می کنند.

شاید برای ماه غسل اومدند.



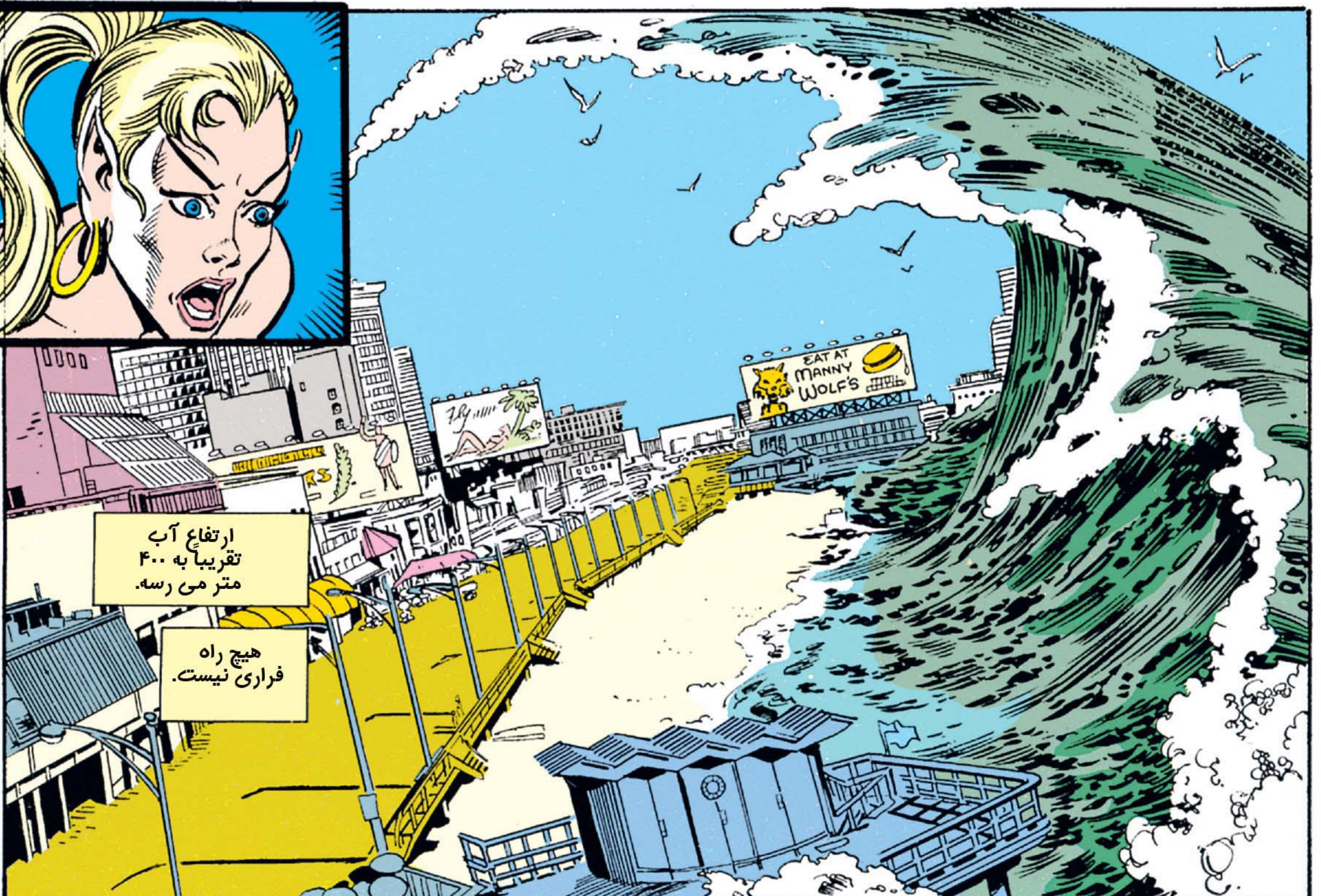
اونا صدای غرش آب رو می شنوند

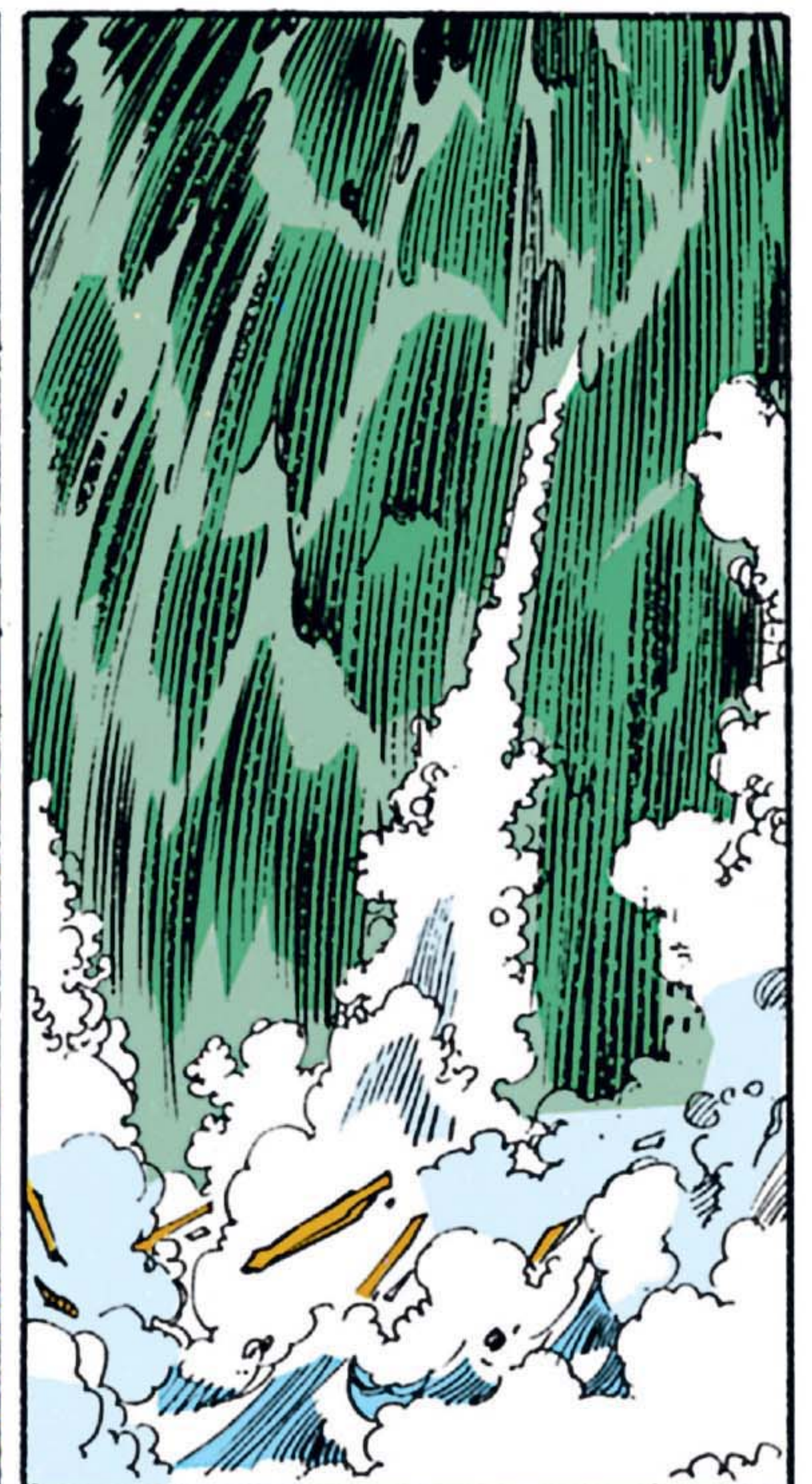
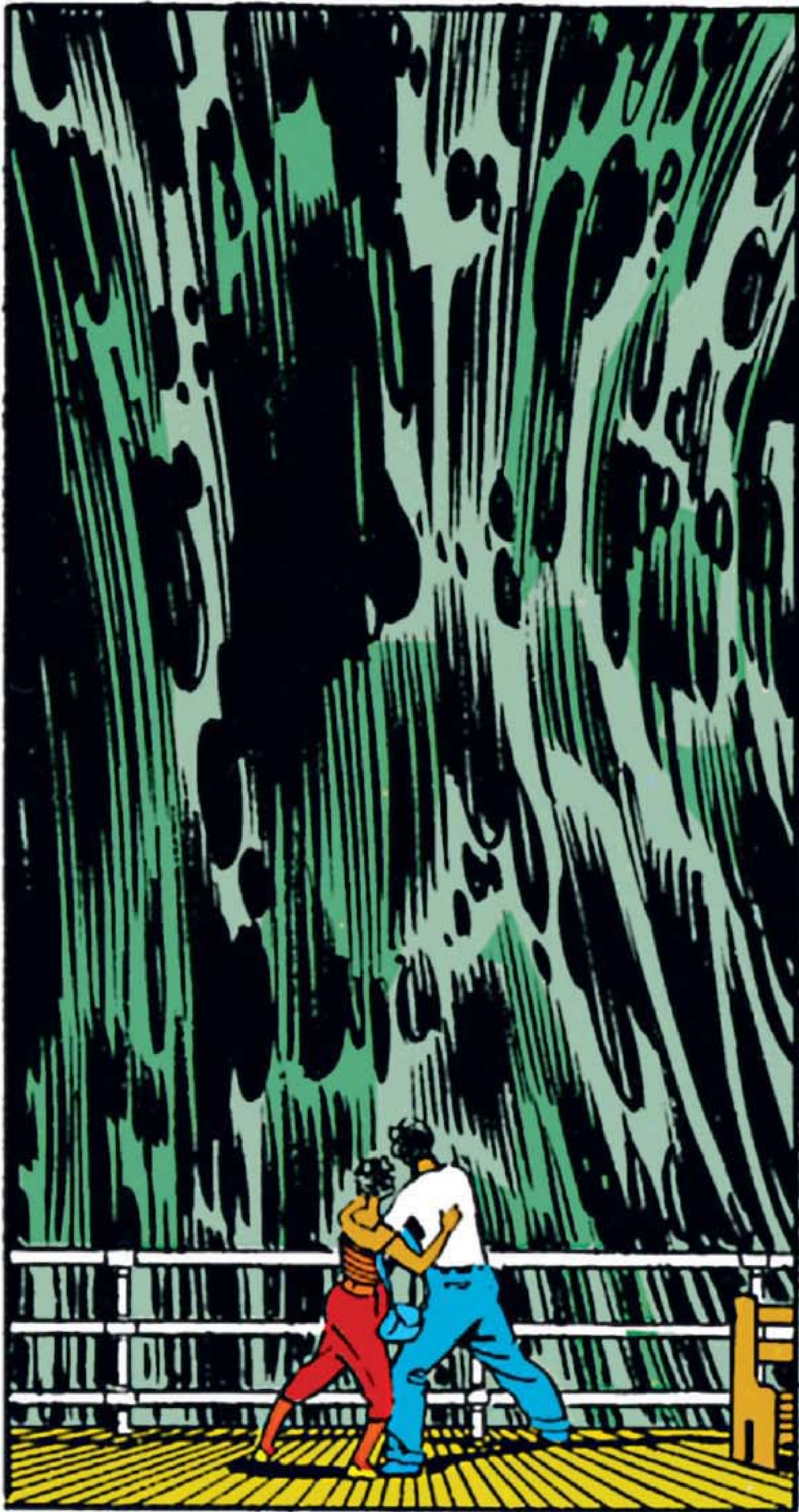
و وقتی بالا رو نگاه می کنند مرگ رو به چشم می بینند.



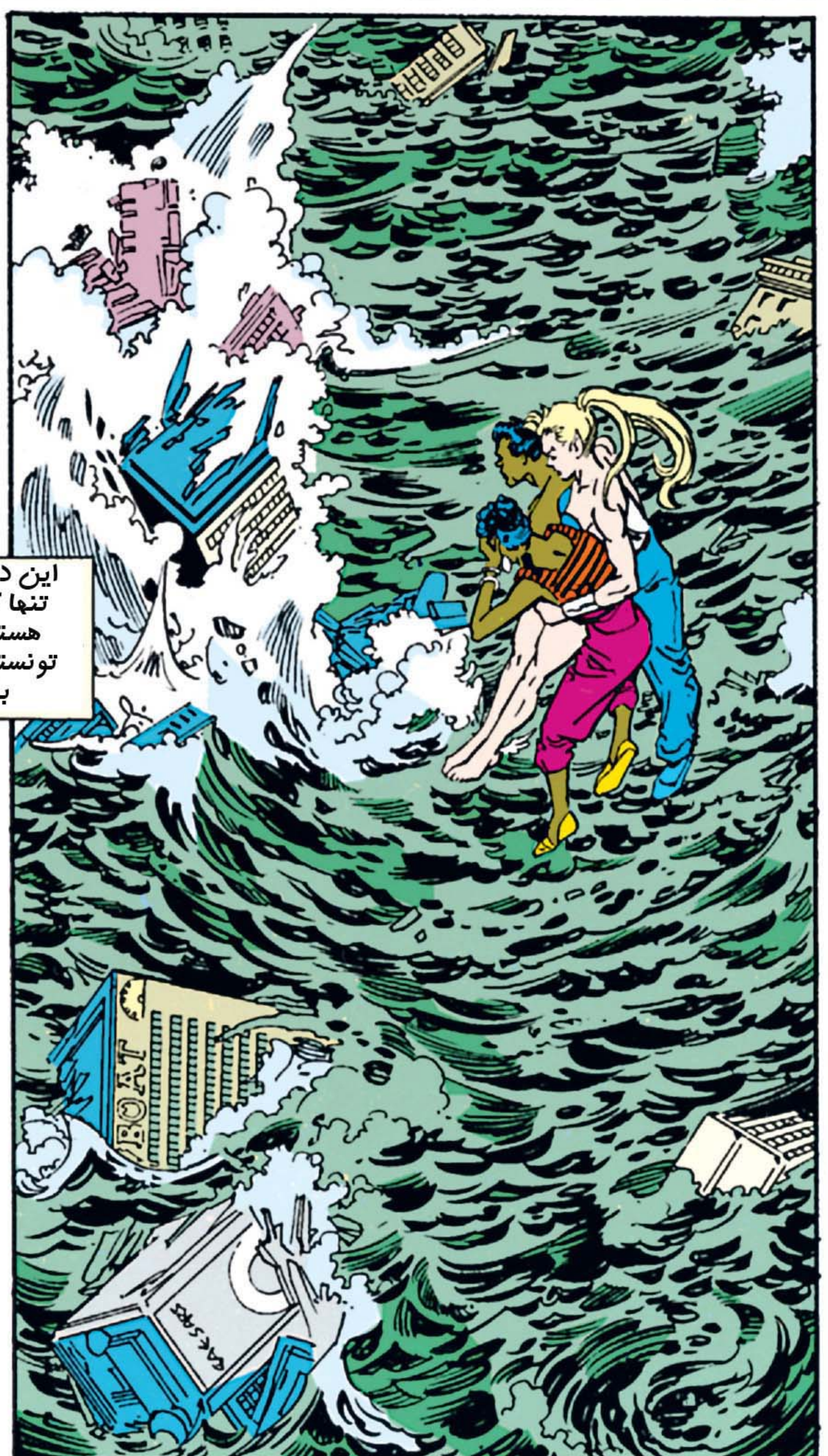
ارتفاع آب تقریباً به ۴۰۰ متر می رسه.

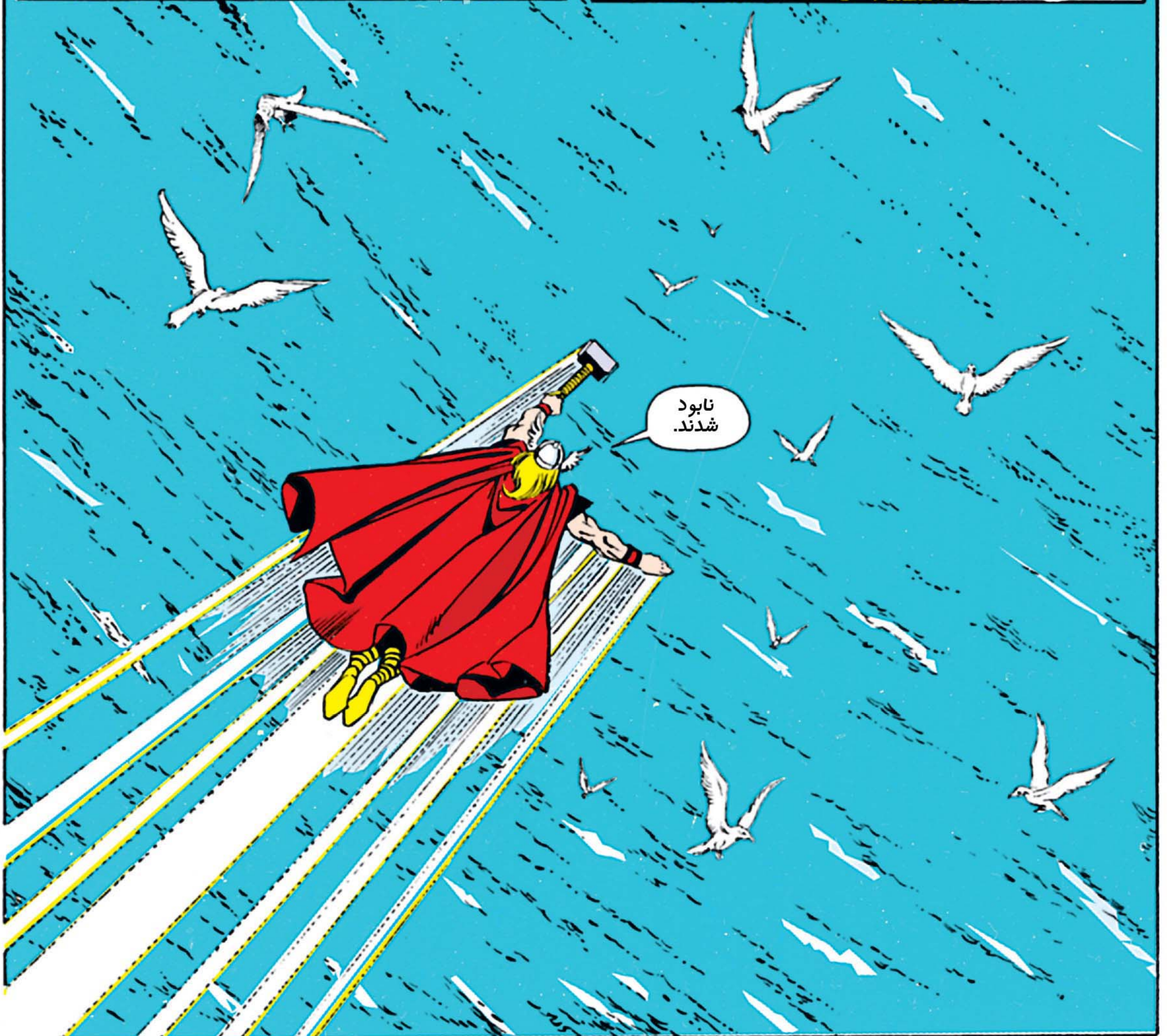
هیچ راه فراری نیست.

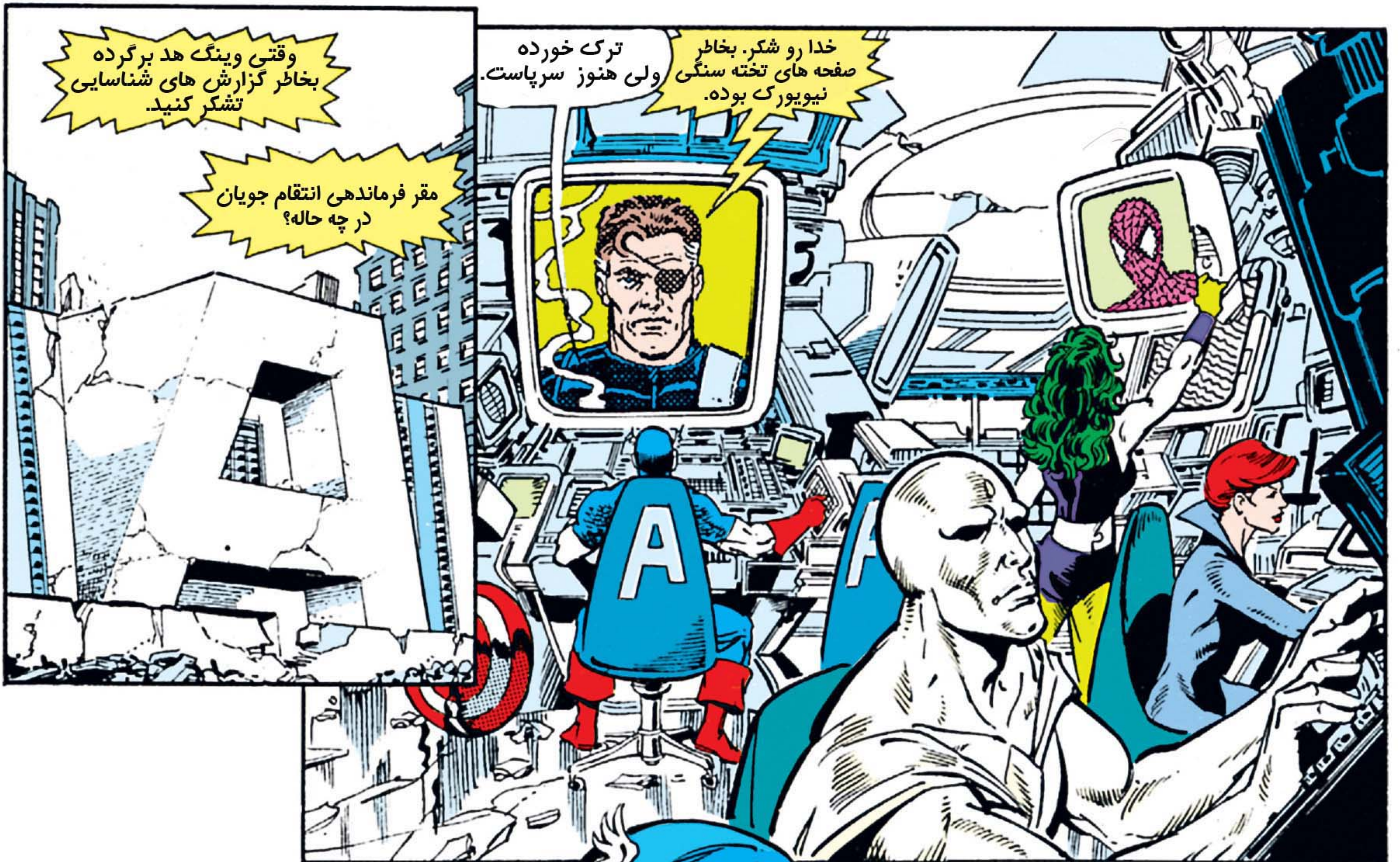




این دو عاشق
تنها کسانی
هستند که
تونستم نجات
بدم.



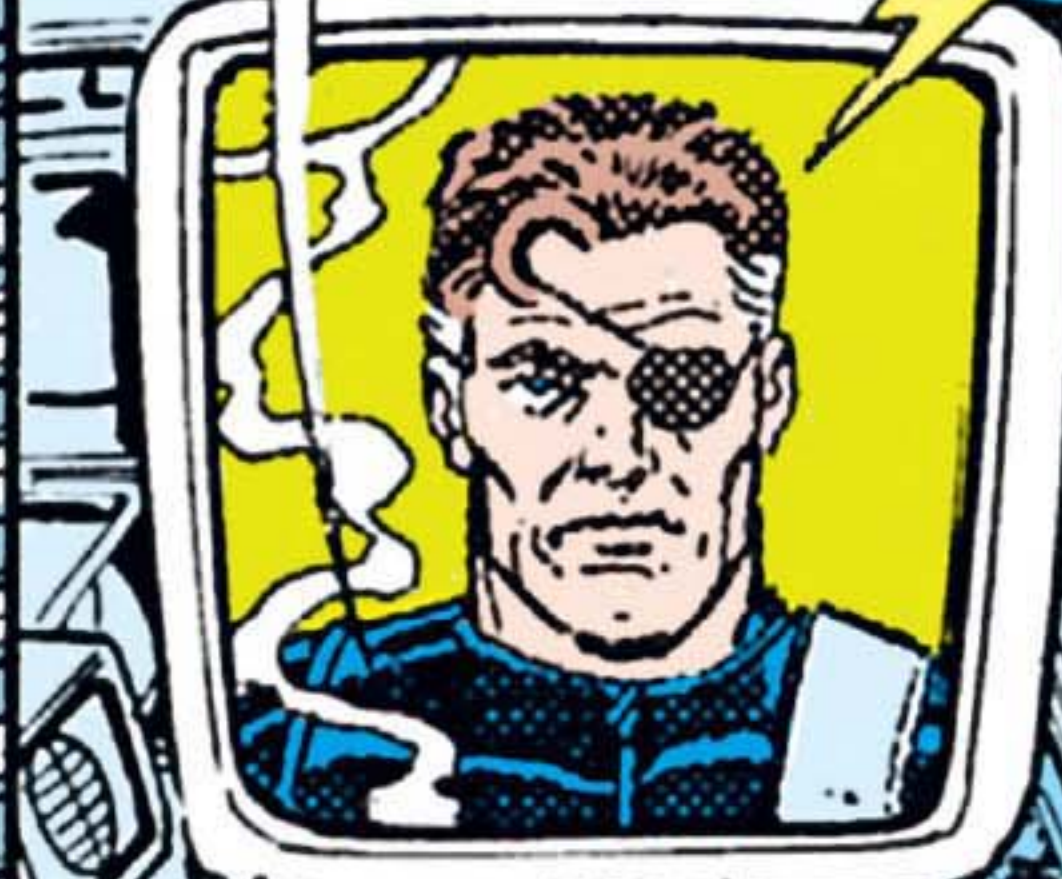




وقتی وینگ هد برگرده
بخاطر گزارش های شناسایی
تشکر کنید.

خدا رو شکر. بخاطر
صفحه های تخته سنگی
نیویورک بوده.

مقر فرماندهی انتقام جویان
در چه حاله؟



ما داریم می ریم
ببینیم کسی هست
بین افراد با قدرت ماورایی
که بتونه کمکمون کنه!



خوبه. خبر نشو
پخش می کنم.





ویژن از شاخه ساحل غربی چه خبر؟

دارم ارتباط برقرار می کنم کاپیتان.



واندا؟ گزارش پیشرفت کار؟

ما داریم تو لاس و گاس مستقر می شیم و درخواست نیروی کمکی دادیم.



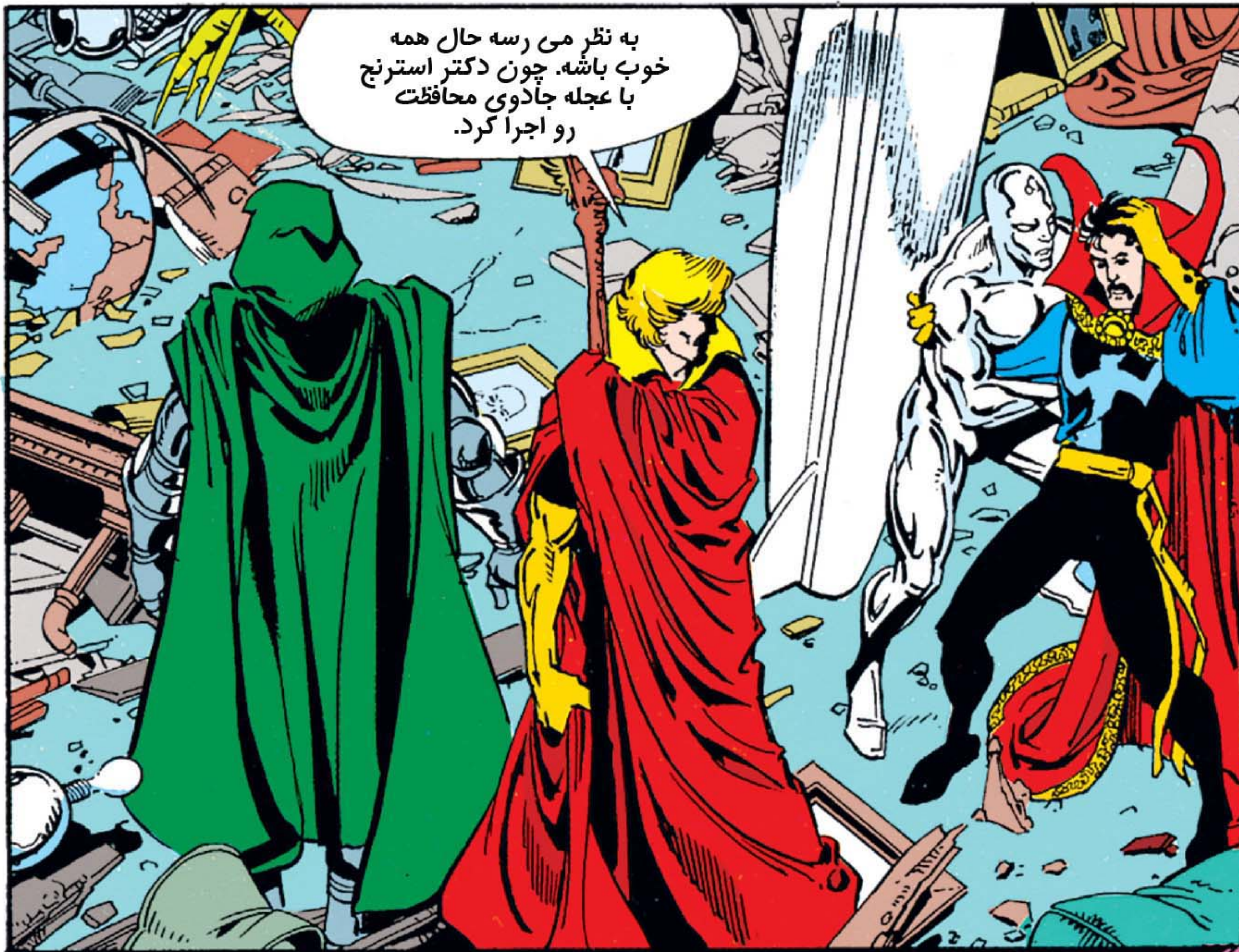
ما هم همینطور.

ما به تمام نیروهای کمکی ممکن نیاز داریم.



اونجا اوضاع خیلی داره خراب می شه.

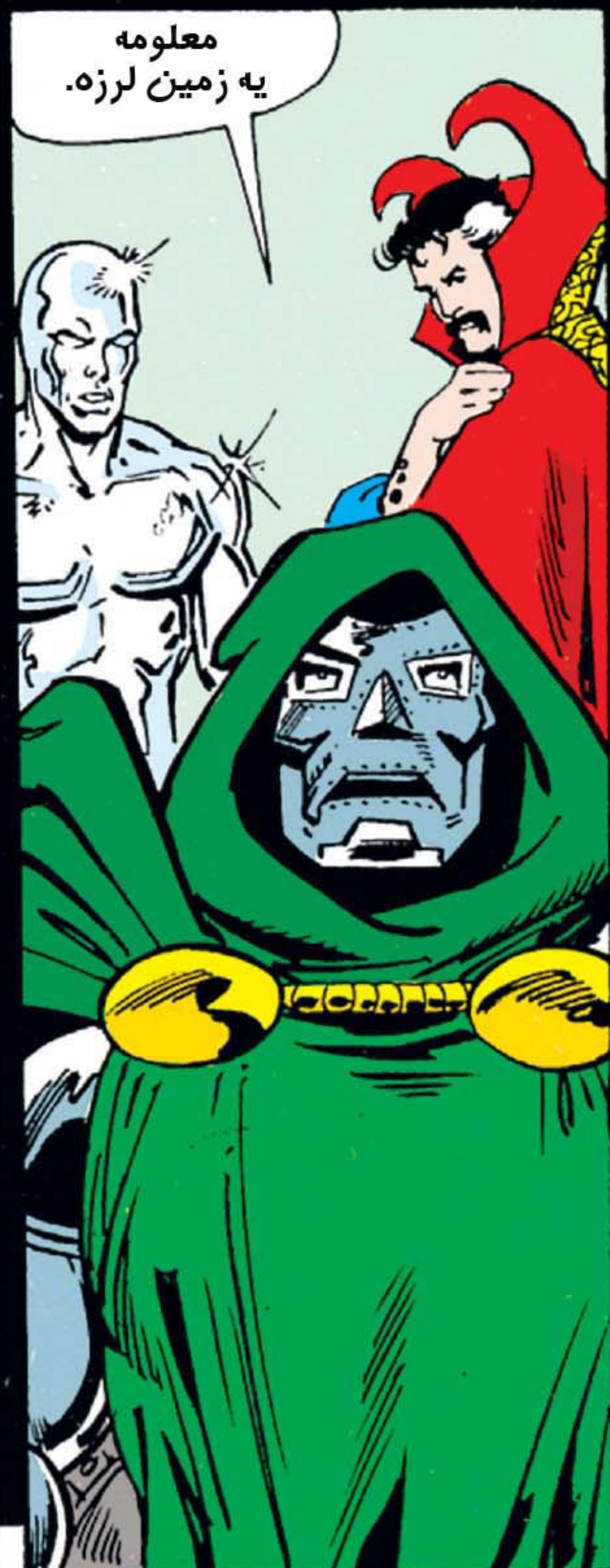




به نظر می رسه حال همه خوب باشه. چون دکتر استرنج با عجله جادوی محافظت رو اجرا کرد.



این چی بود دیگه؟



معلومه
یه زمین لرزه.



انگار خدا
به خشم اومده.



آره.

قسمت بعدی:
آمادگی برای

جنگ!